# کتاب هفته

شنبه ۱۵ اسفند ۱۳۸۳
۲۳ محرم ۱۴۲۶ ، ۵ مارس ۲۰۰۵
شماره۲۲۹ ،بیاپی۶۱۶
۳۲صفحه ،۱۰۰تومان
ISSN:1029-3345
www.ketabehafteh.ir

## راه روشن ؛ فردای سبز

### ساختمان جدید کتابخانه ملی افتتاح شد

## به پاس دانش و ادب فارسی

گفت‌وگو با حسینعلی محفوظ

بنیانگذار کرسی ادبیات فارسی در عراق

او بازگی در دوازدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطالعات ایرانی به‌خاطر مجموعه آثار مکتوب و خدمات علمی فراوان برگزیده شد.

پروفسور محفوظ چندی پیش سفری به ایران داشت که ضمن ملاقات با اساتید دانشگاه و حوزه و دیدار از تهران، اصفهان، مشهد و قم و سخنرانی در دانشگاههای فردوسی و تهران در مراسمی که به مناسبت تقدیر از تلاش‌ها و کوشش‌های وی در رونق و گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان عرب برگزار شد، شرکت کرد.

۱۰

منتشرشد

## اثری تازه از خانه کتاب

## مهم رساندن شعر به مخاطبان است

سید محمود سجادی ، بالغ بر سه دهه است که از نشر کتاب‌های شعرش خودداری کرده است. کسی که اخوان ثالث در کتاب «بدعت‌ها و بدایع» او را فرزند نیما خوانده است و بر اثر وسواسی که به سراغش آمده در طول این سی و سه سال دفتر شعری را به دست ناشر نسپرده است و اکنون در بهار ۸۳ وقتی نام وی را روی جلد کتابی با عنوان «رنج‌های شاعران» می‌بینم سراغش را می‌گیرم تا از گذشته‌های شعر و رنج‌های شاعری بگوید.

۲۰

پرونده

## پل استر

نثری غنی و رؤیاگون رفاقت مردانه

۹

## راهی به دنیای کودک

«بچه‌ها چطور با رخدادهای ناگهانی زندگی کنار می‌آیند؟ حوادث بزرگی که سرنوشتشان را زیر و رو می‌کند، اما آنها مجبورند به زندگی ادامه بدهند...»
این پرسش همیشگی موریس سنداک است؛ مشهورترین، محبوب‌ترین، پیشروترین و یکی از تأثیرگذارترین تصویرگران و نویسندگان کتاب کودک در عصر ما.

۱۴

Maurice Sendak

موریس سنداک، پسربچه مریض احوال یک خانواده تنگدست، در دهم ژوئن ۱۹۲۸ در محله بروکلین نیویورک به دنیا آمد. خانواده یهودی لهستانی الاصل او، قبل از جنگ جهانی اول به آمریکا مهاجرت کرده بودند و در تمام سال‌های دهه ۲۰-۱۹۳۰ خانه آنها از بستگان فراری و مهاجر پر و خالی می‌شد...

## تفسیر چشم‌انداز ۲۰ ساله

۱۹

گفت‌وگو با دکتر علی رفیعی؛ کارگردان سینما و تئاتر

## چرا آثار تان را چاپ نکرده‌اید؟ - بعضی‌ها اسم آن را وسواس می‌گذارند

۱۶

روایت اول شخص

## تاریخ چاپ سنگی در ایران

تاریخ در ترانه‌های عامیانه، فرهنگ واژگان طنز

۲۴

صفحات دیگر


نمایشگاه یزد
گشت‌وگذار
۷
سلمان هراتی
سرگذر
۲۳

ویژه‌نامه

ماهور نوی نژاد

# راه روشن، فردای سبز

## ساختمان جدید کتابخانه ملی افتتاح شد

کلنگ ساخت ساختمان جدید کتابخانه ملی در سال ۱۳۷۵ در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و دوران ریاست سیدمحمد خاتمی در کتابخانه ملی زده شد.

صبح روز سه‌شنبه یازدهم اسفندماه پس از گذشت ۹ سال ساختمان جدید کتابخانه ملی با حضور سیدمحمد خاتمی؛ رئیس جمهوری افتتاح شد.

در این مراسم علاوه بر وزیران کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسکن و شهرسازی، آموزش و پرورش، میهمانان ح و نمایندگان کشورهای خارجی و شماری از شخصیت های فرهنگی کشور نیز حضور داشتند.

سید محمدکاظم موسوی بجنوردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و مهندس عبدالعلی زاده، وزیر مسکن و شهرسازی در سخنرانی های خود در مراسم گشایش درباره ویژگی های فرهنگی و ساختمانی ساختمان جدید کتابخانه ملی توضیحاتی دادند.

ساختمان جدید کتابخانه ملی در فضایی به مساحت ۶۲ هزار متر مربع با زیربنای ۹۷ هزار متر مربع در تپه های عباس آباد واقع شده است.

واقع شدن این ساختمان در میان تپه ها و استفاده از آجر سه سانتی در نمای آن زیبایی خاصی به ساختمان بخشیده است ولی فراتر از این زیبایی راه روشن و فردایی سبز است که فعالیت های گسترده علمی و فرهنگی این ساختمان می تواند پیش روی خود و جامعه قرار دهد.

### سید محمدکاظم موسوی بجنوردی:
### منزلت کتاب در فرهنگ ما در هیچ پدیده دیگری دیده نمی شود

«منزلتی که کتاب در همه فرهنگ ها و تمدن های جهان دارد در هیچ پدیده دیگری دیده نمی شود.»

سید محمدکاظم بجنوردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ضمن بیان مطلب فوق گفت:

افتتاح بنای جدید ساختمان کتابخانه ملی در سرزمینی که خود از نخستین پدیدآورندگان دانش مکتوب و بنیانگذاران تمدن و فرهنگ بشر به شمار می رود موجب فخر و مباهات است.

وی افزود: حضور سروران نیز خود نشانه دلبستگی های فرهنگی فرهیختگان ایران و سایر ملل جهان است و از سوی دیگر نمایانگر اهمیت مراکز کتابخانه‌ای به ویژه کتابخانه های ملی است.

بجنوردی با اشاره به کوتاه شدن فاصله های زمانی و مکانی در جهان امروز اظهار کرد: برای کشورهای صاحب فرهنگ ایجاد و توسعه کتابخانه در هر شهری از شهرهای جهان باید از ارزش و اهمیت مشابه برخوردار باشد و غالباً نیز هست.

چنانکه که محققی در تهران به کتابخانه های شهرهایی چون پاریس، لندن، رم و اسکندریه کمابیش به همان اندازه دسترسی دارد که به کتابخانه کشور خود.

وی تصریح کرد: اولیای فرهنگی کشورها باید تدابیری بیندیشند تا این امکانات دسترسی تقویت گردد و امکان دسترسی بهتر و سریعتر به اطلاعات کتابخانه های ملی در سراسر جهان فراهم شود.

امروز جهت حرکت جهان و انسان به سویی است که دستیابی به تجربه نوین در ایجاد جهان مشترک بدون احساسات و دغدغه های فرهنگی اجتناب ناپذیر است.

وی با تأکید بر اشتراکات فرهنگی ملت ها گفت: بر این باوریم که اکنون نیز فرهنگ ها به رغم اختلاف در آداب و آیین ها و باورها از نقاط اشتراک فراوان برخوردارند. مشترکاتی که اگر نه در زبان آنها که در اندیشه و هنر و ادب جلوه می یابد. تنها باید این توان مشترک را بازشناخت آنگاه با واژگان ماندگار برگرفته از اندیشه و هنر اقوام و سرزمین های دور و نزدیک فاقد از نژاد و رنگ و دین گسترش داد.

وی ادامه داد: کتاب به مفهوم عام آن از روزگار باستان تاکنون عام ترین وسیله ضبط و انتقال اندیشه ها بوده است و در بررسی های مربوط به تاریخ، فرهنگ و تمدن، حجم آثار مکتوبی که در آن حوزه یا تحت تأثیر آن پدید آمده مهمترین معیار ارزیابی دستاوردهای علمی و فرهنگی به شمار می رود. رئیس کتابخانه ملی با اشاره به نقش اساسی کتاب در تمدن اسلامی اظهار کرد: کتابخانه های بزرگ ایران فرهنگ با جهان ایرانی از روزگار باستان تاکنون به ویژه در دوران اسلامی در

خراسان بزرگ و فارس و خوزستان بین النهرین نمایانگر ابعاد عمیق توسعه فرهنگی است.

وی افزود: آماری که از تعداد کتاب و مطالعه آنها در این سرزمین در دست است و در آثار مکتوب تاریخی و ادبی و دایرةالمعارف های کهن از آنها یاد شده حتی با معیارهای امروز هم شگفتی برانگیز است. این همه نمایانگر سنت دیرپای ضبط و نشر و انتقال دانش و فرهنگ است. تمدن های ایران، هند و یونان و بین النهرین با همین اهداف به حوزه اسلام راه یافتند و با فرهنگ اسلامی در آمیخته و در آن میان تمدنی عظیم به بار آوردند.

وی با اشاره به اینکه در عصر انقلاب ارتباطات که بشر قادر به حرکت نوینی در عرصه های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی شده کتاب را مهمترین ابزار شناخت اسرار و ابعاد و تمایلات بشری برشمرد و ادامه داد: امروز انسان شرقی و غربی می تواند به همان اندازه که ادب و هنر اندیشه دینی خویش را درک می کند و از آن لذت می برد از یک کتاب ادبی یا فلسفی و یا یک قطعه موسیقی، یک تابلوی نقاشی، یک اثر معماری و یا هر اثر هنری متعلق به قوم دیگر هم لذت ببرد. تاریخ جهان گویای این معناست که بنیادهای هر تمدن بزرگ ، مهمترین آثار و دستاوردهای تمدن های پیشین شده است و این داد و ستد هم در عرصه رقابت و هم در میدان تعامل دست داشته است.

وی در بخش دیگری از سخنانش ابراز امیدواری کرد: امیدواریم روزی جهان به دهکده‌ای تبدیل شود که ساکنانش خویشاوند یکدیگر به شمار آیند، خلاقیت در آن پرورش یابد و از قید و بند تنگناهای سست و تاریک نادانی رها شود، دانش، هنر و اندیشه جهانی همه اقوام بشر را به سوی هم اندیشی و یگانگی رهنمود کرده است و جهل و تعصب جای خویش را به دانایی داده است.

وی تصریح کرد: بخصوص کتابخانه های ملی در خدمت حفاظت و اشاعه فرهنگ و دانش در مسیر انسان پروری ایفای نقش می نمایند. موسوی بجنوردی درباره ساختمان جدید کتابخانه ملی گفت: در این بنای جدید تالار نمایش به نام کمال الملک، تالار نسخه های خطی نفیس، به نام خوارزمی، تالار آثار ایران شناسی و اسلام شناسی به نام سهروردی، تالار منابع انسانی به نام ابن سینا، تالار مرجع و کتاب شناسی به نام ابن سلیم و تالار کتاب ها و آثار حوزه علوم و فنون به نام زکریای رازی نامگذاری شده است تا بر همگان اعلام شود که اینجا بوستان دانشمندان است. وی ادامه داد: ابعاد گوناگون کتابداری و اطلاع رسانی با استفاده از آخرین فناوری ها به مراجعان عرضه خواهد شد تا قدم های مؤثر و پایدار در راه توسعه برداشته شود.

### مهندس عبدالعلی زاده:
### کتابخانه ملی قلب نظام اطلاع رسانی است

«کتابخانه ملی ایران خزانه‌دار و نگهدار یادگارهای ماندگار نوشتاری، دیداری و شنیداری ملت، گردآورنده دستاورد بخش های علمی، فرهنگی کشور و قلب نظام اطلاع رسانی است.»

مهندس عبدالعلی زاده، وزیر مسکن و شهرسازی ضمن بیان مطلب فوق گفت: کتابخانه ملی نهادی است که با پاسداری از میراث دیروز نقش فعالی در شکل دادن به امروز و حرکت به سوی فردای روشن دارد.

وی افزود: ساختمان سازی برای نهادی که بار سنگین نگه‌داری همه دستاوردهای فرهنگی را دارد کاری بس مهم و دشوار بود.

عبدالعلی زاده درباره تاریخچه تهیه طرح کتابخانه ملی گفت: در سال های دور گروهی از کارشناسان مهندسی ساختمان زیر برنامه طراحی ساختمان کتابخانه ملی را تهیه کردند.

وی ادامه داد: این طرح دارای ظرفیت ۴ میلیون جلد کتاب در قفسه های استاندارد و ۷ میلیون جلد کتاب در قفسه بندی های فشرده است.

برنامه ریزی درست و پاسخگو به نیازها و مناسبت های نهاد کتابخانه ملی کار مهمی بود که توفیقات به دست آمده در طراحی و ساخت و ساز را باید از پیامدهای آن دانست.

وی ارتباطات مناسب، گنجایش و جمعیت پذیری به ویژه در روزها و ساعات تعطیل ، شرایط محیطی مناسب، ابعاد و نشیب لازم و پایداری را از شرایط لازم برای انتخاب زمین این طرح برشمرد و گفت: زمین طرح با وسعت ۶۳ هزار متر مربع از سوی شهرداری تهران در اختیار این طرح قرار گرفت که در واقع مرکزیت مجموعه فرهنگی در تهران گردید.

وی افزود: در ضلع شمالی کتابخانه میدان وسیعی به نام میدان فرهنگ ساخته می شود که در کنار آن ساختمان فرهنگستان قرار گرفته و در ضلع دیگر آن مجموعه باغ کتاب را شهرداری در حال طراحی و ساخت دارد. وزیر مسکن و شهرسازی با اشاره به سپردن کار طراحی ساختمان به مهندسان مشاور پیر راز گفت:

با توجه به لزوم پاسخگویی به وظایف چندگانه کتابخانه ملی و تجارب به دست آمده از کتابخانه های ملی در سایر نقاط جهان و توجه لازم به توصیه ها و رهنمودهای کارشناسی که دادن خدمات در کتابخانه را آسان می کند و با عنایت به مجموعه‌ای در محدودیت ها و بایدها و نبایدهای ناشی از ضرورت ها و ویژگی های ذاتی و محیطی ویژه این ساختمان بر معماری آن اثر گذاشت.

وی تصریح کرد: کتابخانه ملی از فضاهایی به وسعت ۱۰ متر مربع تا ۳ هزار متر مربع تشکیل می شود

### رؤ سا و نام‌آوران کتابخانه ملی ایران

کتاب «رؤسا و نام آوران کتابخانه ملی ایران» تألیف ناهید حبیبی آزاد به مناسبت گشایش ساختمان جدید کتابخانه ملی ایران از سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر شد.

در این کتاب که دارای ۲ بخش است ابتدا رؤسا و سپس نام آوران کتابخانه ملی ایران از سال ۱۳۱۶ هجری شمسی تا سال ۱۳۸۳ هجری شمسی معرفی شده‌اند. زندگینامه، مشاغل، فعالیت ها در کتابخانه ملی، سایر فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و آثار این افراد در این کتاب بیان شده است.

در پایان کتاب نیز چند عکس از مدیران اسبق کتابخانه ملی چاپ شده است.

که در اکثر مواقع باید با هم ترکیب شوند، شاید با تکیه بر نور مصنوعی بتوان این مسأله را حل کرد ولی اولویت دادن به نور طبیعی از ملاحظات این طرح بوده است .

عبدالعلی زاده در پایان صرفه جویی در مصرف سوخت و برق، تأسیسات گسترده مکانیکی و فنی؛ استفاده از نظام VMS، استفاده از بهترین سازه ها، ایجاد کف کاذب و حداکثر استفاده از وسایل بومی را از دیگر ویژگی های این ساختمان برشمرد.

### سیدمحمدخاتمی:
## کتاب مظهر اندیشه و کتابخانه چراغی برای راه آینده است

«کتاب مظهر اندیشه و کتابخانه از دل معارف گذشته چراغی برای راه آینده است.»

سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری ضمن بیان مطلب فوق با اشاره به حادثه تاریخی آتش زدن کتابخانه ری گفت: آنجا که اندیشه هست، تمدن و باروری تمدن نیز هست و آنجا که اندیشه سوزی هست، تمدن سوزی نیز هست.

وی افزود: این شیوه اندیشه سوزی نه تنها غرب را برای مدتی از دسترسی به زندگی پیش روی او محروم ساخت بلکه مردم دنیای مدرن را از بسیاری از حقایق علم محروم کرد.

وی با اشاره به آغاز ساخت ساختمان جدید کتابخانه ملی اظهار کرد: روزی که کار این ساختمان آغاز شد تعداد عنوان کتاب ها از ده هزار تجاوز نمی کرد ولی امروز تعداد کتاب ها از مرز ۳۰ هزار عنوان هم گذشته است.

وی ادامه داد: اهمیت کتابخانه این است که جایگاه آثار اندیشه های نو است و افتتاح کتابخانه فرصت مناسبی برای تأمل اندک در باب کتاب است.

رئیس جمهوری با تقسیم کتاب به ۲ نوع تمام و ناتمام گفت: کتاب تمام کتابی است که نویسنده ای می نویسد و به دست نشر می سپارد؛ وجود این کتاب کامل شده و تغییرپذیر نیست و کتاب ناتمام کتاب عمر آدمی است که با هر لحظه اندیشیدن و عمل کردن سطری به آن افزوده می شود. این کتاب وقتی به پایان می رسد که عمر آدمی به پایان می رسد.

سید محمد خاتمی لازمه فهم کتاب ناتمام جهان را ذهنی پرنشاط و زنده دانست و درباره نسبت بین کتاب تمام و ناتمام، مفاهیم انتزاعی و واقعیت های اجتماعی، تأملات نظری با واقعیت های اجتماعی گفت:

باید به خوبی نشان بدهیم نظریه ای که نظر به واقعیت های انزوایی مشخص نداشته باشد اصلاً عمل انسانی نیست.

وی ادامه داد: سؤالی که برای حیات اجتماعی ما اهمیت فراوان دارد این است که معرفت به خود چگونه ممکن است و نسبت آن با شناخت دیگری چیست، سؤال در باب خودشناسی، هویت و تفکر در واقع، بدون تأمل عمیق در نحوه شناخت دیگری محال است.

وی در بخش دیگری از سخنانش درباره اندیشیدن گفت: در فرهنگ، اندیشیدن متضمن نوعی دلواپسی و دلهره است به همین جهت، هم اندیشمند داریم، هم اندیشناک، اما تفکر در تاریخ همواره ویرانگر بوده است.

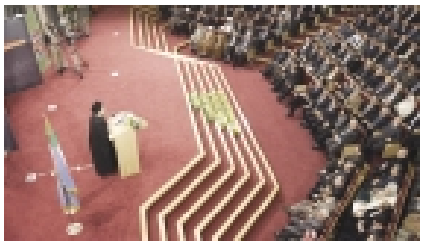

تفکر اگر چیزی را خراب کرده است به خاطر ساختن چیز دیگری بوده است.

رئیس جمهوری در پایان سخنانش تأکید کرد: باید کتابخانه را همچون معابد مقدس بدانیم؛ در کتابخانه است که می آموزیم دوست بداریم، زیبایی و جمال مطلق را بپرستیم و صلح جو باشیم. کتابخانه پناهگاه مطمئن و میعادگاه همه آرمان خواهان است.

## اهدای لوح

سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری پیش از سخنرانی خود به گروهی از دست اندرکاران ساختمان جدید کتابخانه ملی در بخش های مختلف فنی، علمی، فرهنگی و... لوح تقدیر اهدا کرد که اسامی آنها به شرح زیر است.

خانواده مرحوم احمد شریعت زاده، علیرضا تابش، محسن میرحیدر، زهرا شادمان، مرتضی آقاشاه، غلامرضا یزدجردی، مهندس امیری، پوراندخت سلطانی، کامران فانی، شیرین تعاونی و مرتضی هاشم پور.

## در حاشیه

○ سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری پیش از مراسم گشایش از بخش های مختلف ساختمان جدید کتابخانه ملی بازدید کرد و از لوح بنا پرده برداری کرد.

○ هانس هایریش ورد، مدیر ارشد یونسکو نیز در مراسم گشایش ساختمان جدید کتابخانه ملی سخنرانی کرد که به دلیل عدم دسترسی به مترجم در مراسم، نتوانستیم گزارش سخنرانی وی را ارائه دهیم.

○ در پایان مراسم سرود «دانش» و «کتاب» توسط ارکستر ملی ایران به رهبری فرهاد فخرالدینی که کار آهنگسازی را نیز انجام داده بود، اجرا شد.

○ بعضی از کتابداران به خبرنگار ما گفتند که حق سید محمد خاتمی در این مراسم به درستی ادا نشد. سید محمد خاتمی بنیادگذار این تحول در ساختار و ساختمان کتابخانه ملی است و در دوران ریاست او در کتابخانه کلنگ احداث این مجموعه زده شد؛ بعدها نیز اگر حمایت های بی دریغ او نبود گردانندگان بعدی به هیچ وجه نمی توانستند مجموعه ای این چنین آبرومند را برپا کنند. از این رو جا داشت از سوی اعضای هیأت علمی کتابخانه ملی، انجمن کتابداران و بزرگان کتابداری ایران لوح سپاس به ایشان اهدا می شد و قدردانی ویژه ای از او به عمل می آمد.

## سرود کتاب و دانش

سرود کتاب و سرود دانش سروده محمد رضاشفیعی کدکنی و احمد جلالی در مراسم گشایش ساختمان جدید کتابخانه ملی توسط ارکستر ملی ایران اجرا شد.

متن این اشعار در زیر می آید:

**سرودکتاب**

**تو ای پور پیدار ایران زمین**
**تو ای شعله دودمان کیان**
**سزد گر سپاری بدین نکته هوش**
**که فرموده پیغمبر آن را بیان**
**اگر دانش اندر ثریا بود**
**بدان دست یابند ایرانیان**
**در این بیکرانی که تا جاودان**
**روان است شط زمان با شتاب**
**بر این تارم لاجوردی به زر**
**نوشته ست روشن تر از آفتاب**
**نشان رهایی و راه خرد**
**نیابی مگر در سطور کتاب**

**سرودودانش**

**قسم به شأن قلم آیتی ست ربانی**
**و هم به آنچه نویسند رأی قرآنی**
**یگانه یار کتابا، یال زانکه به دهر**
**سترگ معجزه خاتم رسولانی**
**خیال هستی جاوید می پزیم و شگفت**
**شکفت در تو گل آرزوی پنهانی**
**کتابخانه که زندان توست باغ من است**
**کجا رویم که با یوسفیم زندانی**
**عیار علم و خرافات با تو می سنجند**
**که اهرمن نبرد خاتم سلیمانی**
**هماره ایران بخوان سرود کتاب**
**سرود دانش آنک سرود ایرانی**
**چو دور مجلسیان را خمار می شکند**
**تو حافظانه ترین جام ها بگردانی**
**بیال و بال خود ای رخش ای خجسته یراق**
**نجات رستم دانش ز هفتمین خوانی**
**بمان که بی تو پریشان پریر دانش**
**به جمع ما که تویی مجمع پریشانی**
**چو دور مجلسیان را خمار می شکند**
**تو حافظانه ترین جام ها بگردانی**
**به بوی ایران ایران به بوستان ادب**
**که پروریده گل دامن گلستانی**
**هماره ایران بخوان سرود کتاب**
**سرود دانش آنک سرود ایرانی**

## خبرنامه های گشایش کتابخانه ملی ایران

پنج شماره خبرنامه گشایش ساختمان جدید کتابخانه ملی ایران به مناسبت مراسم گشایش این ساختمان منتشر شده است.

همانند اولین شماره این خبرنامه که در شماره پیشین کتاب هفته معرفی شد، شماره های بعدی نیز دارای ضمیمه انگلیسی هستند.

در شماره دو خبرنامه مطالبی چون موزه کتاب؛ آموزش کتابداری نوین (گفت وگو با عبدالله نجفی، مدیر کل پژوهش و آموزش کتابخانه ملی)؛ آندره گدار، معمار نخستین ساختمان کتابخانه ملی ایران؛ کتابخانه ملی آلمان؛ درباره کتابخانه ملی قبل از انتقال و... به چشم می خورد.

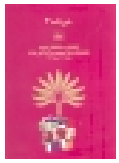

همکاری جهانی، این کار نیاز به کارشناسی بیشتری دارد (گفت وگو با غلامرضا امیرخانی، مدیر ساختمان سی تیر کتابخانه ملی)؛ کتابداری با معیارهای جهانی (گفت وگو با مهندس حمید جراح و مهندس حسن باقری به ترتیب مدیر پروژه و مدیر اجرایی)؛ دارالفنون، نخستین دانشگاه جدید ایران و... مطالب سومین شماره خبرنامه گشایش ساختمان جدید کتابخانه ملی ایران هستند.

چهارمین شماره خبرنامه نیز شامل مطالبی چون عصر اطلاعات و مبادلات فرهنگی (گفت وگو با مرتضی هاشم پور، مدیر کل روابط عمومی و بین الملل سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)؛ فناوری اطلاعات و کتابخانه دیجیتالی (گفت وگو با دکتر سید علی فیروزآبادی، مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در زمینه فناوری اطلاعات)؛ معماری مرکز می شناسد و... است.

پنجمین شماره این خبرنامه هم روز پنج شنبه هفته گذشته منتشر شد .

به همت سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد

## نخستین دانشنامه شعر عاشورایی



سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دست به اقدامی سترگ زد و «دانشنامه شعر عاشورایی» را در دو مجلد و ۱۸۲۰ صفحه، با کیفیتی درخور، چاپ و منتشر کرده است.

دانشنامه شعر عاشورایی به بررسی تأثیر و نفوذ انقلاب حسینی و شعر شاعران عرب و پارسی گوی می‌پردازد. کتاب در دو جلد به‌طور مفصل همه شاعرانی را که از آن تاریخ تا روزگار حاضر در این این عرصه شعر گفته‌اند، در بر می‌گیرد.

اسناد بها: «الدین خرمشاهی، قرآن پژوه معاصر نیز پیشگفتاری قرآنی با موضوع «امام حسین(ع) در قرآن کریم» برای این دانشنامه نوشته است.

محقق و گردآورنده این اثر، خاتم مرضیه محمدزاده، در مدت پنج سال با بررسی زندگی اباعبدالله الحسین(ع) این کتاب مرجع را تدوین کرده است.

از ویژگی های دیگر این دانشنامه این است که تمام حدود ۲۱۵ شاعر عرب و ۳۵۰ شاعر پارسی گوی را همراه با نمونه‌هایی از اشعارشان آورده است. همچنین، افزودن نه نمایه موضوع مفصل (شامل نمایه آیات، روایات، اشعار عربی، اشعار فارسی، اشخاص، اماکن، قبایل و فرقه‌های مذهبی، وقایع و کتب)، این اثر مرجع را بسیار کاربردی‌تر کرده است؛ به گونه‌ای که برای اهل تحقیق و پژوهش بسیار سودمند خواهد بود.

کتاب در قطع رحلی و با قیمت ۱۶۰۰۰۰ هزار تومان (دوره دوجلدی) بزودی روانه بازار خواهد شد.

## ۳۶۸ عنوان کتاب در راه

**گروه خبر کتاب هفته:** ۳۶۸ عنوان کتاب در هفته منتهی به دوازدهم اسفندماه مجوز گرفتند که آمار موضوعی آنها به شرح زیر است:

علوم دانشگاهی (۸۳ عنوان) ادبیات (۷۳ عنوان)، علوم اجتماعی (۵۷ عنوان)، کمک درسی (۵۴ عنوان)، روانشناسی (۳۳ عنوان)، هنر (۱۶ عنوان)، تاریخ (۱۴ عنوان)، دین (۱۴ عنوان)، کلیات (۱۳ عنوان) و علوم سیاسی (۱۱ عنوان).

همچنین در هفته مذکور ۹۶۳ عنوان کتاب به چاپ اول و تجدید چاپ به دبیرخانه هیأت نظارت بر ضوابط نشر کتاب اعلام وصول شده است.

## هشتاد و هفتمین نمایشگاه کتاب استانی در اهواز امروز افتتاح می‌شود

**گروه خبر کتاب هفته:** هشتاد و هفتمین نمایشگاه کتاب استانی و سومین نمایشگاه کتاب خوزستان با ۹۵ هزار عنوان کتاب و ۱۱۰۰ ناشر سراسر کشور از امروز (شنبه) به مدت یک هفته در اهواز برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران برگزاری مراسم شب شعر محفل انس با قرآن، بررسی ادبیات پایداری، چشم‌انداز ادبیات دینی و اجرای برنامه‌های تقالی با موضوع روایات دینی و واقعه عاشورا و نمایش عکس و آثار تجسمی با موضوع محرم از جمله برنامه‌های جنبی این نمایشگاه است.

لازم به ذکر است این نمایشگاه صبح‌ها از ساعت ۱۲-۹ و بعدازظهرها از ساعت ۲۰-۱۵ در مصلای نماز جمعه اهواز برگزار می‌شود.

## مدیر انتشارات رز درگذشت

هوشنگ حیدریان آشکار مدیر انتشارات رز به علت سانحه تصادف رانندگی ۲۹ بهمن‌ماه در سن ۵۹ سالگی جان خود را از دست دادوی با ۴۰ سال سابقه در زمینه کتابفروشی و نشر بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب را به چاپ رسانده است.

از کتاب‌های این انتشارات می‌توان به در پوست شیر، ماجرای نیمه شب، مرگ فروشنده، دایره گچی قفقازی، آدم آدم است، شام طولانی کریسمس، مردی در قفس، بررسی شعر و نثر فارسی معاصر، رابطه هنر با واقعیت و... اشاره کرد.

**تسلیت**

**جناب آقای دکتر فریدون کامران**
**مدیرعامل محترم نشر استادیار**

درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت می گوییم.

**کتاب هفته**

با نمایشگاه هجدهم

# ثبت نام ناشران داخلی هفته آینده آغاز می شود

**گروه خبر کتاب هفته:** ثبت نام از ناشران داخلی برای شرکت در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هفته آینده آغاز می‌شود در حالی که هنوز بر سر مکان برگزاری این نمایشگاه بحث و اختلاف نظر است.

مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران هفته گذشته برگزاری نمایشگاه کتاب سال آینده را منوط به دستور رئیس جمهوری دانسته و گفته بود: اعضای شورای شهر تهران با توجه به آخرین اظهارات رئیس جمهوری در خصوص عدم برپایی نمایشگاههای پرازدحام در مکان فعلی و واگذاری جانمایی برگزاری نمایشگاه به چند وزیر، تصمیم گرفتند در خصوص تصمیم‌گیری برپایی نمایشگاه کتاب در سال ۸۴ را به خود رئیس جمهور واگذار کنند و در این زمینه ورودی نداشته باشند.

پیش از این تصمیم، کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر با مسؤولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ناشران جلساتی برای بحث در این باره تشکیل دادند که به نتیجه‌ای نرسید.

از سوی دیگر مقدمات برگزاری هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب در معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حال انجام و پیگیری است. محمدجواد مرادی‌نیا، مدیر کمیته ناشران داخلی هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در گفت‌وگو با سناد اطلاع‌رسانی این نمایشگاه اعلام کرده است:

ثبت نام از ناشران داخلی متقاضی شرکت در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، از اواسط هفته آینده آغاز می‌شود.

مرادی‌نیا تصریح کرده: در نشست کمیته ناشران داخلی با کمیته اجرایی نمایشگاه مقرر شده است که نماینده کمیته اجرایی نمایشگاه کتاب در ستاد برگزاری این نمایشگاه حضور داشته باشد و در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، تنها آثار مکتوب منتشر شده در پنج سال اخیر می‌توانند حضور یابند. وی برنامه‌ریزی در جهت هماهنگی با سازمان‌های مختلف و نحوه ارائه خدمات برای رفاه هر چه بیشتر بازدیدکنندگان را از دیگر موارد مطرح شده در این نشست عنوان کرد.

## ۱۸ میلیون دلار کتاب برای عرضه در هجدهمین نمایشگاه کتاب

بر اساس مکاتبات و پیگیری‌های انجام‌شده با مؤسسات انتشاراتی خارجی تاکنون ۱۸ میلیون دلار محموله کتاب برای نمایش و عرضه در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب روانه ایران شده است.

محمدرضا وصفی، مدیر کمیته بخش بین‌الملل نمایشگاه کتاب ضمن بیان مطلب فوق در پنجمین جلسه ستاد برگزاری هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که با حضور معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مدیران بخش‌های اجرایی، ناشران داخلی، برگزار شد، با اشاره به اتمام ثبت نام ناشران خارجی گفت: سهمیه ارزی خرید کتاب برای افراد و مؤسسات علمی فرهنگی نیز در سطح اعتبارات سال گذشته عرضه می‌شود.

در این جلسه همچنین محمدعلی شعاعی، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس ستاد برگزاری هجدهمین نمایشگاه کتاب گفت: نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران یکی از معتبرترین نمایشگاههای فرهنگی جهان و از لحاظ جذب مخاطب نخستین نمایشگاه در سطح دنیا است. بنابراین ضرورت دارد هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به بهترین شکل در سطح گسترده و باشکوهی برگزار شود.

وی افزود: برای تحقق این امر لازم است با ارائه برنامه‌های جذاب و متنوع زمینه حضور هر چه بیشتر اقشار مختلف مردم و به تبع آن جوانان در این دوره از نمایشگاه کتاب فراهم شود.

شعاعی در ادامه، استقبال ناشران ایرانی و خارجی از نمایشگاه کتاب تهران را در دوره‌های گذشته بی‌نظیر دانست و گفت: حضور بیش از سه هزار ناشر ایرانی و خارجی و بازدید گسترده مردم از هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب باعث شد تا مسؤولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درصدد ارائه تسهیلات بهتری برای بازدیدکنندگان و ناشران ایرانی و خارجی باشند. رئیس هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اظهار داشت: تجربه موفق سال گذشته که حاصل همکاری خوب و مؤثر اعضای شورای شهر، شهرداری تهران، وزارت بازرگانی و دیگر دستگاههای اجرایی بود، نشان از آن داشت که مجموعه مسؤولان اجرایی نظام جمهوری اسلامی اهتمام ویژه‌ای به بخش فرهنگ دارند و حمایت از حوزه کتاب را از اولویت‌های خود می‌دانند.

## جدیدترین اخبار از جشنواره کتاب کودک

**این روزها مهمترین اخبار حوزه کتاب کودک مربوط به برگزاری نخستین جشنواره کتاب کودک و نوجوان است که در روزهای ۱۸ تا ۲۲ اسفندماه در شهر کرمان برگزار می‌شود. جدیدترین اخبار از این جشنواره:**

### اعضای هیأت علمی همایش معرفی شدند

**اعضای هیأت علمی همایش بررسی مسائل کتاب کودک و نوجوان ایران معرفی شدند.**

**به گزارش سناد اطلاع‌رسانی جشنواره کتاب کودک و نوجوان ایران، مهدی اورگانی، دکتر سیده خلیلی، دکتر مجتبی رحماندوست، دکتر علی رئوف و سیدعلی کاشفی خوانساری (دبیر همایش) اعضای هیأت علمی همایش بررسی کتاب کودک و نوجوان ایران هستند.**

**اعضای هیأت علمی این همایش مسؤولیت گزینش و بررسی آثار رسیده بر اساس فراخوان جشنواره را بر عهده داشتند.**

### برگزاری ۱۸ میزگرد تخصصی

**۱۸ میزگرد تخصصی در موضوعات مختلف کتاب کودک و نوجوان همزمان با برپایی همایش مسائل کتاب کودک در ایران طی روزهای ۱۹ الی ۲۱ اسفندماه جاری با حضور جمعی از نویسندگان، منتقدان و کارشناسان ادبیات کودک در کرمان برگزار می‌شود.**

**بنابراین گزارش عناوین این میزگردها عبارتند از: ۱- کتاب کودک و نوجوان و بازارهای جهانی ۲- شعر جوان و چالش‌های آن ۳- ادبیات معاونت برای کودکان و نوجوانان ۴- تصویرگری کتاب‌های کودک و نوجوان ۵- ظرفیت‌های ادبیات کهن و عامیانه برای کودکان و نوجوانان ۶- آموزش در نشر و تولید کتاب‌های کودک و نوجوان ۷- چیستی ادبیات کودک و نوجوان ۸- کتاب آرایی کتاب‌های کودک و نوجوان ۹- ادبیات کودک و نوجوان و اقتباس برای سینما و تئاتر ۱۰- ادبیات دینی و معنوی برای کودکان و نوجوانان ۱۱- طنز در ادبیات کودک و نوجوان.**

### برپایی نمایشگاه کتاب‌های چاپ اول

**نمایشگاه کتاب‌های چاپ اول سال‌های ۸۲ و ۸۳ در نخستین جشنواره کتاب کودک و نوجوان ایران از ۱۸ اسفندماه در شهر کرمان برگزار می‌شود.**

**در این نمایشگاه ۲۵۰۰ عنوان کتاب در حوزه کودک و نوجوان با موضوعات مختلف توسط ناشران کتاب کودک به نمایش گذاشته خواهد شد.**

**همچنین برپایی نمایشگاه کتاب‌های برگزیده نیز از دیگر برنامه‌های جشنواره کتاب کودک در کرمان است. در این بخش کتاب‌هایی که در جشنواره‌های انتخاب کتاب در کشور جوایزی را به خود اختصاص داده‌اند نمایش داده خواهد شد.**

## انتخاب کتاب سال خراسان شاید وقتی دیگر

**گروه خبر کتاب هفته:** دومین دوره انتخاب کتاب سال استان خراسان به سال آینده موکول شد.

کاظم دبیری، رئیس اداره امور فرهنگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان ضمن بیان مطلب فوق، دلیل این امر را وجود مشکلات مالی و جمع‌آوری تعداد کمی از کتاب‌های چاپ‌شده در سال ۸۴ در این استان ذکر کرد و گفت: ۲ هزار عنوان کتاب در سال ۸۲ در استان خراسان به چاپ رسیده است که از این تعداد تنها ۲۸۰ عنوان کتاب به دست ما رسید.

این مراسم قرار بود همزمان با برپایی نمایشگاه کتاب استان خراسان برگزار شود.

لازم به ذکر است نمایشگاه کتاب این استان با ۵۰ هزار عنوان کتاب از ۵۷۰ ناشر سراسر کشور، ۸ تا ۱۴ اسفندماه در محل نمایشگاه بین‌المللی مشهد برگزار شد.

برپایی سرای اهل قلم به منظور نقد و بررسی کتاب، ایستگاه آموزش مهارت‌های مطالعه، ایستگاه قصه‌گویی و نقاشی و نمایش تعزیه از جمله برنامه‌های جنبی این نمایشگاه بود.

همچنین در حاشیه این نمایشگاه سه همایش «بازار الکترونیکی کتاب»، «راهبردهای فرهنگ‌سازی برای مطالعه» و «آشنایی با شیوه‌های نوین مطالعه» برگزار شد.

## جشن کتاب، کودک، بم، در کرمان برگزار می شود

**گروه خبر کتاب هفته:** جشن کتاب، کودک، بم با هدف رساندن کتاب به دست کودکان بم، همزمان با نخستین جشنواره بین‌المللی کتاب کودک و نوجوان، ۱۸ تا ۲۴ اسفندماه در کرمان برگزار می‌شود.

در این برنامه که به همت انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان و با همکاری معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن فرهنگی ناشران کتاب‌های آموزشی و جمعی از ناشران کتاب‌های کودک و نوجوان صورت گرفته، کمک‌های نقدی و کتاب‌های اهدایی ۲۸ ناشر و بیش از ۱۰۰ نمایندگی آنها به دست کودکان بم می‌رسد.

لازم به ذکر است عمده کتاب‌ها از طرف ناشران کتاب کودک و نوجوان اهدا شده و با حضور نویسندگان، کتاب‌ها به‌صورت «همت عالی» (با امضای نویسنده) به فروش می‌رسد و سود حاصل از آن صرف خرید کتاب برای کودکان بم می‌شود.

همچنین نمایشگاه کتابی نیز با هدف کمک به ناشران جشنواره کرمان برای فروش بیشتر و نیز رساندن کتاب ارزان به دست کودکان و بزرگسالان موازی با این جشنواره برپا می‌شود.

این نمایشگاه با مساعدت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در فضایی به وسعت ۱۲۰۰ متر برگزار می‌شود.

بازتاب

## توضیح یک خبر

... چون گفته‌ای که در شماره ۸ اسفندماه کتاب هفته در مورد ادای احترام به مقام علمی و پژوهشی دوست دیرینم دکتر محمدامین ریاحی به من نسبت داده شده است با آنچه در آن محفل دوستانه گفته‌ام مغایرت دارد و حتماً برای حضاری که عرایضم را شنیده‌اند تعجب‌آور خواهد بود خواهشمندم این توضیح را درج فرمایید.

من به مناسبت حجب و خضوع دکتر ریاحی در قبال صحبت‌های صمیمانه آقای اصغر علمی، سخنم را این طور آغاز کردم که ریاحی در حق مراتب والای علمی و خدمات برجسته فرهنگی خود بی‌انصافی کرد در حالی که تحقیقات و تألیفات ایشان در ادب و تاریخ حکایت تام دارد از مجموعه کارهای برجسته‌ای که در نشر متون پیشینه و گرامیداشت زبان فارسی در مواقع سخت انجام داده است و دو سه عبارت دیگری که در همین زمینه‌ها بود، نمی‌دانم گزارشگر گرامی از کجا مطلبی را شنیده و به من نسبت داده است که مطلقاً بر زبانم جاری نشده بود.

از لطف شما در مورد انتشار اعلان و مقدمه کتاب «کتابفروشی» که امیدوارم برای تاریخ فرهنگ ایران تازگی داشته باشد و نیز همدردی دلسوزانه نسبت به درگذشت فرزندم که چند جا ابراز کرده‌اید البته سپاسگزارم.

**ایرج افشار**
**۹ اسفند ۱۳۸۳**

# وضعیت کارمندان کتابخانه‌های عمومی مشخص شد

گروه خبر کتاب هفته: پیرو تبدیل کتابخانه‌های عمومی کشور به نهاد عمومی غیردولتی، وضعیت شغلی و استخدامی کارمندان کتابخانه‌های عمومی و دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت. با پیگیری‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این مسأله در جلسه هیأت وزیران بررسی شد و در جلسه مورخ هفتم بهمن‌ماه مصوبه‌ای در این باره به تصویب رسید که متن آن به شرح زیر است.

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۷ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۸۱۹۷ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۴ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد ماده واحده لایحه قانونی نحوه اعزام مستخدمان دولت به عنوان مأمور به نهادهایی که در جریان انقلاب اسلامی ایجاد شده یا می‌شوند - مصوب ۱۳۵۸- شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و بند «ب» ماده (۱۱) قانون استخدام کشوری - مصوب ۱۳۴۵- تصویب نمود:

۱- نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به فهرست مؤسسات موضوع بند «ب» ماده (۱۱) قانون استخدام کشوری اضافه می‌شود.

۲- مستخدمان رسمی و پیمانی شاغل در کتابخانه‌های عمومی و دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور با حفظ «پست سازمانی با نام» به نهاد یادشده مأمور می‌شوند و تا رسیدن به شرایط بازنشستگی و یا خروج طبیعی از خدمت، به صورت مأمور در نهاد یادشده انجام وظیفه می‌نمایند. در سال ۱۳۸۴ حقوق و مزایای این افراد از محل اعتبارات وزارت یادشده پرداخت شده و کسور بازنشستگی و بیمه کارکنان یادشده، نیز در سال ۱۳۸۴ از اعتبارات وزارتخانه مذکور برابر قوانین و مقررات مربوط و حسب مورد به صندوق بازنشستگی کشوری (در مورد مستخدمان رسمی) و سازمان تأمین اجتماعی (در مورد مستخدمان پیمانی) واریز می‌شود.

۳- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجاز است پست‌های سازمانی مستخدمان مشمول این تصویب‌نامه را که تا تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه به عنوان مستخدم وزارتخانه یادشده در دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های عمومی اشتغال دارند به پست با نام تبدیل نماید.

تبصره- پست‌های بانام یادشده برای ادامه اشتغال مشمولان این تصویب نامه تا تاریخ ۱۳۸۴/۱/۳۰ تأیید دبیر کل بلامانع می‌باشد ولی انتصاب آنان در سایر پست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجاز نمی‌باشد.

منظور از ایجاد پست‌های سازمانی با نام تبدیل پست‌های دارای شاغل دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های عمومی کشور (که در حال حاضر در مجموعه تشکیلاتی مصوب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود دارد) به نام شاغل کنونی می‌باشد.

سایر پست‌های بلامتصدی موجود در کتابخانه‌ها و دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور و پست‌هایی که با رسیدن افراد مشمول این تصویب‌نامه به شرایط خروج طبیعی از خدمت (بازنشستگی، بازخریدی، استعفاء، اخراج و حالات دیگر خاتمه خدمت فرد) در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بلامتصدی خواهند شد، حذف می‌گردد.

۴- وجوه مربوط به حقوق و مزایا و فوق العاده مواد (۳۹) و (۴۰) قانون استخدام کشوری و سایر فوق‌العاده و تسهیلات رفاهی و کمکی و کمک‌هایی که مطابق قانون به کارکنان دولت می‌شود و نیز وجوه پاداش پایان خدمت و مرخصی‌های ذخیره مستخدمان مأمور که بازنشسته می‌شوند مشابه سایر کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بودجه سالانه وزارتخانه یادشده منظور خواهد شد.

۵- حقوق و مزایای مستخدمان موضوع این تصویب‌نامه تا پایان سال ۱۳۸۴ حسب مورد از محل اعتبارات پیش‌بینی شده در بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها و از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا خروج طبیعی از خدمت از محل کمک‌های دولت به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور که هر ساله در بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منظور می‌شود قابل پرداخت است.

این تصویب‌نامه جایگزین تصویب‌نامه شماره ۵ت/۹۰۴ مب مورخ ۱۳۸۳/۹/۱۴ می‌گردد.

## سمینار احیای متون فارسی در شبه قاره در پاکستان برگزار شد

نخستین سمینار احیای متون فارسی در شبه قاره، ۱۰۵۸ اسفندماه در پاکستان برگزار شد.

در این هم‌اندیشی یک روزه که توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام‌آباد و با همکاری مرکز نشر میراث مکتوب برگزار شد، ادیبان و استادان ایرانی و پاکستانی در خصوص بازشناسی متون فارسی به‌ویژه در شبه قاره و روش‌های احیا و حفظ متون فارسی سخنرانی و بر نقش انجمن‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی در احیای متون فارسی، معرفی آثار محققان برجسته تصحیح متون فارسی در شبه قاره و چالش‌های احیای متون فارسی و نگهداری نسخه‌های خطی تأکید کردند.

لازم به ذکر است در این مراسم از دکتر محمد حسین تسبیحی، پژوهشگر ارشد مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و احمد منزوی، مؤلف فهرست مشترک چهارده جلدی نسخه‌های خطی کتابخانه‌های پاکستان تجلیل به عمل آمد و لوح تقدیری نیز به آنها اهدا شد.

همچنین در این سمینار ادیبان و استادان ایرانی و پاکستانی ملی زبان اردو، مرکز تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی اسلامی، نمایشگاه و گنجینه نسخ خطی و کتابخانه گنج دانش بازدید به عمل آوردند.

برگزار می‌شود:

## کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه شرف‌الدین

در آستانه گذشت نیم قرن از رحلت علامه‌دار اتحاد و بیداری اسلامی، علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین، و به منظور شناخت و بررسی ابعاد مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی آن عالم فرزانه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با مشارکت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مرکز جهانی علوم اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت و سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج کشور، کنگره بزرگداشت ایشان را در ایران و لبنان برگزار می‌کند.

سید مهدی طباطبایی، دبیر علمی کنگره شرف‌الدین با اعلام این خبر محورهای چهارگانه کنگره را به این شرح اعلام کرد:

زندگینامه علمی و شخصی علامه شرف‌الدین: در این محور، زندگینامه و خاندان علامه شرف‌الدین، کتابشناسی توصیفی آثار و تألیفات موجود و از دست رفته شرف‌الدین، روش‌های تربیتی شرف‌الدین در پرورش فکری افراد و جوامع با اوضاع اجتماعی- سیاسی جهان اسلام در عصر علامه شرف‌الدین و نقش تاریخی جبل عامل در گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

طباطبایی، محور دوم این کنگره را: «شرف‌الدین، مدافع مکتب اهل بیت و منادی تقریب مذاهب اسلامی»؛ ذکر کرد که در آن، نقش و تأثیر شرف‌الدین در تعیین مکتب اهل بیت و دفاع عالمانه از آن، نقش و اقدامات شرف‌الدین در اختلاف‌زدایی میان مذاهب اسلامی/اهتمام شرف‌الدین به شبهه‌شناسی و روش وی در پاسخ به شبهات؛ عوامل تاریخی تفرقه امت اسلامی از دیدگاه شرف‌الدین؛ ارتباط شرف‌الدین با شیخ سلیم بشری، رئیس الازهر؛ بررسی و نقد رویه‌های المراجعات و روش اخلاقی شرف‌الدین در مواجهه با اندیشه‌های مخالف. برشمرد مدیر علمی کنگره شرف‌الدین، عنوان محور سوم را «شرف‌الدین علامه‌دار اتحاد و بیداری اسلامی» ذکر کرد که در آن موضوعاتی از قبیل: جریان‌شناسی اصلاح و بیدارگری اسلامی در عصر شرف‌الدین و نقش وی در جهت‌گیری و تداوم آن؛ مسافرت‌های شرف‌الدین و اهداف و تأثیرات مذهبی و اجتماعی آنها؛ وحدت جهان اسلام و ابعاد مختلف آن در آثار و سیره شرف‌الدین؛ مشکلات و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی جهان اسلام از دیدگاه شرف‌الدین؛ ارتباط علامه شرف‌الدین با دیگر مصلحان و بیدارگران جهان اسلام و مبارزات شرف‌الدین با استعمارگران و نقش وی را در تحولات سیاسی- اجتماعی معاصر لبنان و خاورمیانه، بیان کرد.

حجت‌الاسلام طباطبایی با اشاره به محور چهارم با عنوان «اندیشه‌های علمی علامه شرف‌الدین» موضوعات مورد بررسی در آن را این چنین برشمرد: روش برداشت علمی شرف‌الدین از قرآن و سنت؛ زاویه‌شناسی شرف‌الدین و نقش آن در تبیین اسلام ناب؛ روش علمی شرف‌الدین در فقه الحدیث؛ مبانی کلامی مورد اختلاف و روش برخورد با آنها؛ تاریخ اسلام در آثار شرف‌الدین؛ روش شرف‌الدین در تبیین سیره سیاسی و علمی ائمه اطهار؛ نهضت عاشورا و فلسفه قیام سیدالشهدا؛ از نگاه شرف‌الدین و فقه الوفاق در آثار شرف‌الدین.

مدیر علمی همایش شرف‌الدین، زمان برگزاری کنگره در ایران را ۲۴ اسفندماه ۱۳۸۳ (نوروز امام محمد باقر(ع)) در شهر قم و در لبنان را ۲۶ تیرماه ۱۳۸۴ برابر با ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۲۶، پنجاهمین سالگشت درگذشت علامه شرف‌الدین- در شهر بیروت ذکر کرد.

یادداشت

محمدحسن خطیبی بایگی

## یاد هدایت در خانه هنرمندان

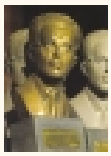

**مراسم معرفی برگزیدگان سومین جایزه ادبی هدایت، هشتم اسفند در خانه هنرمندان برگزار شد و با اهدای جوایزی از برگزیدگان این مسابقه تجلیل به عمل آمد. گزارش این مراسم را که جمعی از نویسندگان، هنرمندان و شاعران حضور داشتند، در زیر می‌خوانید.**

**در ابتدای این مراسم جواد مجابی، نویسنده به بررسی و تشریح جایگاه و موفقیت نویسندگان و شعرا در دوره‌های مختلف ادبیات ایران پرداخت. وی صادق هدایت را محصول دوره‌ای دانست که در آن مخاطبان و مردم تنها حامی نویسندگان بودند ولی به‌خاطر سیستم بسته جامعه قادر به حمایت از نویسنده نبودند.**

**مجابی مقاومت فرهنگ سنتی و قبیله‌ای، وجود رسانه‌های هدایت‌شده، نبود رفاه و توسعه در جامعه و درگیری فرهنگی را به‌عنوان دیگر ویژگی‌های این دوره برشمرد.**

**وی در انتها با خواندن و بررسی چند مورد از نامه‌های صادق هدایت به تشریح شخصیت و ویژگی‌های رفتاری او پرداخت.**

**در ادامه مراسم ابوالحسن تهامی با خواندن بخش‌هایی از کتاب «حاجی‌آقا»ی صادق هدایت به نقد و بررسی آن پرداخت. وی «حاجی‌آقا» را اثری دانست که شرایط و اوضاع جامعه ایران در زمان جنگ جهانی دوم را منعکس می‌کند و هدایت در آن نه به‌عنوان یک نویسنده، که به عنوان یک اصلاح‌طلب به بیان ضعف‌ها و ناهنجاری‌های جامعه می‌پردازد.**

### بیانیه هیأت داوران

**دکتر محمد صنعتی و امیرحسن چهلتن که داوران نهایی مسابقه بودند در بیانیه خود به نقش ادبیات داستانی در پویایی و رشد زبان فارسی پرداخته و بر اهمیت و حمایت از آن تأکید کردند. در بخشی از بیانیه آمده است: ادبیات داستانی چیزی بیش از حاشیه باریک و تاامن بر زندگی انسان ایرانی نیست.**

**در این دوره از سه کشور افغانستان، تاجیکستان و ایران مجموعاً ۵۱۰ داستان کوتاه به بنیاد هدایت ارسال شده بود و تاهید کبیری و هوشنگ آشورزاده که اعضای هیأت داوران مرحله اول بودند، ۲۰ داستان را برگزیده و در مرحله دوم قرار بود داوران نهایی از میان این ۲۰ داستان، سه داستان را برای اهدای لوح تقدیر و دو داستان برتر را برای اهدای تندیس هدایت انتخاب کنند که به دلیل ضعف کلی داستان‌ها فقط یک داستان شایسته اهدای تندیس هدایت شناخته شد. امیر تاج‌الدین ریاضی به خاطر نوشتن داستان کوتاه «عبور و مرور» تندیس هدایت را از آن خود کرد و «بنی آدم» نوشته حسن سلمانی، «چند صفحه داستان بی‌ضرر» نوشته افسانه نوری و «باز باران اگر می‌بارید» نوشته حمیرا قادری از افغانستان برنده لوح تقدیر شدند. در این مراسم از سوی انتشارات معین نیز جوایزی به برگزیدگان اهدا شد.**

**لازم به ذکر است که مجموعه داستان‌های برگزیده این دوره در کتابی به نام «بنیاد هدایت- ۸۳» به چاپ خواهد رسید.**

### شکایت از برخی ناشران آثار هدایت

**در انتهای این مراسم جهانگیر هدایت، مدیر بنیاد هدایت با انتقاد از برخی ناشران که آثار هدایت را به صورت تحریف شده و با حذف و تغییر منتشر می‌کنند گفت: گروهی را تشکیل داده‌ایم تا آثار منتشرشده به نام هدایت را با نسخه‌های اصلی مقایسه کرده و مغایرت‌ها را مشخص کنند.**

**در همین راستا از چندین ناشر که در چاپ آثار هدایت برخی اصول و موازین را رعایت نکرده‌اند شکایت کرده‌ایم و هم‌اکنون در حال پیگیری قضایی می‌باشیم وی از راه‌اندازی پایگاه اینترنتی www.sadegh hedayat.org خبر داده و هدف از تأسیس این پایگاه را ارائه اطلاعات صحیح در مورد آثار هدایت بیان کرد.**

**جهانگیر هدایت در پایان افزود: مجموعه‌ای از نسخ قدیمی باقیمانده را که مورد تأیید خانواده هدایت است، منتشر و آن را به‌عنوان نسخه اصلی اعلام خواهیم کرد تا مردم بدانند چه اثری اصل است.**

### تسلیت

**جناب آقای علی آقامحمدی**

مصیبت وارده را به شما تسلیت می‌گوییم.

کتاب هفته

**جناب آقای خسرو قدیری**

ما را در غم پدر گرامی‌تان شریک بدانید.

کتاب هفته

اعظم فراهانی

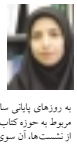

# هفته های پایانی با حوزه کتاب

همانطور که می دانید هفته های پایانی استفاده را طی می کنیم و هر چه به روزهای پایانی سال نزدیک می شویم از تعداد خبرهای مربوط به حوزه کتاب کاسته می شود. این هفته هم خبرهایی از نشست ها، آن سوی مرزها، کتاب های منتشرشده و دیگر اخبار هست اما زیاد نیست امیدوارم اخبار مورد نظرتان را در این گزارش ببینید.

## نشست ها

این هفته در این بخش از تهران، تبریز، مشهد، زنجان و اهواز خبر دارم. ابتدا خبری که با فکس به دستم رسیده است.

ششمین گردهمایی سالانه گروههای واژه گزینی تخصصی فرهنگستان زبان و ادب فارسی با موضوع «بررسی عملکرد گروهها و طرح مسائل واژه گزینی» با حضور ریاست فرهنگستان ۱۳ اسفندماه برگزار شد.

دو خبر از فعالیت های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران از بانی فیلم و جمهوری اسلامی بخوانید:

نخستین جشنواره شعر و موسیقی سلامت (ترانه های خورشید) توسط سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران ۱۸ تا ۲۴ فروردین ۸۴ برگزار می شود.

علاقه مندان تا ۲۹ اسفندماه مهلت دارند که آثار خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند.

همچنین نخستین همایش ادبی هنری سوگ سروده های عاشورایی به همت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران ۱۸ فروردین ۸۴ برگزار می شود. علاقه مندان می توانند آثار خود را تا پایان اسفندماه به دبیرخانه همایش ارسال کنند.

جوان می نویسد: مراسم معرفی و اهدای جوایز برگزیدگان چهارمین جشنواره سراسری نمایشنامه نویسی تئاتر انقلاب و دفاع مقدس ۳ خردادماه ۸۴ با حضور استادان، پژوهشگران و کارگردانان و بازیگران تئاتر در مجتمع فرهنگی هنری اسوه برگزار می شود.

و خبری که با فکس به دستم رسیده است:

همایش نکوداشت حکیم سنایی غزنوی به همت شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و دانشگاه تربیت معلم ۲۹ فروردین ۸۴ در دانشگاه تربیت معلم برگزار می شود.

ایران می گوید: یکصد و دوازدهمین نشست هفته کانون ادبیات ایران ، امروز در تالار مولوی دانشگاه تهران برگزار می شود . در این برنامه شعرای تاجیکستان و افغانستان به شعرخوانی می پردازند.

و خبری از همبستگی بخوانید:

ادبیات داستانی معاصر مصر ویژه انجیب محفوظ» ۱۲ اسفندماه و با حضور جمعی از دانشگاهیان در دانشگاه آزاد تهران مرکز بررسی شد.

جوان آورده است: برترین های سومین کنگره فرهنگ و ادبیات شهادت، اسفندماه در موزه شهدا طی مراسمی مورد تشویق قرار گرفتند.

همچنین مجموعه شعر مرگ از مدام اثر احسان هاشمی، ۱۳ اسفندماه در فرهنگسرای اشراق نقد و بررسی شد.

از شهرستان ها هم خبری دارم در ابتدا خبری از تبریز بخوانید:

رسالت آورده است: کنگره بین المللی «سلطان محمد» و «ربع رشیدی» سال آینده در تبریز برگزار می شود.

از مشهد هم خبر دارم.

اعتماد می گوید: دومین همایش ترجمه ادبی در ایران، ۶ و ۷ مهرماه ۸۴ به همت گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد و با همکاری دانشگاه امام رضا در مشهد برگزار می شود.

## آن سوی مرزها

در ابتدای این قسمت خبری از چین بخوانید.

ایرنا می نویسد: چهارمین همایش بررسی زبان و ادبیات فارسی در چین از ۱۷ اسفندماه سال جاری برگزار می شود. همچنین هیأتی از سازمان فرهنگی و ارتباطات اسلامی دانشگاه تهران و فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این همایش حضور پیدا می کنند و از اساتید ادب فارسی چین تجلیل به عمل می آورند.

خبری نیز از نمایشگاه بین المللی کتاب لندن از هم بستگی بخوانید:

سی و ششمین «نمایشگاه بین المللی کتاب لندن از ۲۳ تا ۳۰ اسفندماه سال جاری با حضور ناشرانی از ایران و ۲۵ کشور برگزار می شود.

همچنین سه کتاب منتشر شده پاب ژان پل دوم، زندگینامه بورخس و نویسنده شازده کوچولو از فرهنگ آشنی، هم بستگی و ایسنا نیز هست.

پاپ ژان پل دوم آخرین کتاب خود را با نام «خاطرات و هویت» منتشر کرد.

هم بستگی آورده است:

«بورخس: یک زندگی» شامل زندگینامه خورخه لوئیس بورخس، توسط انتشارات وایکینگ منتشر شده است.

و بالاخره ایسنا می گوید: «نامه های آنتوان به مادرش» کتابی است شامل نامه های نوشته شده آنتوان دوسنت اگزوپری نویسنده کتاب شازده کوچولو در زمان جنگ جهانی به مادرش که بزودی منتشر خواهد شد.

## تازه های نشر

این هفته نیز کتاب هایی برای معرفی هست.

شرق می نویسد: گنجینه نقش جهان پس از چندین سال فعالیت مستمر پژوهشی ایران نگار ۸۴ را منتشر کرد.

مهر می گوید: «کتاب اکران اندیشه: فصل هایی در فلسفه ی سینما» در حوزه سینما توسط نشر مرکز روانه بازار شده است.

همچنین با پایان یافتن بخش اول پروژه «مردم شناسی فاجعه» یا مردم شناسی بحران، که در بم انجام گرفته نتایج این تحقیق سال آینده به صورت کتابی دوزبانه (فارسی و انگلیسی) منتشر می شود.

این خبر به نقل از تلکس میراث فرهنگی بود.

و شرق آورده است: جلد دوم و سوم دایرة المعارف سازهای نواحی ایران که به سازهای کوبه ای موجود در مناطق مختلف ایران اختصاص دارد، توسط مؤسسه فرهنگی، هنری ماهور در هجدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه می شود.

و اما خبر می نویسد: اولین راهنمای جامع حافظیه نوروز امسال در صورت تأمین هزینه های چاپ کتاب از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه و همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صدور مجوز منتشر می شود.

«واژه نامه محرم کاشان» تألیف علی اصغر شاطری توسط انتشارات مرسل کاشان به چاپ رسیده است. این خبر را کیهان هفته گذشته چاپ کرده است.

و میراث فرهنگی آورده است: کتاب «بیشتر در امور ایران بدانید» به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نجیره منتشر شد.

و بالاخره مهر می گوید: بزودی اعتراض نویسنده زن افغانی (لطیفه) در قالب یک رمان داستانی «سیمای ممنوع من» مکتوب می شود.

## بازهم خبر

از ۷ استان در این بخش خبر هست از مشهد، گلستان، ارومیه، قم، فارس، یاسوج و تهران.

ابتدا خبری که با فکس به دستم رسیده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی طی پیامی درگذشت «آیت الله سید مهدی عیادی» امام جمعه مشهد و عضو مجلس خبرگان رهبری را تسلیت گفت.

دو خبر از کیهان بخوانید:

طومار شجره نامه سادات رضوی کشمیر توسط سید جعفر کشمیری وقف کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی شد.

از ۲۶ پیشکسوت بالای ۵۰ سال عرصه های فرهنگ و هنر استان گلستان توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان تجلیل به عمل آمد.

ایرنا آورده است: دومین کارگاه آموزشی داستان نویسی به منظور فراهم آوردن زمینه پرورش و شکوفایی علاقه مندان به ادبیات داستانی و کشف و شناخت استعدادهای ادبی، ۹ اسفندماه در ارومیه گشایش یافته است.

جمهوری اسلامی می گوید: مراسم افتتاح شعبه ای از اداره کل نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم همزمان با پنجمین گردهمایی ناشران قرآن کریم به همت سازمان دارالقرآن الکریم، ۱۹ اسفندماه در قم برگزار می شود.

حال دو خبر مرتبط با استان فارس از رسالت و ایران بخوانید:

یک کتاب ارزشمند تاریخی که به زبان پهلوی نگاشته شده و حاوی نقشه و اطلاعاتی از شهرک های تاریخی و قدیمی استان فارس مربوط به دوره ساسانی است، توسط مأموران مرکز مبارزه با قاچاق کالا و ارز فرماندهی انتظامی فارس کشف شده است.

دفتر ادبیات و هنر پایداری شیراز، ۶ اسفندماه در محل سالن اجتماعات سازمان هلال احمر فارس گشایش یافت.

همچنین نمایشگاه کتاب و لوازم آموزشی کودکان و نوجوانان با ۲۵ عنوان کتاب و ۶۰ وسیله آموزشی در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یاسوج برپا شد. این خبر را ایرنا هفته گذشته بر روی تلکس خود داشت و اما خبر دیگری از همین تلکس خبری:

نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی برخی ناشران داخلی کشور را به انتشار کتاب هایی با مضامین غیر اخلاقی و مروج فرهنگ غرب با متون فارسی و انگلیسی متهم کرد.

و بالاخره مردم سالاری می نویسد: محمدرضا وصفی اعلام کرد: بر اساس آیین نامه توسعه نشر بین الملل، افرادی که در داخل کشور جوایز بین المللی کسب کرده اند می توانند از تسهیلات ویژه ای برخوردار شوند.

به اطلاع می رسانم در خبر مربوط به انتشار داستان های برگزیده نسل سوم هفته گذشته نام هادی نقی زاده اشتباهاً صفدر تقی زاده نوشته شده بود.

و خبری که در آخرین لحظات با فکس به دستم رسید:

مراسم بزرگداشت فروغ فرخزاد، ۶ اسفندماه با دو هفته تأخیر در انتشارات ایران جام با حضور تعدادی شماری از شاعران و هنرمندان برگزار شد.

## بیش از هزار جلد کتاب در آتش سوزی انتشارات روشنگران و مطالعات زنان از بین رفت

بیش از هزار جلد کتاب شامگاه یکشنبه ۹ اسفندماه در حادثه آتش سوزی دفتر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان در خیابان یوسف آباد از بین رفت.

در این حادثه که به علت پرتاب ماده منفجره ای توسط موتورسوار ناشناسی به داخل دفتر این انتشارات رخ داد علاوه بر کتاب ها، بسیاری از اسناد و مجوزهای کتاب و همچنین اثاثیه دفتر در آتش سوختند.

لازم به ذکر است عامل این آتش سوزی هنوز شناسایی نشده است.

رسانه ها

## کتابداری و اطلاع رسانی

بیست و هفتمین شماره فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی منتشر شد.

پارادایم و بازیابی اطلاعات، نظریه عمومی نظام ها در کتابداری و اطلاع رسانی، دانشوزری، نامی به گستردگی دانش و پیشینه کتابداری، بررسی میزان همخوانی کلیدواژه های عنوان و توصیفگرهای نمایه سازان، بررسی و مقایسه پژوهش های مربوط به واژگان نوشتاری، گفتاری با خوانداری کودکان دبستانی ایران از ابتدا تاکنون و... از جمله مطالب این شماره کتابداری و اطلاع رسانی است.

فصلنامه تخصصی شعر گوهران

ویژه نامه فرخ تمیمی با تاری از محمد هاشم اکبریانی، عمران صلاحی م. آزاد، منوچهر آتشی، عبدالعلی دست غیب، طاها محسین ساعی، صوفی نشاء، مسعودی، منشعوی اوجی، محمد فراهانزاد، بوران فرخ زاد، اسماعیل رها، محمد علی بهمنی، فریدون فریاد و ...

منتشر شد


زیر چاپ

## خاطرات مجید مهران

در آتیه نزدیک خاطرات سیاسی آقای مجید مهران که مدت سی سال در وزارت امور خارجه خدمت کرده است تحت عنوان «در وزارت امور خارجه چه خبر» توسط نشر تاریخ منتشر خواهد شد.

در این کتاب مشکلاتی را که نگارنده آن برای ورود به وزارت خارجه مواجه شده است و خاطراتی را که از دوران نخست وزیری دکتر مصدق دارد و از مبادله تلگرافات رمزآگاه می شده است و تشکیل کمیسیون تصفیه کارمندان وزارت خارجه در زمانی که دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه بوده است، اشارت مهمی شده است.

همچنین از خاطرات سیاسی علی سهیلی، دکتر جواد صدر، عبداله انتظام و برادرش نصراله انتظام و عباس آرام دیپلمات های قدیمی برای او نقل کرده اند مطالب جالبی را با بهره برداری از حافظه قوی که دارد بیان می کند و ضمناً خصوصیات اخلاقی شخصیت هایی نظیر سردار فاخر حکمت، حسین نواب، امیر خسرو افشار، و اردشیر زاهدی، عباسعلی خلعت بری، احمد میرفندرسکی و محمدرضا امیرتیمور و هوشنگ انصاری را با قلمی شیرین و با رعایت بی طرفی ذکر کرده است.

در نگارش این خاطرات نویسنده سعی نموده جنبه های مثبت و منفی هر یک از رجال دوران پهلوی را وصف نماید ولیکن قضاوت را بر عهده خواننده گذارده است.

در گفتار مأموریت بغداد، ماجرای توطئه ساواک برای سرنگونی حکومت بعثی ها و عدم موفقیت هیأت های اعزامی به عراق برای حل مسأله شط العرب و دلایل قطع رابطه دیپلماتیک عراق با ایران و داستان ترور تیمور بختیار، به دست عوامل ساواک در خاک عراق و هواپیماربایی در زمانی که کاردار سفارت بغداد بوده است واقعاً خواندنی است.

خاطراتی که در زمان تصدی شغل دبیری شورای خلیج فارس را داشته است از قبیل مبادله یادداشت تفاهم، باشیخ خالد حاکم شارجه برای اعاده حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی و اختلاف نظر شدید زعمای وزارت خارجه رژیم سابق که عملاً اجرای دستورات مافوق مواجه با اشکال می شده است، همگی موجب می شود تا سازمان دیپلماسی ایران در آن دوره را از نگاه دیگری زیر سؤال ببرد.

در خاطرات دوران کودکی و نوجوانی از دروازه های تهران قدیم و کافه های معروف و هنرمندان موسیقی و غیره تا وقایعی نظیر کشف حجاب و اختناق جراید که در زمان دیکتاتوری رضاشاه حاکم بود و جریان عروسی ولیعهد ایران با فوزیه، تا وقایع شوم شهریور ۲۰ و از هم گسیختن ارتش به دست امرای نظامی وقت و رویدادهای سیاسی مهم از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ که شامل تأسیس حزب توده ایران، غائله آذربایجان، ملی کردن صنعت نفت تا سقوط رژیم پهلوی را با دیده تیزبین تشریح کرده است، انتظار می رود تا این خاطرات یک دیپلمات قدیمی بزودی منتشر شود.

ناگفته نماند نویسنده اهتمام نموده تا خصوصیات اخلاقی انگلیس ها، ژاپنی ها و آمریکایی ها را با بانضمام توصیف مناظر طبیعی کشورشان را در مأموریت هایی که به آن صفحات داشته است برای خوانندگان تشریح کند. در واقع ضمن انجام خدمات اداری در نمایندگی های سیاسی، موقعیت های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی محل مأموریت را بررسی نموده و به آگاهی خواننده، رسانده است که واجد اهمیت است.

مرتضی قدیمی

# از سالن های نمایشگاه سوم یزد

**هفته قبل یک بار دیگر خاطره برگزاری دو نمایشگاه قبلی کتاب برای اهالی یزد تکرار شد. نمایشگاههایی در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۸۱. و حالا یزد برای سومین بار میزبان هشتاد و ششمین نمایشگاه کتاب استانی می‌شود.**

**نمایشگاهی با حضور نزدیک به ۳۰۰ ناشر از سراسر کشور. حضور در سومین نمایشگاه یزد از طرف ناشران همراه با تردید بود چراکه برگزاری دومین نمایشگاه کتاب در سال ۱۳۸۱ برای ناشران خیلی جالب توجه نبوده است و ظاهراً به دلایلی چون انتخاب زمان نامناسب برای برگزاری نمایشگاه از فروش خیلی خوبی برخوردار نمی‌شوند. اما در عین حال خیلی از ناشران هم خاطره خوبی از اولین نمایشگاه کتاب یزد دارند. نمایشگاهی که با استقبال بسیار خوبی برگزار می‌شود و همه کسانی که به نوعی در ارتباط با برگزاری آن نمایشگاه دست داشتند خاطرات بسیار خوب و دلچسبی از آن نمایشگاه به یاد دارند. ناشران، مسؤولان اجرایی و دیگران وقتی صحبت از اولین نمایشگاه کتاب استان یزد می‌شود می‌گویند: یادش بخیر. در هر صورت حالا بعد از گذشت نه سال از اولین نمایشگاه و بعد از گذشت دو سال از دومین نمایشگاه کتاب، مردم این استان کویری به استقبال سومین نمایشگاه می‌روند و ناشران حاضر در نمایشگاه نیز می‌آیند تا بار دیگر چگونگی استقبال مردم یزد از کتاب و کتابخوانی را محک بزنند، هرچند که از آب و هوای بهترین ماه یزد نیز بهره‌مند می‌شوند و حتماً فرصتی را برای دیدن موزه آب، آتشکده، بادگیرها و آب‌انبارهای یزد در نظر خواهند گرفت.**

**نمایشگاه کتاب استان یزد در خیابان دانشجوی یزد در محل نمایشگاههای استان برگزار می‌شود و بالفعل حضور دانشجویان در این نمایشگاه بسیار پررنگ خواهد بود و به همین دلیل است که یکی از سالن‌های نمایشگاه را صرفاً به ناشران کتاب‌های دانشجویی اختصاص داده‌اند.**

### پنج سالن متفاوت

سومین نمایشگاه کتاب استان یزد در ۵ سالن از سالن‌های محل نمایشگاههای استان برگزار شده است. یکی از سالن‌ها به کتاب‌های کودکان اختصاص دارد که معمولاً خیلی هم شلوغ است.

غرفه نقاشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از استقبال بسیار خوبی برخوردار است، به‌صورتی که گاهی اوقات برای نشستن بچه‌های دیگر جا نیست و باید منتظر بمانند تا صندلی خالی شود. در بین ناشران عرضه کننده کتاب‌های کودک و نوجوان تعدادی از ناشران مطرح این حوزه هم به یزد آمده‌اند و البته جای خیلی از ناشران کتاب‌های کودک هم خالی است.

یکی دیگر از سالن‌های نمایشگاه به کتاب‌های درسی و دانشگاهی اختصاص یافته است که این سالن هم تا حدودی مورد توجه است. البته آنقدر که باید هم از آنجا استقبال نمی‌شود چراکه خیلی از ناشران مطرح دانشگاهی به یزد نیامده‌اند که البته دلایل مختلفی را از جمله همزمانی نمایشگاه یزد با نمایشگاه مشهد، آخر سال بودن، نیمه سال دوم تحصیل بودن و... مطرح می‌کنند. در هر صورت با توجه به اینکه شهر یزد یک شهر نسبتاً دانشجویی است، وجود ناشران فعال و معروف در حوزه کتاب‌های درسی و دانشگاهی می‌توانست نمایشگاه کتاب سومین نمایشگاه کتاب و سالن مربوط به این دسته از کتاب‌ها را پررونق‌تر کند.

سومین و آخرین سالن مربوط به فروش کتاب‌ها که بسیار هم مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفته و البته شلوغ‌تر هم است، سالن مربوط به عرضه کتاب‌های عمومی است. این سالن بیشترین غرفه‌ها را به خود اختصاص داده است و به‌رغم عریض بودن راهروها باز هم حرکت کردن در این سالن کار آسانی نیست. استقبال و توجه مردم به کتاب‌های این سالن بسیار جالب توجه است و اکثر ناشران تصور نمی‌کردند که در یزد تا این اندازه از کتاب‌هایشان استقبال شود و تقریباً از همان روزهای اول نگرانی‌های مربوط به فروش کتاب تا حدودی برطرف شد.

### ناشران یزد

در نمایشگاه کتاب استان یزد تقریباً همه ناشران استان هم حضور دارند. استان یزد که تقریباً یکی از استان‌های پرکار در حوزه نشر کتاب است توانسته تا حدودی فرصت کار برای ناشران را فراهم کند.

البته وضعیت نشر این استان را به هیچ عنوان نمی‌توان با شهرهایی چون تهران، قم، مشهد، اصفهان یا شیراز مقایسه کرد اما در عین حال تقریباً این امکان و این فرصت برای ناشران یزدی وجود دارد که اگر به آنها فرصتی داده شود بتوانند خودشان را مطرح کنند و به نوعی در کارشان پیشرفت کنند.یزد از جمله شهرهایی است که دارای شرکت تعاونی نشر است و بیش از ۲۰ عضو هم دارد که البته اغلب آنها فعال نیستند. در نمایشگاه کتاب استانی کمتر از پانزده ناشر استان حضور دارند که قطعاً حضور در چنین نمایشگاههایی فرصت مناسبی برای ناشران استانی است تا بتوانند از تجربیات دیگر ناشران سراسر کشور خصوصاً ناشران تهران استفاده کنند.

اکثر ناشران یزدی شرکت کننده در نمایشگاه موضوع پخش کتاب را مهمترین مشکل خود می‌دانند و می‌گویند: خوشبختانه نویسندگان و مؤلفان خوبی در استان داریم، اما وقتی کتاب آماده می‌شود امکان پخش و فروش موفق برایمان فراهم نیست و اینطور می‌شود که معمولاً جسارت کار زیاد برایمان وجود ندارد. یکی از ناشران یزدی می‌گوید: اگر اهدافی که در خصوص راه‌اندازی شرکت تعاونی ناشران یزد داریم، محقق شود قطعاً صنعت نشر استان متحول خواهد شد.

وی می‌گوید: یکی از مهمترین اهداف تعاونی، رسیدگی به وضعیت پخش کتاب‌هاست و ارتباط گرفتن با ناشران مرکز که اگر تعاونی با حضور جدی دیگر ناشران و حمایت مسؤولان قوت پیدا کند، می‌توانیم آینده موفقی را برای نشر استان پیش‌بینی کنیم.

### دو سالن پرمخاطب

در کنار سه سالن مربوط به کتاب، دو سالن دیگر هم برای بازدیدکنندگان از نمایشگاه در نظر گرفته شده است که فضایی متفاوت با سه سالن دیگر دارند. یکی از سالن‌ها مربوط به فروش سفال است که شلوغ بودن آن طبیعی است. اما سالن دیگر به معرفی کتاب‌های مربوط به محرم اختصاص یافته است.

در این سالن چیزی در حدود ۶۰۰ عنوان کتاب در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفته است که تمام این کتاب‌ها در ارتباط با امام حسین(ع) محرم، واقعه عاشورا، یاران حضرت حسین(ع) و... هستند که شاید بتوان این کتاب‌ها را به دو دسته نقد و تحلیل تقسیم‌بندی کرد که به نوعی مسائل مربوط به محرم و عاشورا محور موضوعات این کتاب‌ها هستند. اما عکس‌های مربوط به عزاداری در محرم از نکات جالب توجه این سالن است که بسیار هم مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفته است. در این سالن بیش از قطعه عکس از مراسم عزاداری در ایام محرم مربوط به شهرهای مختلف استان یزد در معرض دید قرار گرفته است. حضور عکاسان در ایام محرم در شهرهای متفاوت این استان بسیار معمول و رایج است. شهرهایی چون مهریز، بافت، ابرکوه و... از شهرهایی هستند که همه‌ساله ایام محرم میزبان عکاسان زیادی از همه جای ایران و حتی خارج از ایران هستند که نتیجه عکس‌های متفاوتی از عزاداری در این استان خواهد بود که تعدادی از این عکس‌ها در نمایشگاه کتاب استان یزد به نمایش گذاشته شده‌اند.

### مسؤولان همراه با نمایشگاه

همزمان با برگزاری نمایشگاه کتاب یزد بسیاری از مسؤولان استانی از نمایشگاه بازدید می‌کنند. اما در مراسم افتتاحیه مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به نکات قابل توجهی اشاره می‌کند که شاید اجرای چنین حرکتی در همه جای ایران در حوزه نشر بتواند مفید واقع شود. علی غیاثی در سخنرانی مراسم افتتاحیه می‌گوید: اگر بتوانیم ارتباطی بین صنعتگران و تولیدکنندگان استان با حوزه نشر برقرار کنیم، فضای جدیدی برای اهالی نشر در راستای تولید کتاب فراهم خواهیم کرد. او تصور می‌کند اگر تولیدکنندگان را بتوان مجاب و علاقه‌مند کرد که از ناشران کتاب بخرند و کتاب‌ها را با نام شرکت ثبت و مهر کنند و کتاب‌ها را به کتابخانه‌ها اهدا کنند، چندین فایده خواهد داشت از جمله تبلیغ خود مجموعه، انجام عمل خیرخواهانه، کمک به صنعت چاپ و نشر استان و....

غیاثی معتقد است با توجه به وجود فعالان فراوان در حوزه صنعت در استان یزد و از طرف دیگر گسترش حرکت‌های خیرخواهانه در این استان می‌توان به این طرح دل بست و امیدوار بود با اجرای آن در حوزه نشر و حتی در فضای کتاب و کتابخوانی استان تحول قابل توجهی ایجاد شود.

### برنامه‌های جنبی

در کنار غرفه‌های کودک و نوجوان و غرفه محرم، نمایشگاه کتاب یزد برگزارکننده برنامه‌های جنبی متفاوت و جالبی بوده است که از جمله آنها جلسات نقد و بررسی کتاب، شب شعر، برگزاری مراسم‌های مربوط به شهرهای استان، سخنرانی و... بود که این برنامه‌ها نیز جایگاه ویژه‌ای از منظر بازدیدکنندگان داشت.

### مشکلات ناشران

مشکلات و مسائل مربوط به ناشران همراه با آنان استان به استان منتقل می‌شود و این بار در یزد باز هم مشکل اسکان و نقل و انتقال وجود دارد. ناشران شرکت‌کننده در نمایشگاههای استانی هر بار اعتراض می‌کنند ولی باز هم مشکلات وجود دارد و تقریباً حل نمی‌شوند. اما جای خوشحالی است که به‌رغم سختی‌ها و مشکلات سفرها و راه‌اندازی غرفه‌های کوچک و بزرگ کتاب ولی باز هم می‌آیند و حضور دارند و میدان را خالی نمی‌کنند و حتی دست‌مریزادی و خسته نباشیدی باید به آنها گفت و امیدوار باشیم از سال آینده شاهد وضعیت مطلوبی برای این قشر زحمتکش در حوزه کتاب و کتابخوانی باشیم.

## کتاب

### جنبش دانشجویی

شرکت انتشارات قلم بتازگی کتاب «جنبش دانشجویی در دو دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰» نوشته ابراهیم یزدی را روانه بازار نشر کرده است.

این کتاب از دو فصل تشکیل شده است: فصل اول که به جنبش دانشجویی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ پرداخته، از سه بخش انجمن اسلامی دانشجویان، نهضت خدایرستان سوسیالیست و شکل گیری سازمان‌های دانشجویی تشکیل شده است. در فصل دوم نیز به نویسنده مباحثی چون نهضت مقاومت ملی، تشکیل انجمن‌های اسلامی مهندسان، پزشکان و معلمان و... پرداخته است. همچنین در پایان کتاب بیانیه‌های دانشجویی که به مناسبت‌های مختلف صادر شده آماده است. از جمله بیانیه کمیته نهضت مقاومت ملی دانشکده فنی به مناسبت محاکمه دکتر مصدق و...

انتشارات قلم همچنین چاپ دوم یادنامه شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران، نوشته ابراهیم یزدی را نیز روانه بازار نشر کرده است.

### ادبیات تاتی

«جستاری در زبان و ادبیات تاتی» عنوان کتابی است از علی محمد آقاعلیخانی که در نشر رامند با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۰۰۰ تومان چاپ شده است.

این کتاب نگاهی به زبان و ادبیات و سرگذشت مردم تات زبان دارد که جمعیت گوناگونی از مردم ایران هستند و اطلس پراکندگی آنها نیز، از داغستان و شیروان و آذربایجان و قزوین و زنجان، تا سمنان و خراسان را در بر می‌گیرد؛ مردمی که علی رغم فراز و فرودهای این روزگار، بر گوشه‌ای از جغرافیای سرزمین ایران و در زیر سقف این تاریخ، همچنان زیست می‌کنند.

### دو کتاب از آشیانه کتاب

«سلسله یاماتو در ژاپن و تمدن باستانی پارس» و «راهنمای تغذیه و درمان سالمندان» به تازگی در انتشارات آشیانه کتاب به چاپ رسیده است.

«سلسله یاماتو در ژاپن و تمدن باستانی پارس» عنوان کتابی است از شهاب ستوده‌نژاد که به مباحثی چون سرچشمه اصلی هویت یاماتو، نقش سکاهای پارس تبار در ظهور حکومت خاندان یاماتو در غرب ژاپن، انگیزه‌های ساکنان شبه جزیره کره و مجمع الجزایر ژاپن در جذب اسطوره‌ها و دیگر ویژگی‌های فرهنگی اقوام هند و اروپایی در عهد باستان، نشانه‌های فرهنگ پارس در مکان‌های مقدس ژاپن و... می‌پردازد.

«راهنمای تغذیه و درمان سالمندان» نوشته دکتر جودیت سو آرت که توسط محمدمهدی سلطان بیگی ترجمه شده است، متشکل از دستورات پزشکی بیش از ۶۰ پزشک مشهور است که در آن نحوه تغذیه سالم و متنوع، به بهترین وجه تبیین می‌شود. با استفاده از دستورات این کتاب می‌توان در پیری، زندگی فعال و شادی داشت. کتاب یادشده در ۳۳۰۰ نسخه و قیمت ۹۰۰ تومان به بازار کتاب عرضه شده است.

مرضیه الله وردی

یک بررسی

# ادبیات عرب در غرب

در دنیایی که بر اهمیت ترجمه آثار ادبی در فهم فرهنگ های مختلف روز به روز افزوده می گردد شکاف ها و فواصل روشنی در اکثر کتابفروشی ها و کتابخانه های اروپا هنگام فهم نوشته ها و کتب سایر کشورها به چشم می خورد که این امر به خصوص در مقوله ادبیات جهان عرب در اروپا صادق است.

برخورد ادبی بین اروپا و جهان عرب در مناطقی که روابط و احترام متقابل حاکم است وجود داشته و همه تلاش می کنند که به واحدی بزرگ و مهم در ترجمه کلاسیک تبدیل شوند.

امروزه نیز بخش مهمی از میراث عظیم فرهنگ عرب در اروپا جزئی از تمدن است که تأکید بر ویژگی های عربی این فرهنگ دارد. روابط ادبی بین جهان عرب و اروپا خواهان شیوه سنتی ای است که بخصوص در قرن نوزدهم میلادی بسیاری از علاقه مندان به شعر و شاعری مانند فردریک گلورگ تلاش های زیادی در این زمینه در مشرق زمین انجام دادند و در این راه به شاعر بزرگ ایرانی حافظ بسیار نزدیک شدند. این اشعار که در مورد مردم عادی با فرهنگ های متفاوت سروده شده و آمیخته با سنت ها و معنویات است سعی در فهم و درک فرهنگ های مختلف داشته است.

امروزه زبان عربی به طور فزاینده ای در دانشگاههای اروپا تدریس می شود اما با وجود افزایش تعداد افرادی که در اروپا به زبان عربی صحبت می کنند هنوز زبان عربی در اروپا زبانی حاشیه ای محسوب می شود. اگر چه تعداد مترجمان حرفه ای و مجرب در سال های اخیر رو به رشد بوده اما هنوز تعداد کمی مترجم ادبی در سراسر اروپا وجود دارد.

با نگاهی به آمار و ارقام، نقش حاشیه ای ادبیات عرب در کتاب ها و کتابفروشی های اروپا واضح و روشن است.

اما در بخش مترجمان و نویسندگان تعداد کمی از نویسندگان طالب شهرت هستند البته نجیب محفوظ مترجم معروف و برنده جایزه نوبل ادبی سال ۱۹۸۸ به طور گسترده ای در دنیا شناخته شده است. اما در کل تعدادکمی از مترجمان در خارج از حوزه مردم و دوستدارانشان شناخته شده اند.

این موضوع که آثار ادبی نویسندگان عرب در اروپا کمتر خوانده می شود در تقابل محسوسی با علاقه مردم در اروپا می باشد برای عنوان هر داستان و افسانه ای از جهان عرب در اروپا تقریباً دو کتاب در شرح و توضیح این داستان در فروشگاههای اروپا وجود دارد که اکثر این کتاب ها توسط متخصصان اروپایی در رابطه با جنبه های مختلف توسعه و تمدن در جهان نوشته می شود. بعد از حادثه یازده سپتامبر سیلی از کتاب های مختلف راجع به اسلام و تروریزم نوشته شد که محتویات اکثر این کتب مشکوک و نامعلوم بود. دنیای عرب مکانی مملو از زد و خورد و کشمکش به تصویر کشیده شد که این طرز تفکر نه تنها در همه جا انتشار یافت بلکه به یک عقیده و باور عمومی تبدیل شد. در حاشیه چنین موقعیتی آثار ادبی نویسندگان عرب با وظیفه دشواری مواجه شد. به علت جالب بودن این موضوعات برای عموم مردم، رقم بالایی از کتاب های ترجمه شده نویسندگان عرب در کشورهای اروپایی وجود دارد که به چند نمونه آنها می پردازیم:

**موقعیت این آثار در کشور آلمان:**

در حال حاضر بیش از پانصد اثر، قصه و افسانه به قلم نویسندگان عرب در کشور آلمان در زیر چاپ است. کمتر از نیمی از این آثار (در حدود دویست اثر) از زبان عربی ترجمه شده اند در حالی که اکثر آنها از زبان فرانسه ترجمه شده و اکثر این آثار نوشته نویسندگان کشورهای مغرب هستند. آلمان در این حوزه نمونه بارزی است که تعداد زیادی از کتب آلمانی توسط نویسندگان عرب نوشته شده است. بیشتر این نویسندگان از کشورهای مصر، لبنان، سوریه و فلسطین هستند که تعداد نویسندگان لبنانی از بقیه بیشتر است چرا که نمونه بارز و معروفی از این نویسندگان خلیل جبران نویسنده مشهور لبنانی است.

اما در میان ترجمه ها از زبان فرانسه تعداد زیادی توسط نویسندگان الجزایری، مغربی و تعداد کمی هم از کشور تونس می باشد. در کشور هلند هم مثل آلمان پدیده و ترجمه متون و کتب عرب زبان به چشم می خورد که به زبان آلمانی بوده و به زبان های دیگر هم ترجمه شده است.

با نگاهی به اسناد موجود در جنبه های مختلف بد نیست که نگاهی به آمار و ارقام بیندازیم. در حال حاضر خوانندگان آلمانی فرصت انتخاب عناوین داستانی را از بین یکصد و بیست و پنج هزار عنوان مختلف را دارند که در حدود ۳/۰ درصد از این تعداد مستقیماً توسط نویسندگان عرب نوشته شده و تعدادی از آنها نیز که سال ها قبل ترجمه شده هنوز زیر چاپ نرفته است.

آمار قابل ملاحظه ای از ترجمه اشعار مورد توجه عموم قرار گرفته و فروخته شد. با در نظر داشتن این مطلب که رمان ها و داستان ها اغلب میزان فروش بالاتری نسبت به اشعار داشته اند علاقه و تمایل به حمایت از انتشار اشعار تصدیقی بر این واقعیت است که شعر نقش مهمتری را در جهان عرب نسبت به اروپا بازی می کند.

**موقعیت این آثار در سایر کشورها:**

در فرانسه نویسندگان مغربی نسبت به زندگی ادبی فرانسه بخشی کوچک هستند که اکثریت آنها هم به زبان فرانسه نوشته شده است. نویسندگان عرب با وجود حمایت ها و پشتیبانی های دولت فرانسه از برخی آثارشان، کمتر شناخته شده هستند چنان که تعداد زیادی از نوشته های آنها زیر چاپ نرفته و فروخته نشده است. رقم فروش ترجمه ها از زبان عربی به فرانسه تا حدودی ناامیدکننده است چرا که در صفحات ادبی، اغلب به بررسی اخلاقی و شخصیت نویسندگان عرب می پردازند و این در حالی است که نویسندگان فرانسوی بر کل بخش های ادبی تسلط کامل دارند.

اما در جهانی که به زبان انگلیسی صحبت می کنند نوشتن برای نویسندگان عرب به طور محسوسی سخت و دشوار است. ناشران کمی که به انتشار ترجمه های عربی به انگلیسی می پردازند به موفقیت های چشمگیری در چاپ و توزیع آنها دست نیافته اند. اما در کشورهایی که هر متنی از زبان عربی باید به زبان آنها ترجمه شود (حتی متون فرانسوی و انگلیسی) موفقیتی سخت تر به وجود می آید.

آثار جهان عرب بیشتر در مراکز انتشاراتی کوچک منتشر می شود. کشور اسپانیا در این بین نمونه ای به خصوص است چرا که رابطه ای نزدیک و طولانی با دنیای عرب دارد. اما اینکه آثار عرب زبان و ترجمه آنها تا چه اندازه برای خوانندگان آنها جالب است باید مورد توجه قرار گیرد.

در مورد اینکه چرا چنین شرایطی در اروپا نسبت به آثار جهان عرب حاکم است این موضع واضح و روشن است که مخاطب نویسندگان عرب، خوانندگان عرب زبان هستند که بیشتر نوشته های آنها شاید برای خواننده ای از اروپا جالب و سرگرم کننده نباشد. نویسندگان عرب از استراتژی های مخصوص در حوزه فروش و جذب خواننده در سایر کشورها استفاده نمی کنند و در این زمینه نیز موفقیتی به دست نیاورده اند. اما در هر حال ناشران اروپایی و همچنین خوانندگان و علاقه مندان به آثار ادبی توجه داشته و معتقدند که جهان عرب می تواند خلاق تر باشد.

به هر حال ادبیات عرب در صورتی می تواند در اروپا با استقبال مواجه شود که همین آثار در خود جهان عرب نیز با استقبال عمومی روبه رو گردد. اینکه آثار عرب زبانان در اروپا تنها به دلیل وجود حساسیت های مذهبی و موضوعات دینی مورد توجه باشد اصلاً قابل قبول نیست.

کتاب

# انتشارات توس و آثار تازه

**چهار جلد از کتاب «یونانیان و بربرها (روی دیگر تاریخ)» نوشته امیر مهدی بدیع، چاپ دوم «اساطیر و فرهنگ ایران» نوشته دکتر رحیم عفیفی، «پانزده گفتار» اثر شادروان مجتبی مینوی و «جامعه‌شناسی روابط جنسی» نوشته آندره مورالی دانینو، کتاب‌هایی از انتشارات توس است که به تازگی روانه بازار نشر شده است.**

## یونانیان و بربرها

جلدهای اول تا چهارم کتاب «یونانیان و بربرها (روی دیگر تاریخ)» نوشته امیرمهدی بدیع عنوان مجموعه‌ای از انتشارات توس است که با همکاری مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها منتشر شده است.

جلد اول این کتاب با عنوان «خطا در تاریخ» که با ترجمه مرتضی ثاقب‌فر روانه بازار نشر شده است، مدخلی برای ورود به دنیای باستان و همه آن چیزی است که طی چندین قرن میان ایران و یونان روی داده است. این مجلد روابط ایران و یونان را از سرآغاز تاریخ تا روزگار اسکندر در بر می‌گیرد.

جلد دوم این کتاب با عنوان «دو جهان مکمل یکدیگر» به بررسی روابط دو تمدن درجه اول دنیای باستان (ایران و یونان) می‌پردازد و نشان می‌دهد که این دو جهان به ظاهر متفاوت در واقع مکمل یکدیگر بوده‌اند اما مورخان ناآگاه یا مغرض با نادیده گرفتن حقایق در جهت تحریف تاریخ گام برداشته‌اند. مترجم این کتاب ع.روح‌بخشان است.

جلد سوم یونانیان و بربرها با عنوان «شوش در برابر آتن» با ترجمه قاسم صنعوی به چگونگی رویارویی اجتناب‌ناپذیر دو ابرقدرت دنیای باستان از زبان مورخان آن روزگار یونان می‌پردازد. در این کتاب صورت دقیق لشکرکشی خشایارشا به یونان و عوارض آن و دروغ‌پردازی‌های هرودوت در این زمینه ترسیم شده است.

جلد چهارم کتاب نیز در دو دفتر با عناوین «سالامیس و پلاته» و «افسانه پیروزی» با ترجمه مرتضی ثاقب‌فر منتشر شده است.

«سالامیس و پلاته» به جنگ‌های دریایی ایران و یونان در تنگه بسفور واقع در دریای اژه می‌پردازد. در دو واقعه محلی در «سالامیس» و «پلاته» نیروی دریایی ایران به دلیل ازدحام کشتی‌ها از کار باز ایستاده و شکست خوردند و مورخان یونانی آن زمان این دو شکست کوچک را شکست بزرگ ایران در نبرد با یونانیان تلقی کردند.

دفتر دوم جلد چهارم یعنی «افسانه پیروزی» نیز گزارش کامل حمله خشایارشا به یونان براساس منابع یونانی است که بعدها مورد استناد مورخان اروپایی واقع شده و با وارونه جلوه دادن شکست بزرگ یونانیان در برابر ایران، افسانه پیروزی خود را ساخته‌اند. بدیع در این کتاب با بهره‌گیری از همان منابع نشان می‌دهد که چگونه افسانه به تاریخ تبدیل خواهد شد.

انتشارات توس چاپ این مجموعه را تا جلد ششم ادامه خواهد داد و فهرست اعلام توصیفی و شرح حال نویسنده را هم منتشر خواهد کرد.

## اساطیر و فرهنگ ایران

چاپ دوم «اساطیر و فرهنگ ایران» نوشته دکتر رحیم عفیفی که چاپ نخست آن در سال ۱۳۷۴ منتشر شده، دیگر کتاب توس است که در دو بخش منتشر شده. بخش اول سلسله گفتارهایی در زمینه اساطیر و فرهنگ و اعتقادات مردم ایران است که در مدت چهارده سال در مجله دانشکده ادبیات منتهد به چاپ رسیده و مأخذهای آن نوشته‌های مختلف زبان پهلوی است.

بخش دوم این کتاب نیز گزارش دویست و شصت و هفت واژه است که بسیاری از آنها در فارسی امروز نیز به کار می‌رود و برخی نیز اصطلاحات خاص آیین مزدیسنی است که اکنون تغییر کرده یا به باد فراموشی سپرده شده است.

## پانزده گفتار

«پانزده گفتار درباره چند تن از رجال ادب اروپا از اومیروس تا برناردشا» نوشته شادروان استاد مجتبی مینوی، دیگر کتاب توس است که به تازگی روانه بازار نشر شده است.

مرحوم مینوی در این کتاب به قصد معرفی کردن عده‌ای از نویسندگان و شعرای اروپا مقالاتی را به رشته تحریر درآورده است. وی این کتاب را در سال ۱۳۳۳ نوشته است که هم اکنون روانه بازار نشر شده است.

## جامعه‌شناسی روابط جنسی

و بالاخره «جامعه‌شناسی روابط جنسی» کتابی از آندره مورالی دانینو است که با ترجمه حسن پویان توسط انتشارات توس روانه بازار نشر شده است.

این کتاب در نخستین بخش به انواع روابط جنسی می‌پردازد و انحرافات آسیب‌شناختی آن را توضیح می‌دهد. بخش دوم این کتاب نیز مختص روابطی است که بین جنسیت و جامعه برقرار است و به تعارض جریان‌های متفاوت، برخورد مذکر و مؤنث، تعارض در زوج‌ها و خانواده و نیز مناسبات زوج‌ها و خانواده با جامعه می‌پردازد.

پرونده

نگاه جهانی

مترجم: مهرناز مصباح

# با نثری غنی و رؤیاگون

پل آستر، رمان و مقاله‌نویس، مترجم و شاعر آمریکایی در سال ۱۹۴۷ در نیوجرسی متولد شد. رمان‌های جنایی پیچیده وی اغلب با موضوعات کشف هویت و معنای شخصی سر و کار دارد. او در ژوئن ۱۹۶۹ مدرک کارشناسی‌اش را در رشته ادبیات تطبیقی از دانشگاه کلمبیا گرفت. در ۱۹۷۰ نیز مدرک کارشناسی ارشد را از این دانشگاه کسب کرد. رشته اصلی مطالعات وی در دانشگاه ادبیات رنسانس بود. در همین دانشگاه بود که با شاعران فرانسوی آشنا شد و فعالیت نویسندگی‌اش را به‌عنوان مقاله‌نویس، مترجم و شاعر آغاز کرد. البته ناگفته نماند که او پیش از اتمام تحصیلات دبیرستان سفری به اروپا (ایتالیا، اسپانیا، پاریس و دوبلین) داشت و در آنجا به روی یکی از رمان‌هایش کار کرد و پس از بازگشتش به آمریکا وارد تحصیلات دانشگاهی شد. آستر زمانی به مارسل نیبوکس در «پابلیشرز ویکلی» گفته است: «رؤیای من همیشه نوشتن رمان بوده است. نوشتن رمان این فرصت را می‌دهد که همه بخش‌های وجودت را کشف کنی، بیشتر از هر چیز دیگر که بتوان فکرش را کرد.»

استر پس از فارغ‌التحصیلی‌اش از دانشگاه کلمبیا به فرانسه رفت و در آنجا ترجمه آثار نویسندگان فرانسوی و انتشار کارهای خودش در مجلات آمریکا را شروع کرد. او سال‌ها نویسنده‌ای ناشناس بود تا اینکه در اواسط دهه ۱۹۸۰ با نوشتن «سه‌گانه نیویورک» توجه منتقدان را به خود جلب کرد. این سه‌گانه مجموع سه رمان پست مدرن و تجربی جنایی بود که در ۱۹۸۷ کامل شد و او را به عنوان نویسنده‌ای مستعد در کانون دید و توجه همگان نهاد. این کتاب‌ها در واقع در حوزه قوانین داستان‌های جنایی که حول رمز و کشف رمز می‌چرخند قرار نمی‌گیرند بلکه فرم جنایی را به‌کار گرفته‌اند تا به مسائل وجودی و سؤالات هویتی بپردازند. ترکیب این فرم و محتوا اثر را به قالب پست مدرن برده است. «شهر شیشه‌ای» (۱۹۸۵) عنوان نخستین بخش این سه‌گانه است و به ماجرای یک نویسنده رمان‌های جنایی می‌پردازد که با گیر افتادن در یک داستان جنایی هویت‌های مختلفی را به خود می‌گیرد. «ارواح» (۱۹۸۶) دومین کتاب این مجموعه است؛ بلو کارآگاهی خصوصی است که از سوی یکی از مراجعانش به نام آقای وایت استخدام می‌شود تا مردی به نام بلک را زیر نظر بگیرد. بلو سال‌ها را صرف زیر نظر گرفتن بلک می‌کند که در اتاقی در آن سوی خیابان مشغول نوشتن کتابی است. جرای این مراقبت و زیر نظر گرفتن هیچگاه مشخص نمی‌شود هرچند منتقدان می‌گویند منظور استر دقیقاً طبیعت حل ناشدنی واقعیت است، چیزی که داستان‌های جنایی معمول با یک پیرنگ معماگونه و شخصیت‌های ساده شده به حل آن می‌پردازند.

«اتاق بسته» (۱۹۸۷) سومین جلد این سه‌گانه، داستان نویسنده‌ای است که ناپدید شده و به نظر می‌رسد مرده باشد. نویسنده‌ای دیگر برای نوشتن زندگی‌نامه فرد گمشده به تحقیق در مورد او می‌پردازد و در این میان هویت نویسنده گمشده را به خود می‌گیرد. دیگر کتاب‌های استر که در آن قهرمان داستان درگیر ثبت گاهشمار زندگی فرد دیگری است، عبارتند از: «قصر ماه» (۱۹۸۹) که رمانی است پیکارسک و لویاتان (۱۹۹۲) که در ایران با نام «هیولا» ترجمه و منتشر شده است. «خلق تنهایی» (۱۹۸۲)، دیگر اثر استر هم خاطراتی است از مرگ پدرش و هم تفکری است در باب نوشتن. آثار بعدی استر شدیداً به نقش تصادف و حوادث اتفاقی و شانسی می‌پردازند: رمان «موسیقی شانس» (۱۹۹۰) از این دسته است. برخی دیگر از آثار وی همچون «کتاب توهمات» (۲۰۰۲) و لویاتان (۱۹۹۲) نیز رابطه میان انسان‌ها و همنوعانشان و محیط پیرامون را دستمایه خود قرار داده‌اند. پل استر با نثر غنی خود که به‌طور غیرمنتظره‌ای رؤیاگون نیز هست یکی از بزرگترین نویسندگان در قید حیات آمریکا به شمار می‌رود. اگر چه تأثیر نویسندگان بزرگ آمریکا همچون پو، هاوتورن و ملویل در ادبیات وی بسیار مشهود است، رد طیف دیگری از نویسندگان از مونتین و پاسکال گرفته تا وینگنشتاین، مرلوپونتی و بکت را نیز می‌توان در نثر وی مشاهده کرد.

استر با تکرار مضمون «هویت» و «خود» در همه آثارش به این نکته می‌پردازد که چگونه «من» واقعی ما در عمق درون ما خفته و زیر لایه‌های عادات و کارهای روزمره و خصایصی که طی سال‌ها برای تبدیل خودمان به آنچه دیگران از ما خواسته‌اند پرورش داده‌ایم مدفون شده است. در سه‌گانه نیویورک موضوع «من خصوصی» بسیار حائز اهمیت است. «من خصوصی»، Private بازی‌ای است با عبارت Private eyes به معنای کارآگاه خصوصی که هر دو به یک صورت تلفظ می‌شوند. در واقع در این سه‌گانه آنچه بیش از کارآگاه خصوصی اهمیت دارد، «من خصوصی» است چراکه هر یک از کارآگاهان این سه‌گانه ضمن تحقیق و بررسی در مورد موضوعی که به آنها محول شده به کشف و شناختی از من واقعی خود می‌رسند.

شانس و تصادف، دیگر مضمون مورد علاقه استر، در واقع نشان اعتقاد نویسنده به تقدیر و جبر زندگی است. به عقیده استر تقدیر خود را به صورت شانس ظاهر می‌کند. او در آثارش به موضوع دیگری نیز بسیار علاقه‌مند است: بی خانمانی. بی سرپناهی و بی پولی موقعیتی است که شخصیت‌هایش را به خود درونی‌شان نزدیک‌تر می‌کند. در بسیاری از داستان‌ها، شخصیت‌ها به انتخاب خود بی خانمانی را برمی‌گزینند تا چه در سفری که در پیش گرفته‌اند به کشف خود یا حقیقتی خاص برسند.

زندگی در رمان‌های استر معمولاً به عمل نوشتن و نویسندگی وابسته است و شخصیت‌ها به نوشتن رمان، مقاله و ضبط گزارشاتی از زندگی دیگران مشغولند. استر دوست دارد زندگی را داستانی ببیند که ما نویسنده هر خط آن هستیم. واژه‌ها در حسی کاملاً واقعی معادل زندگی‌اند. بیشتر قهرمان‌های او نویسنده‌اند و اکثر داستان‌هایش به گونه‌ای به زندگی نویسندگی مربوط است. بیشتر این نویسنده‌ها می‌نویسند چون ناگزیرند از نوشتن؛ انگار که پای مرگ و زندگی در میان باشد.

نگاه ایرانی

سروش روحبخش

# رفاقت مردانه
## درباره هیولا اثر پل استر

کسانی که از «خداحافظی طولانی» ریموند چندلر خوششان آمده باشد احتمالاً «هیولا» را هم باب طبع خود خواهند یافت. هر دو اینها رمان‌هایی هستند در ستایش رفاقت مردانه، که با نگاهی تقدیرگرا تعریف کنند چطور زمانه عوض شده و چرا دیگر هیچ چیز مثل گذشته‌ها نیست.

هیولا البته قصه نوآر نیست و پل استر که رمانش را ۴۰، ۵۰ سال پس از چندلر فقید نوشته حواسش بوده که دوران باران‌های بی‌پایان و شاپو به سرها و کارآگاهان خصوصی کولی‌صفت سر آمده است. به همین دلیل در زمینه بروز احساساتی کمی خوددار است، زیاد به دریغاگویی برگ نوشته نمی‌پردازد و دل‌خوانده را پیش از آنچه باید به رفاقت تراژیک آن دو مرد نمی‌سوزاند.

حتی به نظر می‌رسد، استر از ترس اینکه مبادا، به دام سانتی‌مانتالیزم بیفتد، حجم زیادی از انرژی خلاقه‌اش را صرف ساخت و پرداخت داستانک‌های کوچک بامزه می‌کند. داستان‌هایی مثل همه آنچه درباره گذشته ماریا نقل می‌کند.

این داستانک‌های پرشاخ و برگ و عجیب و غریب احتمالاً بعد از مدتی خودش تبدیل به معضلی شده. استر با این مشکل روبرو بوده که به خواننده بباوراند این همه آدم غیرعادی (که هر کدام می‌تواند سوژه یک کتاب مستقل باشد) چطور اتفاقاً به تور هم می‌خورند؟

نویسنده از ترفند جالبی استفاده می‌کند؛ او خودش هم روی غریب بودن این حوادث تأکید می‌کند. مثلاً اوایل داستان تعریف می‌کند زمانی که ساچر کودکی بوده روزی با مادرش بالای مجسمه آزادی می‌روند و مادر آن بالا دچار ترس از ارتفاع می‌شود و از نگرانی سقوط تمام پله‌های داخل مجسمه را نشسته پایین می‌آید چند فصل بعد شبی که در سالروز ساخت مجسمه آزادی جشنی برپاست و همه برای دیدن آتش‌بازی بر پشت بام ساختمان مرتفعی جمع شده‌اند در اثر یک اتفاق، ساچر از طبقه چهارم سقوط می‌کند.

واکنش طبیعی یک نویسنده خوب، این است که ضمن امیدواری به حافظه خواننده تعمداً از ذکر مجدد واقعه اول آن هم درست در زمان نقل ماجرای دوم خودداری کند. یک نویسنده طبیعی به حق نگران است این یادآوری زیادی توی چشم بزند و خواننده، پشت هر دو حادثه رد پای نویسنده را کشف کند.

اما استر برخلاف این عقیده، اجازه می‌دهد درست در لحظه‌ای که ساچر در شرف پرت شدن است، گوشه‌ای دیگر فنی و پیتر درباره ترس از ارتفاع مادر ساچر صحبت کنند.

چرا؟ آیا استر خواننده‌اش را دست کم گرفته و قصد دارد رمانش را برای مخاطب کم‌هوش توضیح دهد؟

نه!... در واقع برخلاف انتظار، این یادآوری اصلاً توی چشم نمی‌زند. اشاره شد که استر احتمالاً نگران این بوده که خواننده این حجم از تصادفات و شخصیت‌های غریب را نتواند باور کند. اما او از ترفند تمام دروغگویان ماهر استفاده می‌کند که با تأکید روی دروغ آن را می‌باورانند.

او می‌نویسد: «... ولی چند دقیقه پیش از سقوط بن، از مادرش یاد کردیم و داستانی که درباره دیدار از مجسمه آزادی در سال ۱۹۵۱ تعریف کرده بود. با وجود آن چشم‌انداز، یادآوری ماجرا طبیعی اما تکان‌دهنده بود. چون همین که از فکر پایین افتادن از مجسمه آزادی شروع به خندیدن کردیم، بن از راه‌پله اضطراری سقوط کرد. لحظه‌ای بعد، کمی پایین‌تر از ما ماریا و اگنس جیغ کشیدند. انگار ادای واژه سقوط به سقوط واقعی شتاب بخشیده بود و حتی اگر این دو ماجرا به هم مربوط نباشند، هنوز هم هر بار آن وقایع را به یاد می‌آورم، احساس خفقان می‌کنم.»

استر، چنان بر همزمانی این دو واقعه (یادآوری ماجرای مادر و سقوط ساچر) تأکید می‌کند که خواننده دیگر نمی‌تواند تصور کند او از یادآوری ماجرای ترس از ارتفاع مادر، «منظوری» داشته است. چون اگر منظوری داشت آن را اینقدر رک و پوست کنده کنار ماجرای سقوط ساچر یادآوری نمی‌کرد، پس چاره‌ای ندارد جز آنکه بپذیرد این وقایع واقعاً اتفاق افتاده‌اند.

نویسنده می‌گوید: «یادآوری آن ماجرا طبیعی اما تکان‌دهنده بود.»

ظاهراً نکته ماجرا در کلمه «تکان‌دهنده»ای است که بعد «اما» آمده، در حالی که وظیفه اصلی بر دوش واژه «طبیعی» است که در جایی از جمله قرار گرفته (پیش از اما) که بدون جلب توجه، تأثیر خودش را می‌گذارد و با توسل به آن بازگویی ماجرای مادر طبیعی قلمداد می‌شود. جمله کلیدی بعدی این است: «انگار ادای واژه سقوط به سقوط واقعی شتاب بخشیده بود...» استر با رندی تمام، برای تبدیل این ضعف ادبی به نقطه قوت، از خود ادبیات یاری می‌گیرد و اجازه می‌دهد حتی ذهن راوی ادای واژه سقوط را با سقوط واقعی مرتبط فرض کند.

خلاصه مکانیزمی که رخ داده این است: دو اتفاق در دو جای مختلف رمان رخ داده که ارتباطی معنایی با هم دارند. رمان‌نویس فکر کرده شاید اگر به ارتباط این وقایع هیچ اشاره‌ای نکند، رابطه آنها کمی متظاهرانه، متکلف و غیر قابل باور از آب در بیاید. بنابراین چنان بر این رابطه تظاهر می‌کند که ما تصور کنیم چنین ارتباطی وجود ندارد و بدون احساس تکلف هر دو آنها را باور کنیم حال آنکه آن دو به هم مربوطند!

در روزگار چندلر، نویسندگان پلیسی که از جدی گرفته نشدن این نوع ادبی دلخور بودند، بدشان نمی‌آمد خواننده کتاب هر چه زودتر حجاب قصه را بدرد، تا کشف کند با چه جهان‌بینی تازه‌ای روبه‌رو شده، و این دقیقاً همان چیزی است که استر از آن حذر می‌کند؛ چون ما دیگر در روزگار چندلر نیستیم. شاید استر هم پایه رمانش را همانجایی بنا نهاده که چندلر فقید؛ اما همچنان که اشاره شد، عامدانه از سوق دادن خواننده به کشف پیرنگ اثر (مردی از روزگار گذشته که دیگر در جهان ما جایی ندارد) پرهیز نموده و حواس او را مدام با قصه‌پردازی پرت می‌کند.

قصه‌هایی عجیب و جذاب که یک قصه‌پرداز مادرزاد (کسی تقریباً شبیه شخصیت ماهی بزرگ تیم برتن) به صورت بداهه تعریف می‌کند.

گویی یک ضرب‌المثل چینی می‌گوید: «قدم جای پای بزرگان نگذار، به آن افقی چشم بدوز که آنان چشم دوخته بودند.»

استر هم پا جای پای چندلر نمی‌گذارد، ولی چون احتمالاً این ضرب‌المثل به گوشش خورده، علاقه‌مندان «خداحافظی طولانی»، «هیولا» را نیز موافق طبع خود خواهند یافت.

امیرحسین شرافت

### درگفت‌وگو با حسینعلی محفوظ؛ بنیانگذار کرسی ادبیات فارسی در عراق

# به پاس دانش و ادب فارسی

**حسینعلی محفوظ، از خانواده علمی محفوظ است که از قرن هفتم تاکنون به خاندان علم و دانش شهرت دارند. وی در سال ۱۳۰۵ خورشیدی (۱۹۲۶ عیسوی) در شهر کاظمین که در عراق به شهر علم و فضل مشهور است، به دنیا آمد. به گفته خودش، خانه و محل تولدش را از گذشته، کتابخانه می‌نامیدند و این به آن علت بود که همه جای آن پر از کتاب بوده. کتابخانه شخصی وی در حال حاضر بیش از شصت هزار جلد کتاب دارد.**

**محفوظ، در دامان این خانواده و در محیط آن شهر نیکو با خانواده‌های دانشمند زیادی که در این شهر حضور داشتند، آشنا شد و از محضر علما و اندیشمندان بزرگ این شهر استفاده بسیار برد.**

**پس از گذراندن تحصیلات متوسطه، در سال ۱۹۴۸ از دانشسرای عالی بغداد در رشته زبان و ادبیات عرب با رتبه ممتاز فارغ‌التحصیل شد. همزمان با تحصیل در دانشگاه، دروس حوزوی را نیز ادامه داد و سطوح عالی این دروس را با موفقیت پشت‌سر گذاشت.**

**در سال ۱۹۵۰ دعوتنامه‌ای از دانشگاه تهران به وزارت علوم عراق ارسال می‌شود مبنی بر دعوت از دو تن از دانشجویان عراقی برای تحصیل در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی آن دانشگاه که حسینعلی محفوظ، انتخاب اول این دعوتنامه از طرف دولت عراق بود. به گفته خودش، ورود وی به ایران، باعث استفاده فراوان او از محضر اساتید و بزرگان زبان و ادب فارسی می‌شود. پروفسور حسینعلی محفوظ که فارسی را بسیار خوب و با لهجه عربی صحبت می‌کند، از یادآوری خاطرات روزگار تحصیل در ایران و یاد و نام استادان بزرگ آن روزگار، دچار شوق و ذوق زایدالوصفی می‌شود، به گونه‌ای که همه قرارها و ملاقات‌های خود را برای بیان گوشه‌ای از آن خاطرات لغو می‌کند.**

**محفوظ، فارسی یاستان را از مرحوم استاد ابراهیم پورداود، زبان پهلوی را از دکتر صادق کیا، زبان اوستایی را از دکتر محمد مقدم و زبان سانسکریت را از پروفسور کتما راجا آموخت. همچنین از محضر بزرگانی چون: استاد سعید نفیسی، استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، استاد مجتبی مینوی و دکتر ذبیح‌الله صفا بهره‌های فراوان برده است. رساله دکتری وی با عنوان «بین المتنبی و السعدی» است که به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی، ادبیات این دو شاعر بزرگ را تحقیق و بررسی می‌کند. این پژوهش ممتاز، بعدها مورد مراجعه و مستند بسیاری از تحقیقاتی شد که در صدد مطالعه تطبیقی ادبیات فارسی و عربی و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر بودند. رساله مزبور، به صورت کتاب ،مکرر چاپ شده و مورد استفاده دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، هم در ایران و هم در عراق و کشورهای دیگر قرار گرفته است.**

**پروفسور محفوظ در سال ۱۹۵۲ توسط مرحوم ادیب السلطنه سمیعی، به عضویت انجمن فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب می‌شود. وی با ادبای بزرگ فارسی و دانشمندان نامی عصر خویش مانند: مرحوم سیدمهدی حجازی، ملک قدوم، کاظم رجبی، علی‌اکبر سلیمی، ادیب پرومند، سیدمهدی فقیهی، جلال‌الدین ارومی، محدث ارومی، بهمن یارکرمانی، استاد جلال‌الدین همایی، سیدمحمد مشکاة [به گفته محفوظ، سمت پدری نسبت به او داشت]، استاد سیدمهدی آشتیانی و برخی اساتید دیگر مراوده علمی و ادبی داشته و از محضر آنها استفاده زیادی برده است. محفوظ بتازگی در دوازدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطالعات ایرانی به‌خاطر مجموعه آثار مکتوب و خدمات علمی فراوان برگزیده شد.**

**پروفسور محفوظ چندی پیش سفری به ایران داشت که ضمن ملاقات با اساتید دانشگاه و حوزه و دیدار از تهران، اصفهان، مشهد و قم و سخنرانی در دانشگاههای فردوسی و تهران در مراسمی که به مناسبت تقدیر از تلاش‌ها و کوشش‌های وی در رونق و گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان عرب برگزار شد، شرکت کرد. در این سفر، فرصتی دست داد تا به گفت‌وگو با وی بنشینیم و از ارتباط و مراودات و خاطرات او با اساتید بنام زبان و ادب فارسی بیشتر بشنویم.**

**چطور شد شما به ادبیات فارسی علاقه‌مند شدید؟**

من از ابتدا به ادبیات و آموختن زبان‌ها علاقه‌مند بودم و از همان دوره‌ای که در آموزش و پرورش ایران به مقطع راهنمایی مشهور است، به زبان فرانسه و سپس به ترکی و آلمانی و فارسی علاقه پیدا کردم. این علاقه همچنان در من وجود داشت تا اینکه از دانشسرای عالی بغداد با رتبه ممتاز و شاگرد اولی فارغ‌التحصیل شدم. در آن زمان رسم بود که دو نفر اول را با خود دانشگاه برای ادامه تحصیل بورسیه می‌کرد یا به دعوت دانشگاههای معروف به کشورهای خارجی اعزام می‌کرد. در آن موقع ما منتظر دعوت از سوربن در فرانسه، پرینستون در آمریکا، کمبریج یا آکسفورد در انگلستان یا احتمالاً از ایتالیا بودیم که برای ادامه تحصیل و تدریس در دکتری ادبیات عربی اعزام شویم. در همین زمان نامه‌ای از ایران رسید که در آن از دو دانشجوی عراقی برای ادامه تحصیل در دانشگاه تهران دعوت شده بود. وزیر وقت فرهنگ عراق هم گفت: چنین دعوتنامه‌ای آمده و مناسب است شما به ایران بروید. من هم علیرغم اینکه منتظر دعوت از دانشگاههای اروپا و آمریکا بودم، بسیار خوشحال شدم و به جرأت می‌توانم پس از پنجاه سال بگویم، بیشتر از هر جای دیگر، من از فضا و محیط علمی و ادبی ایران و دانشگاه تهران استفاده کردم. در اینجا شما با انبوهی از کتاب‌های خطی، دانشمندان بزرگ و نامی و ادبیات شیرین فارسی مواجه می‌شوید که در کمتر نقطه‌ای از کره خاکی شاهد آن هستید.

**آقای دکتر، وضع دانش و ادب فارسی و اساتید را در ایران چگونه دیدید؟**

بسیار عالی بود. کسانی که در آن زمان من به عنوان استاد با دوست افتخار آشنایی با آنها را داشتم انصافاً از سرآمدان وقت بودند و شاید یکی از دوران‌های طلایی فرهنگ و ادب فارسی از نظر تحقیق و پژوهش و تربیت اندیشمندان و صاحبنظران طراز اول بود.

**اگر اجازه بفرمایید سؤالات بعدی را از اساتید شما و ارتباط علمی و ادبی که با بزرگان آن زمان داشتید مطرح کنم. در ابتدا از مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر آغاز می‌کنم.**

ایشان استاد بزرگ و راهنمای بنده هستند. خدایش رحمت کند. نکته‌ای که توجه بسیار مرا در مورد ایشان جلب کرد تسلط او بر زبان و ادبیات عرب بود و بسیار جالب توجه بود که ایشان پنجاه هزار بیت شعر عربی سروده بودند و این مطلب را خودشان به بنده گفتند که در غائله‌ای که در راه بشرویه و خراسان اتفاق افتاده بود بسیاری از نوشته‌های ایشان و از جمله همین اشعار عربی به غارت رفته بود. اما ایشان بتدریج به مدد حافظه شان آنها را به خاطر آورده بودند.

استاد فروزانفر در سرودن شعر عربی زبردست بودند و خودشان به من گفتند شعری در مدیحه سرایی حاج شیخ محمدمهدی خالصی کبیر که از رجال نامی عراق و در ایران مقیم بودند سروده‌اند که البته من آن را قصیده‌ای غرا به زبان عربی دیدم. به نظر بنده مرحوم استاد فروزانفر، متخصص بزرگ در مثنوی معنوی و در شخصیت مولانا جلال‌الدین رومی بودند و در این زمینه از محضر ایشان استفاده بسیار زیادی بردم. به نظرم شرح و تفسیر ایشان بر مولوی از بهترین کتاب‌ها در این زمینه است و از افتخارات من این است که کتاب ایشان را خلاصه کردم و به عربی چاپ کردم. از لطایف و خاطرات زیبایی که از ایشان دارم این است که یکی از دوستان من نسخه‌ای از کتاب احمد بن حنبل را به ایشان اهدا کردند. در همان زمان ایشان دچار شکستگی پا شدند و در بیمارستان بستری شدند. من به دیدن ایشان رفتم و پس از احوالپرسی رو به من کردند و گفتند: محفوظ جان، آقای احمدالقیسی، کتاب مسند احمد بن حنبل را آوردند و من در اینجا من الجلد الی الجلد خواندم (یعنی از اول تا آخر) در صورتی که ایشان بیمار بودند و کتاب هم چندین جلد قطور بود و این برای بنده و همه کسانی که آنجا حضور داشتند بسیار جالب توجه بود.

خاطره دیگری که از ایشان دارم این است که روزی ایشان فعل «نمازیدن» را به کار بردند. بنده به ایشان عرض کردم چنین چیزی در فارسی نیست و

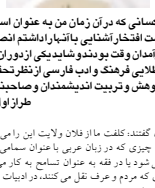

**کسانی که در آن زمان من به عنوان استادیا دوست افتخارآشنایی باآنها را داشتم انصافاًاز سرآمدان وقت بودندو شاید یکی ازدوران‌های طلایی فرهنگ و ادب فارسی ازنظرتحقیق و پژوهش و تربیت اندیشمندان و صاحبنظران طراز اول بود**

ایشان گفتند: کلفت ما از فلان ولایت این را می‌گفت. همان چیزی که در زبان عربی با عنوان سماعی از آن یاد می‌شود و با در فقه به عنوان تسامح به کار می‌رود. چیزی که مردم و عرف نقل می‌کنند، در ادبیات دارای اهمیت است.

**ظاهراً پیشنهاد موضوع رساله شما که عنوان آن «بین المتنبی و السعدی» بود هم از طرف مرحوم فروزانفر انجام گرفت. در این رابطه هم توضیح دهید.**

ایشان به عنوان استاد راهنما به بنده دستور دادند در رابطه با متنبی و سعدی رساله‌ام را بنویسم و فرمودند: مرحوم ایرج، شاعر بزرگ ایران در سال ۱۳۱۵ مقاله‌ای نوشت و تو کتابی در این موضوع بنویس و این به خاطر لطفی بود که ایشان به من داشتند. تصورشان این بود که با توجه به تسلطی که بنده بر زبان عربی دارم می‌توانم در این کار موفق شوم و الحمدلله با راهنمایی و هدایت ایشان موفق شدم. ایشان به همراه جناب دکتر مرحوم میرزا عبدالعظیم خان قریب و دکتر ذبیح الله صفا عضو هیأت داوری بودند.

**شما در تحقیق خود چه نتیجه‌ای ارائه کردید؟**

همانطور که می‌دانید، متنبی را از شاعران بزرگ اسلام شمرده‌اند. چنانکه رشید وطواط می‌گفت همه شعرای جهان اسلام جیره‌خوار اویند. من در تحقیق خود اولاً درصدد معرفی شاعرانی بودم که از زمان متنبی تا عصر خواجه سعدی و دوره خود سعدی، از متنبی در شعر خود الهام گرفته یا استفاده برده‌اند. در مرحله دوم هم کلیه ماخذ و منابعی که سعدی در شعر خود از آنها استفاده کرده از قبیل خود متنبی و دیگر شاعران عرب که تعداد آنها به ۲۴ تن می‌رسد و همچنین استفاده او از قرآن کریم، حدیث، قصص قرآن و امثال و حکم عرب که به تفصیل بیان کرده‌ام.

این کتاب البته مورد تقدیر و تشویق بزرگان و دانشمندان وقت قرار گرفت و به عنوان کتاب برتر سال انتخاب شد.

**آقای دکتر آیا پژوهش شما مورد مناقشه هم واقع شد؟**

بله، برخی ایراد گرفتند. اما استادات زیاد بود. مثلاً خود سعدی در شعرش می‌گفت:

به جز از متنبی نظر همی کردم
در این سفینه دریای در بیش بها
متاع خویشتنم در نظر حقیر آمد
که پرتوی ندهد پیش آفتاب سُرا

و متنبی هم می‌گوید: «والشعر جاده و ربما حاضر علی حاضره» شعر به معنی راه است و ممکن است همه افراد وارد این جاده شوند.

**آیا عکس‌العمل‌های دیگری هم در پی داشت؟**

بله. بسیاری از افراد به من تاختند و نمی‌توانستند بپذیرند که سعدی از دیگرانی هم تأثیر گرفته باشد. البته من نظرم این است که ادبیات و شعر مربوط به همه است و واقعاً زیبایی‌ها و لطافت‌های آن همه مرزها را پشت سر می‌گذارد؛ همانطور که شعر حافظ و سعدی بسیاری از محدودیت‌های جغرافیایی را درنوردیده و به بسیاری زبان‌ها ترجمه شده و به عنوان ادبیات ماندگار جهانی به ثبت رسیده است.

حتی اگر من نتوانسته باشم در تحقیق خودم تأثیر سعدی را از متنبی اثبات کرده باشم اما به نکات بسیار مهمی در ادبیات تطبیقی پی بردم که فوق‌العاده برایم مهم بود و نکته دیگر لذتی بود که من از این کار بردم و هرگز آن را فراموش نمی‌کنم.

**سؤال دیگر را از ارتباط شما با مرحوم دکتر محمد مقدم مطرح می‌کنم. لطفاً در این باره هم توضیح دهید.**

ایشان واقعاً انسان عجیبی بودند هم بسیار فاضل و هم دوست داشتنی. یادم هست سر کلاس هم سیگارشان را ترک نمی‌کردند و خودشان می‌گفتند من محمد مُقدَم است نه مقدم - رحمت‌الله علیه -.

من در درس زبان اوستایی شاگرد ایشان بودم و البته مراودات علمی دیگری هم با ایشان داشتم. استاد از سر لطف یکی از کتاب‌هایی را که من تحقیق کرده بودم به نام «رسالة فی مزیة اللسان الفارسی علی سایر السنة ما خلل اللغة العربیه» را در مجموعه‌ای به نام «ایران کودک» که خودشان به همراه چند نفر دیگر مسؤولیت آن را داشتند، چاپ کردند و این از اولین کتاب‌هایی بود که از من در ایران چاپ شد که احتمال می‌دهم در سال ۱۳۳۲ بود.

**مراوده شما با مرحوم دکتر صادق‌کیا چطور بود؟**

من از محبت ایشان برخوردار بودم. یادم هست بسیاری از مواقع برای خرید لوازم‌التحریر یا کتاب با یکدیگر به خیابان لاله‌زار و ناصر خسرو - اگر اسم آن را درست بگویم - و می‌رفتیم و قدم زنان صحبت می‌کردیم. ایشان یک قصیده بزرگ عربی را از حفظ داشتند که بیرونی در وصف آل عراق گفته است.

**شما زبان سانسکریت را پیش چه کسی خواندید؟**

در آن زمان پروفسور راجا به دعوت دانشگاه تهران، زبان سانسکریت را تدریس می‌کردند و من هم پیش ایشان دروس این زبان را طی کردم.

**در زمان شما سطح علمی اساتید و نحوه حضور دانشجویان در کلاس‌ها چگونه بود؟**

بسیار عالی بود. اساتید آن موقع به نظرم سرآمد استادان بودند و نزد شاگردان و دانشجویان بسیار محترم بودند. حضور دانشجویان در کلاس هم بدون وقفه و بسیار منظم و مرتب بود. روابط بین اساتید و شاگردان هم از قداست و حرمت زیادی برخوردار بود آنچه بیش از هر چیز دیگری مشهود و ملموس بود رونق دانش و استفاده علمی به هر طریق ممکن بود. یادم هست با توجه به اینکه من عربی‌دان بودم اساتید و همچنین دانشجویان در همه کارهای عربی خود با من مذاکره و مشورت می‌کردند و تبادلات این چنینی بسیار متداول بود.

**آیا با مرحوم دکتر علی‌اصغر حکمت هم، کلاس و درس داشتید؟**

خیر، چون ما باید ده شهادتنامه داشته باشیم. ایشان تدریس

تاریخ قرآن داشتند و متأسفانه نتوانستیم در آن شرکت کنیم. ایشان با زبان عربی بسیار مأنوس بودند و از دانشمندان وقت به شمار می آمدند. همانطور که می‌دانید ایشان از طرف خانواده مادری از خاندان سیدعلی‌خان شیرازی مؤلف کتاب سلافة الاصل هستند و در جشن هزاره بوعلی‌سینا، ایشان استاد کل بودند.

**شما ظاهراً جزو گروه مخصوص مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر بودید؛ چه کسانی غیر از شما در این گروه حضور داشتند؟**

تا آنجا که یادم می‌آید مرحوم سیدمحمود نشاط از یزد، آقای مصفا، رحیم فرمنش، سادات نصری و... بودند.

یک روز سر کلاس آقای سادات نصری خطاب به مرحوم فروزانفر گفت: «استاد من شعری در مدح شما سروده‌ام و اگر اجازه بدهید آن را بخوانم». مرحوم فروزانفر فرمود بخوان، و سادات با این بیت شروع کرد:

تو در آسمان هنر اختری
بدیع الزمان فروزانفری

و ما البته استاد را خیلی تجلیل می‌کردیم و سعی داشتیم تا حد ممکن حق وی را ادا کنیم.

**ارتباط شما با مرحوم عبدالعظیم‌خان قریب چگونه بود؟**

خدا رحمت کند ایشان را خیلی به من لطف محبت داشتند و همیشه می‌گفتند: «محفوظ مجتهد است» و این بعد از ارائه اجازاتی بود که من به ایشان دادم و بسیار خوشحال شدند و این جمله را وقتی می‌خواستند مرا به شخص یا جمعی معرفی کنند می‌گفتند.

**شما دروس حوزوی به خصوص فقه و اصول را چگونه خواندید؟**

فقه و اصول را در خانواده خواندم، چون خواندن دروس حوزوی از سنت‌های خانوادگی ما است. به گفته سعدی همه قبیله ما عالمان دین بودند. خواندن فقه و اصول لازمه خانوادگی ما بود و من از کودکی تا پایان دوره دانشسرای عالی بسیاری از دروس فقه و اصول را پشت سر گذاشتم و به جهت جمع بین دروس قدیم و جدید، موقعیت من نزد دانشجویان و اساتیدم بخصوص مرحوم عبدالعظیم‌خان قریب ممتاز بود.

**آیا در درس سبک‌شناسی مرحوم ملک‌الشعراء بهار هم شرکت کردید؟**

خیر. در دوره ما دچار کسالت بودند و ما مجوز دیدن ایشان را نداشتیم. اما مرحوم حسن خطیبی نوری به جای ایشان درس می‌دادند و مراتب ارادت شاگردان را به ایشان ابلاغ می‌کردند و بنده درس سبک‌شناسی مرحوم ملک‌الشعرا بهار را پیش مرحوم فروزانفر خواندم.

**نظر شما درباره کتاب سبک‌شناسی ملک‌الشعراء بهار و روش ایشان چیست؟**

کتاب بسیار مهمی است و به نظر من پایه و شالوده بسیاری از کارهایی است که در آن زمان انجام شده و من تصور می‌کردم ادامه پیدا کند. در این کتاب مرحوم ملک‌الشعراء تمام متون فارسی را به روش بسیار مهمی به دقت مورد پژوهش قرار داده است.

**آیا با مرحوم دهخدا هم ارتباطی داشتید؟**

بله. اولین بار در لغتنامه به دیدن ایشان رفتم و ایشان برای من از چگونگی ورودشان به کاظمین و اقامت در خانواده حسینی و بسیاری از خاطراتشان تعریف کردند و مشخص شد اقامت ایشان در کاظمین در نزدیک منزل خانوادگی ما بوده است.

**آشنایی شما با مرحوم دکتر سعید نفیسی چطور بود؟**

ارتباط من با ایشان بسیار صمیمی و زیاد و شبیه مراوداتم با مرحوم فروزانفر بود. من پیش ایشان درس تصوف اسلامی خواندم و یکی از ده شهادتنامه‌ای که گرفتم از درس ایشان بود. واقعاً کلاس ایشان اندیشمندانه و دانشمندانه بود. اما قدری پراکنده و شلوغ بود و به نظرم این به جهت گستردگی معلومات و دانش ایشان بود.

بیشترین استفاده و بهره علمی من از ایشان به خاطر اجازه حضور در منزلشان و کلاس‌های خصوصی بود که من در هفته دو روز در خدمت ایشان بودم. همچنین اجازه داشتم از کتابخانه غنی و پربارشان استفاده زیادی ببرم.

**با مرحوم استاد جلال‌الدین همایی چطور؟**

روابط من با ایشان بیشتر معنوی بود چون ایشان هم عالم زاهد و هم عارف بودند. ایشان به من اجازه نقل روایت دادند و این اجازه با دست و خط مبارک خودشان است. تصور من این است که ایشان نه تنها از بزرگترین دانشمندان ایران بلکه از بزرگترین اندیشمندان شرق بودند. چون جامع علومی مانند: ریاضی، نجوم، فقه و اصول، حدیث، ادبیات، شعر بودند و همانطور که می‌دانید ایشان شاعر بودند و تخلصشان ثنا بود.

**مراودات شما با مرحوم مجتبی مینوی چگونه بود؟**

بنده به ایشان ارادت بسیاری داشتم و مرتب به منزلشان می‌رفتم و از محضر ایشان بسیار استفاده می‌بردم. به نظر من مرحوم مینوی تالی تلو مرحوم محمد ابن عبدالوهاب قزوینی بود. ایشان علیرغم اینکه ایرانی بود اما به عنوان یکی از بزرگترین شرق شناسان شناخته می‌شد.

مرحوم مینوی آثار خطی را که مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌دادند، به بنده معرفی می‌کردند. یادم هست کتاب «التصحیف علی حروف او علی حدوث الذهب» را قبل از اینکه در عربستان چاپ شود به من ارائه کردند و من در ابتدای آن نوشتم: «بهترین تحقیقی که تاکنون روی این کتاب انجام شده، پژوهش استاد مجتبی مینوی است» که در آن زمان از طرف برخی از اساتید مورد خطاب واقع شدم که شما که کارهای دیگران را ندیده‌اید، چگونه کار مینوی را بهترین تشخیص داده‌اید. اما من امروز هم با گذشت چندین دهه از آن زمان و علیرغم مشاهده کارهای مشابه، باز هم تحقیق مجتبی مینوی را دقیق‌ترین و مهمترین می‌دانم. به نظر من ایشان در همه کارهایی که به دست گرفتند محقق و دانشمند بودند.

**با مرحوم سیدمهدی ملک حجازی هم مراوده داشتید؟**

ایشان به منزل ما در باشگاه دانشگاه می‌آمدند و ما روابط دوستانه‌ای داشتیم. خلاصه‌ای از دیوان شعرش را به خط خودش به من اهدا کرد. مرحوم ملک حجازی

**من از ابتدا به ادبیات و آموختن زبان‌ها علاقه‌مند بودم و از همان دوره‌ای که در آموزش و پرورش ایران به مقطع راهنمایی مشهور است. به زبان فرانسه و سپس به ترکی و آلمانی و فارسی علاقه پیدا کردم**

از شعرای به نام مشروطیت بودند و همانطور که می‌دانید، کتاب هفتاد موج ایشان از کتاب‌های مهم ادبیات آن دوره بود.

**با انجمن ادبی همکاری می‌کردید؟**

بله. برنامه بسیار خوب و دلچسبی که داشتیم این بود که هفته‌ای یک بار شب‌های سه‌شنبه در منزل یکی از دوستان دور هم جمع می‌شدیم و صحبت‌های ادبی و شعر مطرح می‌شد. مرحوم بروند؛ سیدمحمدتقی مصطفوی، رئیس اداره کل باستانشناسی؛ سیدمهدی ملک حجازی؛ قروم؛ مرحوم فقیهی و علی‌اکبر سلیمی از افراد آن جمع بودند که الان به خاطرم می‌آید.

**شما با آقای بوذری و کارهای او آشنا بودید؟**

من مکرر خدمت ایشان می‌رسیدم و نمونه‌های زیادی از خط زیبای خود را به من اهدا کردند. بنده از طریق ایشان افتخار آشنایی با آقای بنان را پیدا کردم که از بهترین شکسته نستعلیق‌نویسان آن روزگار بود و نمونه‌هایی از خط خوش ایشان را هنوز هم دارم. هر دو از افراد صاحب حال بودند و از صدای بسیار خوشی برخوردار بودند که هنوز آن هم حال و صدای خوش از یادم نمی‌رود.

با استاد محمدمهدی آشنایی هم مراوده داشتید؟

بله. به نظر من ایشان فیلسوف شرق بودند و از دانشمندان عصر خود. یادم می‌آید زمانی را که از ایشان درخواست اجازه روایت کردم درجواب فرمودند: من اجازه روایت ندارم اگر می‌خواهید به شما اجازه اجتهاد بدهم».

و من آن فرصت را از دست دادم و گفتم خیر. ایشان گفتند: «یک مباحثه‌ای در منطق و فقه و اصول می‌کنیم و بعد به شما گواهی می‌دهم» و من الان بسیار به خاطر از دست دادن آن فرصت غبطه می‌خورم.

**شما فرمودید که علاقه زیادی به نسخه‌های خطی و آثار ادبی کهن داشتید برای دسترسی به این آثار چه می‌کردید؟**

بنده با مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه و آقای ایرج افشار که از متخصصان فهرست‌نویسی و در آن زمان کارمند کتابخانه دانشکده حقوق بودند و کار فهرست‌نویسی کتابخانه مرحوم سیدمحمد مشکاة را انجام می‌دادند آشنا شدم و ارتباط بسیار خوبی با هر دوی آنها داشتم. هر زمان که فراغت داشتم به کتابخانه می‌رفتم و از محضر آنها استفاده می‌کردم.

## کتاب

# ۶ کتاب از نشرنی

◆ در میان کتاب‌های تازه منتشرشده نشر نی اثری از ریچارد رُرتی با عنوان «کشور شدن کشور» به بازار آمده که اندیشه چپ‌گرا در آمریکای سده بیستم را تجزیه و تحلیل می‌کند. ریچارد رُرتی فیلسوف معاصر آمریکایی در این کتاب طی سه گفتار به مباحثی چون غرور ملی آمریکایی، محاق چپ اصلاح‌گرا و چپ فرهنگی می‌پردازد.

در یکی از پیوست‌های بخش پایانی کتاب تحت عنوان جنبش‌ها و مبارزات رُرتی مقاله‌ای از ایرونیگ‌ها را که در سال ۱۹۵۴ چاپ شده، بهانه قرار داده و می‌نویسد؛ گمان نمی‌کنم که هنر و ادبیات اوایل سده بیستم نقطه عطف مهمی در تاریخ فرهنگ غرب باشد. تردید دارم که مشکلات آن زمان برای بحران جامعه جدید، حتی پذیرفتنی باشد.

این فیلسوف آمریکایی در فراز پایانی مطلب چنین نتیجه می‌گیرد: کار هر شاعر، داستان‌نویس، منتقد و نقاش، شبیه مبارزه سیاسی-اجتماعی برای هشت ساعت کار در روز یا پرداخت مزد برابر در ازای کار برابر است. چنین کاری مانند مبارزه‌ای، محدود و فانی است و می‌توان شکست یا پیروزی آن را دید، یا غالباً تا حدی شاهد پیروزی آن بود، در عین آنکه به هدف‌های نخستین خود نمی‌رسد.

کارها بسان مبارزات، ممکن است از کارها و مبارزات هم‌روزگار خود انگیزه و شور و اشتیاق بگیرند یا با تقابل با آنها خود را تعریف کنند. از این روست که اتحادها و مبارزات هنرمندانه، و نیز اجتماعی-سیاسی هم وجود دارد.

رُرتی در این کتاب با تعمق در تاریخ آمریکا و تأمل در اندیشه آمریکایی و به‌ویژه اندیشه‌های چپ گرایانه در آن کشور، به این نتیجه می‌رسد که کشور، کشور نمی‌شود، مگر آنکه عدالت اجتماعی بر آن حاکم شود. «کشور شدن کشور» را عبدالحسین آذرنگ به فارسی برگردانده و نشر نی آن را در ۱۵۶ صفحه و به قیمت ۱۸۰۰ تومان منتشر کرده است.

◆ «لیبرالیسم در تاریخ اندیشه غرب» کتاب بعدی نشر نی شامل مجموعه مقالاتی به قلم لاک، هیوم، اسمیت، کانت، هگل، دورکهایم، راولز و... است که میکائل گاراندو آن را جمع آوری و تدوین کرده است.

مبحث لیبرالیسم در اغلب جوامع با قرائت‌های گوناگون رویه روست حتی نظریه پردازان لیبرالیسم نیز با یکدیگر اختلاف نظر دارند. مغالطه بین آزادی به معنای سیاسی و آزادی اقتصادی نیز بسیار رایج است. این کتاب چکیده نظریات مشهورترین فیلسوفان و جامعه شناسان و اقتصاددانان درباره تمام مسائل مربوط به لیبرالیسم را در بر می‌گیرد و سیر تاریخی اندیشه لیبرالیسم در غرب را بر اساس براهین و ادله تاریخی نشان می‌دهد.

این کتاب ۳۸۰ صفحه‌ای را دکتر عباس باقری ترجمه کرده و به قیمت ۲۵۰۰ تومان راهی کتابفروشی‌ها شده است.

◆ «شش گفتار» درباره امام، انقلاب، جامعه، جنگ، اقتصاد و فرهنگ نیز از سوی نشر نی و به قلم میرحسین موسوی فراهم آمده است.

موسوی، نخست وزیر سابق نظام جمهوری اسلامی، در این مقالات مسائل اساسی جامعه، و مسائل حائز اهمیتی چون کارنامه درخشان ده سال اول انقلاب، پایه ریزی و نهادینه کردن انقلاب اسلامی، مشارکت سیاسی مردم، دستاوردهای دفاع مقدس، احیای تفکر دینی و نظریه توطئه یا توهم توطئه با تکیه بر بیانات رهبری انقلاب، حضرت امام خمینی(ره) را تبیین و تفسیر کرده است، پنج گفتار نخستین کتاب فوق در سال ۷۷ تحت عنوان پنج گفتار در سه نوبت چاپ و منتشر شده بود و اینک با افزودن گفتاری جدید، برای چهارمین بار این کتاب در ۱۲۴ صفحه و به قیمت ۱۵۰۰ تومان به بازار آمده است.

◆ «ماه خسته» عنوان مجموعه داستان کوتاهی است از مسعوده حقیقی، متشکل از هشت داستان کوتاه که نشر نی در ۱۱۰۰ نسخه و با قیمت ۱۶۰۰ تومان عرضه کرده است.

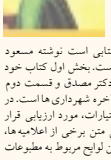

◆ «مسافر تهران» نام سفرنامه‌ای است از «ویتاسکویل وست» که توسط مهران توکلی ترجمه شده است. این کتاب شامل گزارش‌هایی از عراق و عدن و مصر و بالاخره ایران است.

«ویتاسکویل وست» زنی شاعر و رمانتیک است که در این سفر به هر چیز و به هر کس با کنجکاوی و با نگاه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌نگرد. این کتاب نیز با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۲۴۰۰ تومان عرضه شده است.

◆ «اختیارات، اصلاحات و لوایح قانونی دکتر محمد مصدق» کتابی است نوشته مسعود کوهستانی‌نژاد که در دو بخش «اختیارات» و «ضمائم» تهیه و تنظیم شده است. بخش اول کتاب خود به دو قسمت تقسیم شده است؛ قسمت اول بررسی تاریخی اختیارات دکتر مصدق و قسمت دوم شامل تحلیل سه عنوان از لوایح قانونی مطبوعات، امنیت اجتماعی و بالاخره شهرداری‌ها است. در ادامه بررسی تحلیلی مزبور، نظرات و دیدگاههای موجود پیرامون اختیارات، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. بخش دوم کتاب نیز که باز از دو قسمت تشکل شده، شامل متن برخی از اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و... و همچنین بررسی آماری مختصر پیرامون لوایح قانونی و متن لوایح مربوط به مطبوعات، امنیت اجتماعی و شهرداری‌هاست.

این کتاب با شمارگان ۱۶۵۰ نسخه و بهای ۶۸۰۰ تومان منتشر شده است.

یادداشت

حمید پایاوند

## بانک تألیف؛ راه پنجم

موضوع حمایت از ادبیات پایداری اساساً موضوع جدیدی نیست. شاید پرداختن به آن هم چندان کار دلچسبی نباشد اما در مجموع این موضوع آنقدر اهمیت دارد که باید بالاخره روزی، جایی و فرد یا گروهی به نتایج مقتضی درباره آن برسند؛ نتایجی که برای همه اهل نظر قابل اعتنا و اتکا و پیگیری باشد.

اگر موضوع حمایت را دنبال کرده باشید تاکنون سه شیوه از حمایت را دیده و تجربه کرده‌اید. حمایت نوع اول حمایت از ناشران بود. در این شیوه ناشری که اثری درباره دفاع مقدس منتشر می کرد مورد حمایت نهادها و سازمان ها قرار می گرفت. از پرداخت یارانه گرفته تا خریدهای بی حساب و کتاب! (بگذریم که حجم این حمایت ها تنها در شعار قابل اعتنا بود و در عمل باید از حمایت شدگان پرسید که چه دیده‌اند و چه کشیده‌اند!)

حمایت نوع دوم حمایت از نویسنده بود. در این شیوه برخی از مراکز یا نویسنده طرف حساب می شدند و با افزودن بر میزان حق التألیف سعی در اقناع پدیدآورنده داشتند تا به این ترتیب به حجم آثار خلاق و تولیدی در این عرصه افزوده شود.

این دو شیوه منتقدانی داشت و دارد. برخی معتقد بودند که وقتی ناشر و نویسنده مورد حمایت مالی قرار می گیرند تنها بر میزان سود آنها افزوده می شود و این سودآوری برای اشخاص لزوماً به معنای سودآوری و حرکت آفرینی در عرصه ادبیات پایداری نیست. بنابراین منتقدان شیوه سومی را با عنوان حمایت از اثر پیشنهاد می کردند.

در شیوه سوم هدف از حمایت نه ناشر بود و نه نویسنده، اثر خوب باید حمایت می شد تا به این ترتیب به آثار خوب و ارزشمند عرصه ادبیات پایداری عنایت و توجه بیشتری شود. این شیوه از حمایت بیش از آنکه به صورت یک راه عملی در صرف بودجه‌های حمایتی در چارچوب های روشمند در بیاید، منجر به پدیدارشدن انواع جشنواره‌ها و گزینش آثار برتر شده است و عملاً حرکت جدی در عرصه ادبیات پایداری خلق نکرده است.

برخی از منتقدان و پژوهشگران عرصه ادبیات پایداری معتقدند برای بهبود وضعیت این گونه ادبی باید مجموعه حمایت هایی را که از آن می شود قطع کرد. به این ترتیب این گونه ادبی نیز همچون دیگر بخش ها رشد پیدا خواهد کرد و برای بالیدن روی پای خود می ایستد. این عده معتقدند که حمایت های هدایت شده تنها موجب پرورده شدن سلایق خاص در عرصه ادبیات پایداری خواهد شد و از دیگر سو تنها عده معدود و مختصری از این حمایت ها بهره خواهند برد.

به نظر می رسد در کنار این چهار شیوه، راه پنجمی هم قرار دارد که تا به حال نادیده گرفته شده است. بسیاری از اتفاقات در وادی فرهنگ و هنر نیاز به زمان و سرمایه گذاری دارد و کمتر ناشر یا نویسنده‌ای است که حاضر باشد برای ظرف زمانی بلندمدتی سرمایه خود را راکد نگه دارد. کم نیستند آثاری که به خاطر همین مشکل در حد طرح و ایده باقی می مانند یا در حد و صورت یک اثر سطحی فرصت ظهور و بروز پیدا کرده‌اند. مراکزی که بودجه فعالیت های فرهنگی به ویژه در بخش کتاب و نشر را در اختیار دارند، می توانند به جای آن به شیوه حمایت که پیشتر مطرح شد با توجه به راه پیشنهادی منتقدان حمایت ها، این راه پنجم را پیش رو بگیرند و با ایجاد بانک سرمایه گذاری تألیف به غنی تر شدن ادبیات پایداری کمک کنند. این بانک با سرمایه گذاری برای ناشر و مؤلف در طرح هایی مشارکت می کند که زمان بازدهی آنها بلند است و اشخاص، توان استقامت در برابر فشارهای مالی آن را ندارند. درباره این طرح در شماره های آینده بیشتر خواهیم نوشت.

گزارش

# شاید چند سال بعد

سال هشتاد در کتاب هفته، میان اهل نظر وادی ادبیات پایداری نظرسنجی کوچکی انجام دادیم تا از منظر نویسندگان و منتقدان پنج کتاب ماندگار ادبیات پایداری را معرفی کنیم. علی آقاغفار در کنار کتاب هایی که همه از آن نام می برند به سختی اسم کتابی را به خاطر آورد که از منظرش کاملاً متفاوت و ماندگار بود: «غواص ها بوی نعنا می دهند» اسم نویسنده را درست به خاطر نداشت.

دیدن این کتاب مدت ها دغدغه ام بود، اما کتاب نایاب بود تا بالاخره برحسب اتفاق کتاب را در دست یکی از دوستانم دیدم. نویسنده کتاب حمید حسام بود و کمی گذشت تا نام او را در ذهنم با معاون جدید ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس تطبیق دهم.

انتقادهای زیادی به بنیاد داشته‌ام. در زمانی که علیرضا بکائی معاون ادبیات و انتشارات بود بارها با او بحث کردیم و به نتیجه نرسیدیم و حالا با تصاویری نه چندان خوشایند از فعالیت های بنیاد دوباره از پله های ورودی ساختمان هفت طبقه بنیاد بالا می روم.

سربازی که مراقبت از ورود و خروج افراد را به عهده دارد بعد از تماس کوچکی روی ورقه ملاقات می نویسد: سرهنگ حسام. آسانسور خراب است و نفس نفس زنان خودم را تک تک از پله ها بالا می کشم. زمان اداری تمام شده است اما وقتی که با حساب می نشینیم صحبت هایمان گل می اندازد. من انتقادهایم را می گویم و او تأیید می کند و می گوید: این رسم مردانگی نیست که من امروز در این جایگاه بنشینم و همه گذشته را زیر سؤال ببرم. اما بحث ما انتقاد است و یافتن چراغی فراراه آینده.

می گوید که در گذشته - زمان آقای فروغی و

چمران - واحد ادبیات با مجموعه حدود چهل نفر نویسنده نخبه طرف بود که انصافاً آثار بسیار خوبی هم در آن دوره خلق شد و به چاپ رسید. خیلی ها به این شیوه انتقاد داشتند. وقتی که آقای بکائی و افشار هم آمدند خواستند با نگاهی متأثر از فضای بسیج کار را پیش ببرند. آنها می گفتند چرا چهل نفر باید چهار میلیون نفر با اینجا ارتباط داشته باشند، اگر نه چهارصد هزار نفر و اگر نه حداقل چهار هزار نفر. این ایده آنقدر بزرگ بود که غیر اجرایی بودن آن بر کسی پوشیده نیست. خیلی ها می گفتند که با کدام پول می خواهید این عده را پوشش دهید یا کدام ایده و تفکر برتر در این مجموعه وجود دارد که بخواهد دیگران را به دنبال خودش بکشد و اگر پول و ایده‌ای در کار نیست به کدام امید این راه را دنبال می کنید. آیا نقش سیاست گذارانه شما و موقعیت ویژه‌ای که دارید برای دنبال کردن چنین ایده‌ای کافی است؟

حرف‌های حسام حرف‌های آشنایی است که بارها و بارها در محافل خصوصی نقل و نقد شده است. این حرف ها ادامه دارند و به این سادگی ها پایان نمی گیرند. گرچه می گویند دیکته نانوشته است که غلط ندارد اما فراموش نکنیم اگر کسی دیکته‌اش بیش از بیست غلط داشته باشد حتماً در امتحان مردود می شود.

گفت وگو با حسام به درازا می کشد و در آخر به سراغ بنیاد و سیاست های جدیدش می رویم و حسام می گوید: به نظر من اگر قرار است کاری انجام دهیم نقش و اهمیت شهرستان ها را نباید فراموش کنیم. آنچه تاکنون اتفاق افتاده تمرکزگرایی بوده است. مثلاً وقتی قرار است از شهرستان ها حمایت کنیم باز هم آثار آنها با فضای مرکز سنجیده می شود و کارشناسان مرکز درباره کار آنها نظر می دهند. در صورتی که ادبیات اقلیمی در اینجا معنا و اهمیت پیدا می کند. بسیاری از کتاب ها و نوشته ها شاید برای مرکزنشینان جالب و مهم نباشد اما همین اثر در شهرستان محل تولد مخاطبانی با شمارگان زیاد داشته باشد چرا که ادبیات یا موضوع برای آنها آشنا است.

شاید چند سالی طول بکشد تا بتوانیم این نگاه جدید را در بدنه بنیاد و فعالیت هایمان جاری و ساری کنیم اما به نظرم این موضوع آنقدر اهمیت دارد که بخواهیم با جدیت آن را دنبال کنیم.

وقت رفتن می رسد، برگه ورودی را به حسام می دهم تا برایم امضایش کند. حسام می گوید: کاش روزی بتوانیم این تشریفات اداری را کنار بگذاریم و با همان خود کاری که برگه را امضا می کند، توی صفحه اول کتاب «راز نگین سرخ» که از مجموعه نوشته هایش است، می نویسد: «تقدیم به دوست و برادر صمیمی‌ام.»

کتاب

## دو کتاب از روایت فتح

### روزگاران به ۲۰ رسید

**روزگاران کتاب خلیج فارس، به کوشش: ریحانه امینی، ناشر: روایت فتح، ۱۱۲ صفحه، شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه، چاپ اول: ۱۳۸۳، قیمت: ۷۰۰۰ ریال.**

«روزگاران...» مجموعه‌ای است با نصاویر پاره پاره و کوتاه از فضای جنگ. گردآورندگان این مجموعه در پی آن هستند که پازلی از فضای جبهه و نبرد در ذهن خواننده خود بیافرینند تا او با تلاش خود قطعات این پازل را به یکدیگر پیوند دهد و تصویری از جنگ در ذهن خویش بسازد. مخاطب روایت فتح در این مجموعه بیش از آنکه رزمندگان باشند، کسانی هستند که از جنگ تجربه‌ای ندارند.

«کتاب خلیج فارس» بیستمین اثر از این مجموعه است که به دست چاپ سپرده شده و به بازار نشر وارد شده است.

روایت فتح در معرفی این مجموعه آورده است:

«در دریا، به هر طرف نگاه می کنی، آب است و آب. اگر توفان بالا بگیرد، اگر قایقت سوراخ شود، اگر تیر بخوری، هیچ کس را نداری که کمکت کند، جز او. برای همین، انگار دریا فاصله ها را کوتاه می کند؛ فاصله های میان خالق و مخلوق را این مجموعه، صد برگ است از دفتر خاطرات بی شمار جنگ، یادی از آنان که به دریا زدند و خطر توفان، کوسه، آتش دشمن و غرق شدن را به جان خریدند.»

### دو نام کافی است: صبرا و شتیلا

**آریل شارون: جاودانگی خون‌بار، نویسندگان: حسن وهابیان، احسان باکری، ناشر: روایت فتح، چاپ اول: ۱۳۸۳، شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه، ۲۰۰ صفحه، قیمت: ۱۷۰۰۰ ریال.**

آریل شارون بی شک یکی از مشهورترین و سفاک‌ترین چهره‌هایی است که نامش با تاریخ فلسطین و اشغال و تشکیل حکومت اسرائیل همراه بوده. فاجعه قتل عام مردم مظلوم فلسطین از مبارز و غیرمبارز، چه پیر و چه جوان و چه کودک، هم زن و هم مرد، در اردوگاه صبرا و شتیلا به دستور مستقیم او صورت گرفت.

آنها که مبارزه مردم فلسطین را پاس می دارند نام شارون را در کنار صبرا و شتیلا می گذارند تا هیچ وقت یادشان نرود که او با مسلمانان مظلوم چه کرد. در این کتاب زندگی آریل شارون بازگو شده است، و به قول روایت فتح: این کتاب مروری است بر زندگی آریل شارون، نظامی و سیاستمدار صهیونیست.

خانواده او، شایزمن ها، از روسیه به فلسطین کوچ کردند و بعد نامشان را به شارون عوض کردند. آریل در فلسطین بزرگ شد، تیراندازی آموخت، در جنگ های اعراب و اسرائیل، بی رحم و خشن جنگید، وارد سیاست اسرائیل شد، ائتلاف و فریب را فرا گرفت و بارها به کار برد. نخست وزیر شد؛ نخست وزیری که بزرگترین حامی شهرک‌سازی است و در عین حال همیشه وانمود می کند آماده است بر سر شهرک ها مذاکره کند. بی شک حتی اگر در کارنامه‌اش هیچ چیز جز دو کلمه صبرا و شتیلا نمی یافتیم، کافی بود که او را در تاریخ ماندگار بدانیم، اما اکنون کارنامه او آکنده از این دلایل جاودانگی‌اند؛ جاودانگی ای خون بار.»

## دو کتاب از روایت همسران

«نیمه پنهان ماه ۸ (شهید کلاهدوز)» و «نیمه پنهان ماه ۹ (شهید چراغچی)» در انتشارات روایت فتح منتشر شد.

«نیمه پنهان ماه ۸» کتابی است پیرامون شهید یوسف کلاهدوز که توسط همسرش روایت می شود. همچنین «نیمه پنهان ماه ۹» نیز کتابی است که به زندگی شهید ولی الله چراغچی از زبان همسرش روایت می پردازد. انتشارات روایت فتح از این مجموعه پیش از این ۷ کتاب دیگر منتشر کرده که به خاطرات همسران شهیدان اختصاص دارد.

### وقتی حوادث به هم می پیوندند

**نیمه پنهان ماه؛ عبادیان به روایت همسر شهید، نویسنده: حبیب امامی، چاپ اول: ۱۳۸۲، شمارگان: ۵۵۰۰ نسخه، ۷۲ صفحه، قیمت: ۶۰۰۰ ریال**

شنیدن روایت های متفاوت از جنگ آنچنان حلاوتی دارد که نمی توان لذت آن را با هیچ چیز دیگری مقایسه کرد. روایت همسر شهید محمد عبادیان از زندگی سردارش با حادثه تلفنی آغاز می شود:

«محمد، حمیدرضا دی شب رفت. سوار هواپیما شد و رفت. رفت که یادش برود تو پدرش بوده‌ای. به قول خودش، رفت تا حقش را از زندگی بگیرد.... چرا خودت نیامدی جواب حمید را بدهی؟ کجا بودی آن روز که از من پرسید به چه حقی تمام بچگیمان را زیر سایه بمب و موشک هدر داده‌اید؟ من و تو، خودمان آن زندگی را انتخاب کردیم، ولی بچه ها چه؟ آنها مجبور بودند مثل ما زندگی کنند.

می دانی، حمید هیچ وقت تو را نبخشید....»

راسته کتابفروش‌ها

نصرالله حدادی

# نیشتر بر درد کهنه

گاهی ملاحظات گوناگون، اجازه نمی‌دهند آنچه که در دل داریم، به زبان یا قلم آوریم و شاید به همین دلیل است که گفته‌اند: جز حق نباید گفت، هر حق نشاید گفت.

من هر گاه در این ستون خواسته‌ام مطلبی را بیان کنم، با چند تن به مشاوره برآمده، نظر چند نفر را جویا شده و دست‌نوشته‌ام را در اختیار دوستانم قرار می‌دهم تا به بیراهه نروم و ادعائی ندارم که نرفته‌ام، اما گاهی احساس می‌کنم بیان مطلب غیر متعارفی را جرأت دوچندان لازم است.

آنچه را که از صبر درد، در شماره شنبه ۱۷ بهمن، صفحه ۷، تحت عنوان «تکیه به میراث گرانبهای ادبی» نوشتم، ملاحظاتی چند را در پی داشت و تمامی آنچه را که در ذهن داشتم و باور دارم، نبود و نخواستم خدای ناکرده شائبه‌ای را رقم زند و هم‌آوایی با برخی برداشت‌ها شود.

متأسفانه سال‌هاست برای تسویه حساب در زمینه‌های مختلف گذشته دیگران را به رخ می‌کشیم و در همین جا بگویم که مرا با آنها کاری نیست، چون نه مثل آنها می‌اندیشم و نه معتقدم برای گناه یا خطایی باید تمام عمر، تاوان داد و آموخته‌ام، گذشت، صفت اولیای دین حنیف ماست و ضمیر خداجو، با انتقام و تسویه‌حساب کاری ندارد؛ امیدوارم که خداوند ما را به خود «انگذارد» و هرگز از جاده انصاف و ایمان به حق منحرف نگردیم.

دوست نادیده، اسماعیل امینی، تحت عنوان «از قلم کمترین دانشجوی استاد مظاهر مصفا» عنایت و لطفی به بنده در شماره ۲۴ بهمن ص ۲۳ داشتند که جز سپاس، چیزی ندارم «اَبراز دارم و با اشاره به فرمایشات استاد، دو صد چندان به باورم افزودند.

عین حقیقت و مطابق واقعیت است کلام استاد مظاهر مصفا: «... بچه‌ها اگر کسی تمام شاهنامه را بخواند دیگر هر کلام بی‌در و پیکر و سست را شعر نمی‌نامد.

و چه زیباتر «در میان این همه، کسانی که متنسب به ادبیات فارسی‌اند کمتر کسی است که شاهنامه را از آغاز تا انجام خوانده باشد...».

من سال‌ها پیش میزان علاقه استاد مظاهر مصفا به ادبیات کهن کشورمان -که هرگز به شرف دیدارشان نائل نشده‌ام- را باور کردم و ایمان آوردم، آنگاه که فهرست بر کتابت سعدی، چاپ انتشارات معرفت را مشاهده کردم، رنج تهیه آن فهرست گونه‌گون، مگر از عشقی سرشار، امکان تحقق بیابد و آنکه دل در گرو مهر فردوسی و سعدی نهاد، دیگر از سرزنش خار مغیلان؛ زخمی به دل راه نمی‌دهد.

من هر گاه مقدمه زنده‌یاد دکتر غلامحسین یوسفی را بر گلستان و بوستان سعدی می‌خوانم، به عظمت و بزرگی آن بزرگوار بیشتری می‌برم و «فردوسی»استاد محمد امین ریاحی، اشک به چشمانم می‌آورد و آنگاه است که از خود می‌پرسم، چگونه می‌توان بر این بزرگان تاخت و شأن و منزلتشان را منکوب کرد؟

با حب و بغض‌های این روزگار، مرا کاری نیست، اما چگونه می‌توانم باور کنم، داعی‌دار میدان شعر و سخن بود و گفت: «شما فکر می‌کنید نظامی خسرو شیرین را در چه مدتی نوشته است؟ ظرف چند ماه یا چند سال؟ با هر قصه می‌توان به اصطلاح شعری را شروع کرد، نصفش را مرور قبل از ظهر، بعد ناهار، بعد غروب و چندی دیگر و بقیه‌اش را هم گذاشت برای هر وقتی که فرصتی دست داد. این دیگر شعر نیست، فقط تکنیک و تسلط بر زبان است. هر چند که ظرافت‌هایی هم ممکن است داخل آن مشاهده شود، اما شعر ناب نیست. شعر هم قاطی دارد. شعر نیست. کما اینکه بر همین اساس من معتقدم که فردوسی هم شاعر نیست. خیلی کوتاه کوتاه نکته‌هایی دارد که به بیان و نگاه شاعرانه نزدیک است، ولی اصلاً شعر نیست.

هر کسی می‌تواند عقیده‌ای داشته باشد و دلیلی ندارد، آنچه را من نمی‌بینم، دیگران نیز نبینند و ببینند من، دلبسته دیگران نیز باشد، اما نه کجا می‌توان به خود جرأت داد و به آنکه طی قرون و اعصار با همه تحولات به وجود آمده سرافراز از تمام امتحان‌ها بیرون آمده، این چنین غیر متعهدانه تاخت و بر مسند شاعری، فردوسی را شاعر ندانست؟

فردوسی بزرگ از ترکان خز تا ناهلان روزگار ما، مورد بی‌مهری قرار گرفته، هرچند که نه از خزها، و نه از ناهلان انتظاری است، بلکه انتظار از آنانی است که به روزگار ما با بوق و کرنا میدان‌دار شعر و شاعری شده‌اند و به پندار عده‌ای حافظ روزگار ما هستند.

و بر من غریب است که بتوانم باور کنم که با حافظ قابل مقایسه‌ای و بر فردوسی و سعدی می‌تازی!

و این چنین است که درس انشاء غریب‌تر از همیشه جلوه‌گر می‌شود و چه خوش گفته است، استاد مظاهر مصفا: «با این وضع آموزش ادبیات فارسی دیری نخواهد پایید که برای خواندن گلستان و بوستان هم نیازمند معلم خارجی خواهید شد».

عدم تعهد، بی‌بندوباری می‌آورد و پرده‌دری، لجام‌گسیختگی را دامن می‌زند و «امر به ماستبند» می‌شود؛ که دریی کشف شهود برآییم و چه بهتر که به عرصه ادبیات رو آوریم و شعر اختراع کنیم.

کوتاه کلام؛ آن‌که خواست بداند فردوسی کجاست و سعدی چه تأثیری در روزگار ما دارد، کافی است به همین محاورات عادی مردم گوش بسپارد، تا بداند پایه آنان کجاست و مایه بی‌مایه‌های روزگار ما، به رغم تمامی بوق و کرنا‌ها، در حد تام است و برای جیفه دنیای است.

استاد مجتبی مینوی و زنده‌نام غلامحسین یوسفی چه خوش گفته‌اند: می‌گویند شکسپیر در زبان انگلیسی و مردم انگلیسی‌زبان چندان نفوذ کرده است که پیش از چهارصد و پنجاه جمله از کلمات او در بیان عموم مردم راه جسته و مَثَل سایر شده است و قریب به دو هزار عبارت و شعر وی در ذهن مردم تربیت‌شده، جایگزین است و مورد استشهاد واقع می‌شود. سعدی در زبان فارسی نظیر چنین شأنی را دارد. با یک نگاه به فهرست امثال و حکم گلستان... بیش از چهارصد جمله و بیت می‌توان یافت که در زبان فارسی حکم مثل پیدا کرده، خاصه در زبان اهل ادب»۱

من باور دارم مردم سره از ناسره تشخیص می‌دهند و شاید بتوان در کوتاه زمانی، مردم را فریب داد و به سمت و سوی خود کشید، اما برای همیشه خیر.

فردوسی می‌دانست «کاخ بلند او از نظم، از باد و باران روزگار و طعنه نااهلان دهر، گزندی نمی‌یابد و بی‌اعتنا‌ئی او اُلُس و اساس، فرهنگ و هویت ما خواهد شد.

به همین گونه سعدی بزرگوار، همچون حافظ شیرین گفتار و نظامی حکیم- آنکه عشق زمینی را چه زیبا در خسرو شیرین به نظم کشیده است- و چه بی‌دوفند آنان که او را شاعر نمی‌دانند و من همواره تأسف خورده‌ام، چرا مقام علمی و ادبی حکیم نظامی گنجوی مهجور و غریب مانده است و در تمامی کلیات او، حتی یک کلام به دور از ادب نمی‌توان مشاهده کرد.

به هر رو، آنچه گفتم، کلامی از سر درد بود و بیگانگی نسل ما با ادبیات کهنمان را حکایت داشت و به هیچ وجه قصد و غرض تخطئه و طعنه را ندارم و به یقین «آن که معشوق من است؛ شاید در دیده دیگری «زشت بنماید»، همچون شکم سیر و طعنه زدن بر نان جوین.

به باور من، هر کسی می‌تواند عقیده‌ای داشته باشد، اما من دلیلی نمی‌بینم به عقیده‌ای که کارش سُخره گرفتن ارزش‌هاست، احترام بگذارم.

خرده‌گیری بر فردوسی بزرگ و سعدی خداوند سخن، بر من ناگوار است و باور دارم:

بزرگش نخواند اهل خرد
بر آن کس که نام بزرگان به‌زشتی برد

امیدوارم نیشتر من بر درد کهنه بیگانگی نسل ما با ادبیات کهنمان، سرآغازی باشد بر گفت‌وگوی سالم و بدون غرض پیرامون آن و آرزومندم، آنکه نوشته من را در این مقاله برنتافت، فرصت یابد و پاسخ گوید.

**پی‌نوشت:**

۱- مقدمه زنده‌یاد استاد غلامحسین یوسفی بر گلستان سعدی، ص ۳۸.

یادداشت

محمود معتقدی

## نگاهی دیگر به عادت می‌کنیم

# پشت شیشه‌های زمستانی!

رمان «عادت می‌کنیم» در کارنامه کار زویا پیرزاد، اثری است با ساختاری واقع‌گرایانه و زبانی خطی و ادامه‌ای ساده که با کشش موضوعی متوسطی، مخاطب را به فضاهایی کاملاً آشنای شهری و بدون هیچ پیچ و خمی به مقصدی خوش می‌برد و تنها فضای در خشان این زمان، همانا لحظه‌های پایانی قصه است که در باران زمستانی، با همه ناگامی‌ها، سرانجام آرزو و شیرین به جمع کام‌روایان صحنه‌های زندگی برمی‌گردند.

فضای داستان که از پشت شیشه‌های یک آژانس مسکن می‌گذرد، در واقع نوعی بازنمایی زنانه است که با نگاه مردانه، حکایت زندگی ۳ نسل است که به نوعی دشواری‌های شرایط اجتماعی و اقتصادی، آنان را در برابر هم قرار داده و در گذر از رنج‌های جاری این نسل میانه (آرزو) است که با این همتی را تنها به دوش می‌کشد. «ام‌منیر همسر آقای صارم»، صاحب آژانس مسکن، دارای شخصیتی سطحی و پر از تضاد و ناکامی است. وی در فضای شکننده خانواده با ایرادها و سست‌گیری‌های یکسویه و خودخواهانه‌اش، نماینده نسل سوم (آبه) را در شورش علیه باورهای «مادرش» (آرزو) مورد حمایت قرار می‌دهد و عملاً مخاطب با دو جبهه از رفتارها و خاستگاههای زنانه روبه‌رو است. یک جبهه آرزو (با حدی هم شیرین) و جبهه مقابل پیوند «مادربزرگ و نوه» است که عرصه هر نوع تصمیم‌گیری از سوی آرزو را تنگ و تنگ‌تر می‌کند.

در این عرصه، موقعیت چهره‌ها، و یا به عبارتی زنان اصلی قصه از این قرار است:

۱) «ام‌منیر» همسر آقای صارم صاحب آژانس صارم که از فرزندان و نوادگان خاندانی اشرافی و قاجاری است و پز دادن و افاده‌های زنانه‌اش هم برگرفته از چنین موقعیتی است.

۲) آرزو، دختر آقای صارم که ۳۱ سال دارد، و از شوهرش که «دارای دکترای فلسفه» است و در ضمن از سوی دیگر پسرخاله‌اش هم به حساب می‌آید، جدا شده و ثمره این ازدواج ناموفق، دختر بیست سال‌هاست به نام «آبه» که مادرش در میان هاله‌ای از تردید، می‌خواهد او را پیش پدرش به فرانسه بفرستد.

۳) آبه، دختر آرزو دانشجو و نمونه چهره تازه‌ام نسلی است که از طریق فضاهای اینترنت و شرایط دشوار فرهنگی و اجتماعی در موقعیتی ناسازگار از هویت خویشتن خویش بشدت دور می‌شود. وی فکر می‌کند در این شرایط کسی او را درک نمی‌کند و به همین جهت برای یافتن همزبان، به چت کردن و وبلاگ‌نویسی روی می‌آورد و با بچه‌های «طلاق» به درد دل و مبادله اطلاعات می‌پردازد.

۴) شیرین، دوست نزدیک آرزو است که در یکی از خریدهای مسکن، با آرزو آشنا می‌شود و از آنجایی که به لحاظ زندگی سرنوشتی شبیه دنیای تازه‌ام آرزو دارد، در آژانس صارم، به‌عنوان حسابدار مشغول به کار می‌شود وی تنها دوست نزدیک آرزو هم به شمار می‌آید. شیرین، در این عرصه تنها خودش است و از خانواده‌اش حرف و سخنی در بین نیست، با مردی به نام اسفندیار که روزگاری روشنفکری دوآتشه بوده، نزد دوستی می‌بازد، اما پس از مدتی به علل نامعلومی، اسفندیار ناپدید می‌شود و سر از بیرون مرزها درمی‌آورد و در نتیجه رابطه‌اش با شیرین قطع می‌شود.

۵) سهراب زرجو وی که از مشتری‌های آژانس صارم است، از طریق آرزو برای دیدن آپارتمانی قدیمی با وی آشنا می‌شود وی از معماری عامّه خوشش می‌آید و قصد خریدش را دارد. در این میانه با آرزو هم رابطه عاطفی جدی‌ای پیدا می‌کند. زرجو ادعا می‌کند که طی چند نسل در امر فروش قفل و کلید در حوالی تویخانه دارای مغازه بزرگی است و با اینکه در خارج از کشور در رشته پزشکی درس می‌خوانده، آن را رها کرده و به وطن بازمی‌گردد و به تاجار شغل خانوادگی را ادامه می‌دهد. زرجو دارای سلیقه‌های بخصوصی است و اهل گردآوری اشیاء و آثار قدیمی و باستانی است. بخصوص سر ستون‌ها و قرنیزهای ساختمان برایش جاذبه فراوانی دارد. اما حضورش در زندگی آرزو آن هم پس از شکست در ازدواج اول آرزو، خالی از اشکال نیست. چراکه «ام‌منیر و آبه هیچ‌کدام تمایلی به ازدواج سهراب زرجو با آرزو ندارند. اما با رفت‌وآمدهای فراوان در پایان قصه، درمی‌یابیم که آرزو تصمیم می‌گیرد، قضیه این پیوند را برای خانواده‌اش قاش کند که البته با عکس‌العمل مناسبی هم روبه‌رو نمی‌شود و این مقوله تا پایان هم همچنان در سایه می‌ماند.

۶) چهره‌های جانبی؛ همچون تهمینه که یک برادرش در جبهه شهید می‌شود، برادر دوم هم به خاطر فعالیت‌های سیاسی‌اش اعدام می‌گردد و سومی هم که سهراب نام دارد قربانی دنیای اعتیاد می‌شود که سرانجام در اثر کوشش‌ها و هزینه‌های سهراب زرجو از این مهلکه نجات پیدا می‌کند.

«عادت می‌کنیم» یک قصه ساده و بدون تمهیدات جدی داستانی است که در آن سیر حوادث در فضایی شکننده و بشدت زنانه جریان دارد که به لحاظ ارزش‌های تکنیکی و زبانی، بی‌گمان اتفاق تازه‌ای نیست، جز دریان گفت‌وگوها که با نوعی گسست و ناتمامی همراه است که این شکرد البته کار چشمگیری به حساب می‌آید.

بی‌گمان در این ساختار ساده مخاطب با این بست جدی‌ای روبه‌رو نیست و هر چه زمان می‌گذرد تنها طرح و بیان موقعیت اینجا و اکنون است که طی آن نسل جوان در برابر نوعی بی‌هویتی و پوچی تسلیم و به فرهنگی دیگر جنگ می‌اندازد که بی‌شک از آن وی نیست که در واقع نوعی شکست و گریز را نویسنده به داوری می‌گذارد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد آدم‌های بحران‌زده در درون این متن، همواره در سطح حرکت می‌کنند و نویسنده برای رساندن پیامی تازه چندان از دیگر لایه‌های داستانی سود نمی‌گیرد. اغلب هم‌دردی و همراهی خواننده، با آدم‌های متن، عمیق به نظر نمی‌رسد به همین جهت مخاطب در چنین فضایی مایل است، لطف و شیرین یک فضای داستانی را در کنار هم، تجربه کند و آدم‌های مثبت و منفی را در فضایی مشترک ببیند. چراکه مشکل زنان متن، یک مقوله آشنامت و ریشه در بحران فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد که از سوی نویسنده چیز دندانگیری درباره برون‌رفت از این فضا عرضه نمی‌شود. گفتنی است که دامن زدن به فرهنگ لمپنی و بهره‌گیری از زبان مخفی که این روزها در میان جوانان بشدت رایج شده است تا حد زیادی در شخصیت‌پردازی آدمی مثل آبه که حتما بعد جدی و مثبتی هم می‌تواند داشته باشد که این مقوله چهره نسل امروز را بشدت آسیب‌پذیر می‌کند. به عبارت دیگر نویسنده به همه ابعاد چهره‌های آدم‌های متن نمی‌پردازد.

در این میان باور زنانی همچون شیرین و ام‌منیر که ریشه در شکست و ناپیوری فردی‌شان دارد، بدرستی نمی‌تواند بیانگر همه مسائل و مشکلات زنان جامعه ما باشد. آن ستمی که همواره در اینجا و اکنون بر زنان می‌رود، تنها در عاشق شدن و عاشق نشدن، و یا یافتن «آسیرین» نیست، بلکه بسیاری از عوامل آشکار و پنهان دیگر نیز در این چشم‌انداز دشوار تاریخی سهیم هستند که در این متن، مخاطب با هیچکدامشان از نزدیک آشنا نمی‌شود. به عبارت دیگر، برش‌هایی که نویسنده آن را به مرزهای داستانی فراخوانده، اغلب معلق و بدون تمهیدات عمیق داستانی‌اند. عادت از پشت شیشه‌های «آلود آدم‌های درون متن را در فضاهایی نصفه، نیمه مطرح می‌کند که زمینه‌های منطقی آن، با شروع‌های دلنشینی همراه نمی‌شود.

در چشم‌انداز «عادت می‌کنیم» تنها «گیر دادن» و ناخشنودی آدم‌ها از یکدیگر فضاهای عاطفی و انسانی را بشدت آسیب‌پذیر می‌کند. لذا می‌بینم گذشته آدم‌ها همواره فراموش می‌شود و تنها بیش‌های از زندگی اکنونشان در یک سلسله از روابط غلیظ‌ای، مطرح می‌گردد.

رمان «عادت می‌کنیم» با ریتم و آهنگ نرم خود، می‌تواند خوانندگان متوسط رمان‌های فارسی را راضی کند، به‌ویژه آنانی که از پی کارهای دیگر نویسنده، به سادگی زبان و موضوع قصه نظر مثبتی دارند. اما واقعیت و دگرگونی‌های زبانی و تکنیکی در داستان‌نویسی امروز، به گونه‌ها و ظرافت‌های دیگری هم توجه دارد. لذا نویسنده امروز، در فضاهای مدرن و در برخورد با همسنی زبان، نیازمند به کارانداختنی و بازآفرینی بیش‌های تازه‌ای از واقع‌نمایی است. اما این مسأله به هیچ وجه به معنی تقلید از واقعیت‌های بیرونی نیست. آنگاه یک اثر هنرمندانه می‌شود که نویسنده و خالق آن، در تصرف واقعیت‌ها، چنان بیش بتازد که واقعیت‌های تازه‌تری با فرم‌های دیگری، مخاطب را به تفکر و لذت هنری بکشاند. در رمان «عادت می‌کنیم» بی‌گمان واقعیت‌های بیرونی، بر واقعیت‌های داستانی پیشی می‌گیرند و بسیاری از بایدها و نبایدها، در سطح می‌گذرند و از میان دیگر جنبه‌ها، تهیه جنبه دانستگی و بار اجتماعی است که بر شانه‌های داستان سنگینی می‌کند. بنابراین در جریان نشان دادن تقابل ۳ نسل، نویسنده از نشان دادن لایه‌های درونی، شخصیت‌پردازی، بیان عواطف، ابعاد گوناگون حس زنانگی، پالودگی زبان داستان، ایجاد پاسازهای لازم، عمده کردن بعضی از رابطه‌ها، ندیدن گذشته آدم‌ها و... به قول معروف سنگ تمام نمی‌گذارد. «عادت می‌کنیم» حکایت روزمرگی از پشت شیشه‌های زمستانی است.

عادت می‌کنیم، زویا پیرزاد، نشر مرکز، مرداد ۱۳۸۳.

ویژه

لیلا تیرانداز

# راهی به دنیای کودک

**«بچه‌ها چطور با رخدادهای ناگهانی زندگی کنار می‌آیند؟ حوادث بزرگی که سرنوشتشان را زیر و رو می‌کند، اما آنها مجبورند به زندگی ادامه بدهند...»**

**این پرسش همیشگی موریس سنداک است؛ مشهورترین، محبوب‌ترین، پیشروترین و یکی از تأثیرگذارترین تصویرگران و نویسندگان کتاب کودک در عصر ما.**

Maurice Sendak

### دوران کودکی

موریس سنداک، پسربچه مریض احوال یک خانواده تنگدست، در دهم ژوئن ۱۹۲۸ در محله بروکلین نیویورک به دنیا آمد. خانواده یهودی لهستانی الاصل او، قبل از جنگ جهانی اول به آمریکا مهاجرت کرده بودند و در تمام سال‌های دهه ۱۹۳۰-۲۰ خانه آنها از بستگان فراری و مهاجر پر و خالی می‌شد. موریس بیشتر دوران کودکی را در خانه گذراند: «هر وقت می‌خواستم بیرون بروم و کاری بکنم، پدرم می‌گفت: نرو، سرما می‌خوری. و سرما هم می‌خوردم.»

پدر اما خیلی مهربان بود؛ یک قصه‌گوی کم‌نظیر، که موریس و خواهر و برادرش را با کتاب و قصه آشنا کرد و قوه تخیل آنها را پروراند.

مادر هم همیشه نگران و مراقب پسر کوچولوی عزیزش بود. مثل ماه رنگ‌پریده‌ای که در بیشتر آثار سنداک، از یک پنجره به کودک قهرمان داستان می‌نگرد. کودکی موریس سرشار بود از خاطرات دهکده خانوادگی در لهستان که موریس هرگز آنجا را ندید اما به نیروی تصاویری که ذهن غنی پدر و مادرش از آن می‌ساختند، از مناظر، صداها، بوهای دهکده و ماجراهایی که خود تجربه نکرده بود، الهام می‌گرفت. گذشته از آن، بستگانی هم که یکسر به خانه آنها می‌آمدند بر او تأثیر می‌گذاشتند. آنها پسر کوچک را محکم بغل می‌کردند و می‌بوسیدند و به زبانی که برای او نامفهوم بود حرف می‌زدند، قیافه و لباس‌هایشان برای او بیگانه بود و از همه بدتر... غذای ناچیز خانواده را می‌خوردند.

شخصیت‌های کتاب «آنجا که وحشی‌ها هستند» با الهام از این بستگان خلق شده‌اند.

بسیاری از اعضای خانواده، در جنگ جهانی دوم، در لهستان کشته شدند و مرگ آنها تأثیر زیادی بر خانواده و بر موریس جوان گذاشت.

سنداک بعدها صادقانه گفت که در آثارش خواسته است کودکی خود را تصویر کند. یک کودکی پر از

کمبودها، ترس و ملالت. در محله بروکلین نیویورک، بروکلینی که موریس می‌شناخت، بچه‌ها از دوی تابستانی نداشتند و به حال خود رها شده بودند. زندگی در این محله، بیماری و خانه‌نشینی و فقر و حضور بستگان مهاجر بر سفره کوچک خانواده، مُهر خود را برای تمام عمر بر زندگی موریس زد: «نمی‌توانم دقیقاً بگویم چرا ولی من هنوز آن سال‌ها را از صافی می‌گذرانم و به هنر تبدیل می‌کنم.»

در همسایگی آنها دختری بود به نام «رزی». در سال‌های تیره جنگ دوم جهانی، رزی خود و تعداد زیادی از بچه‌های محله‌اش را با نمایشنامه‌ها و مهمانی‌ها سرگرم می‌کرد.

«رزی، راه فرار من از آن زندگی دردناک بود، روزنه‌ای بود به دنیایی دیگر، تنها نگاه کردن به او، ورود به یک دنیای دیگر بود؛ در همه کتاب‌هایی که من بعد از ۱۹۴۹ نوشته‌ام، چیزی از رزی هست. در خانه رزی بود که خورشید هنر بر من طلوع کرد و دریافتم راه بقای من هنر است.»

موریس، دوازده ساله بود که با خانواده‌اش به دیدن فیلمی از والت دیسنی رفت. این دنیای متحرک سراسر خلق شده از موجودات خیالی، اثر بزرگی بر او نهاد.

موریس دبیرستان را دوست نداشت اما از همان دوران نقاشی می‌کرد.

### نوجوانی

موریس، بعد از پایان دبیرستان به دانشگاه نرفت و در ماهنامه‌ای کاری به عنوان طراح ویترین پیدا کرد. چهار سال، روزها کار می‌کرد و شب‌ها به کلاس‌های «مجمع هنری دانشجویان نیویورک» می‌رفت. در همین دوران به تصویرگری کتاب‌های کودک پرداخت و به سردبیر معروف اورسولا نوردستروم Ursula Nordstrom معرفی شد. اورسولا، تحت تأثیر کارهای او قرار گفت و تصویرگری یک مجموعه کتاب کودک را به او سپرد. در این زمان، موریس بیست و سه ساله بود و راه خود را در زندگی آغاز کرد. از آن زمان تاکنون بیش از ۹۰ کتاب را تصویرگری یا تألیف و تصویرگری کرده است که میلیون‌ها نسخه از آنها در سراسر جهان، به زبان‌های مختلف به فروش رسیده است!

بچه دانشگاه ندیده محله بروکلین، امروز محبوب‌ترین نویسنده کودکان آمریکاست و مهمترین جوایز ادبیات کودک جهان را به کف آورده است. از مدال کالدکوت Caldecott تا جایزه هانس کریستیان آندرسن.

خود او با زهرخند می‌گوید: با این همه فقط یک تصویرگر کتاب‌های کودک!» موریس سنداک از چهل سال پیش با این طرز تفکر که بین تصویرگری کتاب کودک با دیگر هنرهای زیبا فرق می‌گذارند و آن را هنری نازل‌تر می‌دانند، مبارزه کرده است.

وقتی بالاخره در ۱۹۹۷ «مدال ملی هنرهای آمریکا» را به دست آورد، آن را اولین جایزه بزرگسالی خود خواند و به طنز گفت: «این مدال نشان می‌دهد که بالاخره در گروه بزرگسالان پذیرفته شده‌ام!»

سنداک به تلخی افزود: «امامن احتیاجی به آن ندارم. این تبعیض بین هنرهای زیبا تا حد مرگ آزارم می‌دهد، حالا دیگر برای من، فقط کارم اهمیت دارد.»

مبارزه‌ای که سنداک شروع کرد هنوز ادامه دارد. سردبیر «موزه کتاب‌های مصور ادیک کارل» می‌گوید: قرار نیست این تغییر یکشبه رخ دهد اما دارد رخ می‌دهد. مردم آرام آرام این ژانر هنری را به رسمیت می‌شناسند. تغییر در راه است.

### دوست بچه‌ها

«من زندگی‌ام را وقف آن بچه‌های غیر متعارفی کرده‌ام که آب دماغشان سرازیر است و حتی قبل از اینکه کتاب‌هایشان را خوانده باشند، روی آنها می‌ریزد.» آثار سنداک سرشار از احترام عمیق به این بچه‌ها و همه کودکان است.

بچه‌هایی که بار سنگین زندگی بر شانه‌های کوچکشان قرار می‌گیرد و باوری هم ندارند. سنداک می‌گوید: «با کسی هم نمی‌توانند حرف بزنند. پدر و مادرها هول می‌شوند و بچه‌ها را وادار به سکوت می‌کنند... بچه‌ها دوران سختی را می‌گذرانند. در برابر آنچه دنیا با آنها می‌کند؛ برای زنده ماندن باید شجاع باشند و دنیا... دنیا خشن‌تر، دردناک‌تر و خطرناک‌تر از همیشه است.»

در کتاب «همه با جک و گای در زاغه» سنداک واقعیت تلخ کودکان بی‌خانمان را بی‌پرده در برابر چشم خواننده می‌گذارد. کتاب اینطور شروع می‌شود: «موش‌ها بچه گربه و بچه کوچولوی بیچاره را دزدیدند...»

این کتاب، روایت موریس سنداک از یکی از قصه‌های نه غازه است. عنوان‌های درشت روزنامه‌هایی که بچه‌های بی‌خانمان به دور خود پیچیده‌اند، فقر، جنایت، بیکاری و ایدز را در جامعه نشان می‌دهد. همه این مسائل اجتماعی به شکلی هنرمندانه در تصویرهای سنداک مطرح می‌شوند و گسترش می‌یابند. تأثیر کتاب را بر گروهی از شاگردان کلاس پنجم دبستان یک مدرسه در حومه دالاس نگراس برای شما نقل می‌کنیم (از کتاب از روزن چشم کودک صفحه ۱۹۲).

«همه کودکان واکنش خود را نسبت به تصویرها بیان کردند و توضیح دادند که چرا این کتاب را دوست دارند یا ندارند. جالب است که همه کودکان کتاب را دوست داشتند:

- من این کتاب را دوست داشتم، چون من کتاب‌هایی را دوست دارم که به خواننده نیز هوش نیاز دارد و تصویرهایش دارای پیام پنهان است.

- من این کتاب را دوست داشتم چون خواننده مجبور می‌شود تکه‌های داستان را کنار هم بچیند.

- من معنای پنهان داستان و تصویرهای آن را دوست داشتم. اما داستانی که درباره مردم فقیر باشد، داستان غم‌انگیزی است.

- من روشی را که نویسنده پاره‌های این داستان را کنار هم قرار داده و با هم جور در آمده‌اند دوست داشتم.

- سنداک با کاغذ بازیافتی و شعر بازیافتی، داستان جدیدی درباره گرسنگی و بی‌خانمانی خلق کرده است. فکر می‌کنم این خیلی اهمیت دارد.

همه کودکان نسبت به تصویر کودکی که درخواست کمک می‌کند و یا کودکانی که درون زاغه‌ها

کتاب

# آنجا که وحشی‌ها هستند

## معرفی مشهورترین کتاب تصویری قرن بیستم

«آنجا که وحشی‌ها هستند» معروفترین کتاب موریس سنداک، یکی از آثار کلاسیک ادبیات کودک جهان است؛ منتشر شده در ۱۹۶۳ و برنده مدال کالد کوت Calde cott در ۱۹۶۴ به عنوان «برجسته‌ترین کتاب تصویری سال».

بیش از چهل سال از انتشار کتاب می‌گذرد، اکنون دیگر سخن نه از تأثیر آن بر ادبیات کودک، بلکه از اثری است که در چند دهه بر زندگی خوانندگان جوان خود گذاشته است.

ماکس کوچولو، یک شب لباس گرگی خود را پوشید (در پوست گرگ رفت) و هرآنچه را نباید بکند، کرد: با چنگال، سگ را فراری داد و مادرش را تهدید کرد و... به این ترتیب از شام محروم شد. درست همان موقع در اتاقش جنگلی روید و سرزمینی تازه پدیدار شد، در این سرزمین اقیانوسی، و در اقیانوس قایقی؛ قایق، پسرک را به سرزمین وحشی‌ها برد. وحشی‌ها خیلی وحشتناک بودند اما پسرک چنان داد زد و چنان بی‌آنکه پلک بزند، در چشم‌های زرد رنگ آنان خیره شد که وحشی‌ها از وحشت خشکشان زد. آنها ماکس را وحشی‌ترین موجود عالم یافتند و او را به پادشاهی انتخاب کردند!

بعد به دستور پسرک بزرگ‌ترین وحشی بازی آغاز شد. بی‌کلام، به مدد تصویر، بالاخره پسرک خسته شد و گفت: «دیگر بس است! و وحشی‌ها را بدون شام به رختخواب فرستاد و خود تنها ماند. اما او دوست داشت جایی باشد که کسی او را دوست داشتنی‌ترین موجود دنیا بداند. درست در همین موقع از دورترین جای جهان بوی غذای خوشمزه‌ای آمد و دهانش را آب انداخت.

پسر، پادشاهی وحشی‌ها را رها کرد و سوار قایق شد و به همان شبی بازگشت که در اتاق دلپذیر خودش، غذای خوشمزه‌ای انتظارش را می‌کشید. غذایی که هنوز گرم بود؛ با پنجره‌ای گشوده و ماهی که از پنجره به پسرک بازگشته از سرزمین وحشی‌ها می‌تابید...

آنچه این کتاب را چنین برجسته می‌کند: تخیل خلاق و کم‌نظیر موریس سنداک (نویسنده و تصویرگر) است. متن کوتاه و تصویرها چنان یکدیگر را تکمیل می‌کنند و گسترش می‌دهند که سفر شگفت‌انگیز پسرک به سرزمین وحشی‌ها، و آن همه چیزهای شگفت‌انگیز عمیقاً به دل خواننده نو سال می‌نشینند.

این تنها کتابی است که از میان حدود ۹۰ اثر موریس سنداک به فارسی برگردانده شده است. دوبار، بار نخست در سال ۱۳۶۲ با ترجمه آبی گلی توسط کتاب پار.

و دومین بار در سال ۱۳۸۳، با نام «سفر به سرزمین وحشی‌ها» با ترجمه طاهره آدینه‌پور، به همت شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

به سر می‌برند، واکنش نشان دادند. به نظر آنها سیاهپوست بودن کودکی که درخواست کمک می‌کند مهم است. چون: «در آفریقا شمار زیادی گرسنه وجود دارد.» آنها در میان شمار زیادی زاغه‌نشینان، به پسری توجه کردند که در کارتنی که روی آن نوشته شده «ملک خصوصی» خوابیده است. بچه‌ها فکر می‌کنند که مالکیت برای همه اهمیت دارد، حتی اگر آن چیز، یک کارتن یا گونی باشد.

همه کودکان به تغییر حالت‌های ماه اشاره کردند، به نظر می‌رسد که ماه، غم، خشم و اشک خود را نشان می‌دهد. به نظر آنها ماه غمگین بود چون: این کودکان را می‌بیند، گرسنگی و بی‌خانمانی آنها را و به نظر می‌رسد که هیچ کس کاری برای نجات آنها نمی‌کند.... هر چه زندگی برای کودکان دشوارتر می‌شود، ماه خشمگین‌تر می‌شود، تا آنکه ماه تبدیل به گریه‌ای می‌شود، به زمین می‌آید و کودکان را نجات می‌دهد.

درباره موش‌ها هم حدس‌های بسیاری زده شده. چند تا از دانش‌آموزان بر این باور بودند که موش‌ها احتمالاً در لباس بدل هستند چون دست دارند. آنها نگران بودند که موش‌ها به بچه گربه‌ها و پسرها آسیب برسانند. این مسأله که موش‌ها بر روی سرنوشت اسیران خود قمار می‌کردند نیز سبب نگرانی بچه‌ها شده بود.

دانش‌آموزان به همه ریزه‌کاری‌های تصویری توجه کردند. آنها ابرج ساختگی «را پیدا کردند و درباره معنای این تصویر که کودکان بی‌خانمان، درست پایین برج ایستاده‌اند، گفت‌وگو کردند. بچه‌ها به ویژه برایشان جالب بود که سرتیتر روزنامه‌هایی را که مردم به عنوان پوشش با سرپناه از آنها استفاده کرده بودند بخوانند؛ آنها درباره اهمیت تغییر سرتیتر خبرها بحث کردند. خبرهایی که از موجود بودن خانه‌های گرانقیمت آغاز می‌شد و به

آشوب در پناهگاه‌ها، از دست دادن شغل و ایدز می‌رسند... در پایان داستان آنها از اینکه بچه گربه‌ها و پسرها نجات یافته بودند، خوشحال شدند (یکی از بچه‌ها، ماه، بچه گربه‌ها و پسرها را «خانواده ماه» نامید)، اما بچه‌ها از صحنه آخر کتاب که پسرها دوباره به زاغه باز می‌گردند، خوششان نیامد.»

### میراث پیشینیان

چگونه سنداک به چنین مهارتی دست یافته است که مسائل اجتماعی را با این روشنی در کتاب کودکان مطرح کند و کارش باز حد اعلای یک اثر هنری باشد؟

پاسخ او این است: آشنایی با آثار پیکاسو، ویلیام بلیک، آنتوان وانه ئو Antoine Walleau، مارک شاگال Chagall Marc، هنری ماتیس و فرانسیسکو گویا.

سنداک می‌گوید: آشنایی با آثار گویا به من نشان داد که نقاشی می‌تواند هم قوی باشد هم احساسی و سیاسی و در عین حال به ورطه خود بزرگ‌نمایی یا کار بازاری در نغلتد.

اینگونه سنداک شخصیت جدیدی از کودکان می‌آفریند.

یک بچه خیال، آشفته از طبقه متوسط آن روزگار؛ که با الگوی بچه آمریکایی تمیز و بی‌نقص خیلی فرق دارد.

### معجزه بزرگ شدن

در کتاب‌های سه‌گانه «آنجا که وحشی‌ها هستند»، «آشپزخانه‌ی شب» و «آن‌طرف، آن جا»، سنداک ترس‌های اولیه کودکان را می‌کاود. او پیوسته در جست‌وجوی پاسخ این پرسش است که بداند دنیای کودکان «امروز» چگونه جای خود را به «فردا» می‌دهد؟ بچه‌ها زندگی را چطور می‌گذرانند؟ چطور بر ترس، درد، اضطراب، و ملالت‌های زندگی روزمره غلبه می‌کنند و از آن لذت می‌برند؟

به نظر سنداک «اینکه بچه‌ها از عهده بزرگ شدن برمی‌آیند؛ یک معجزه است.» سنداک در ۱۹۵۶ با کتاب پنجره کنی Kenny s Window @ سنداک به سفری اکتشافی در روان کودکان دست زد. در ترس‌ها و آرزوهای دوران کودکی، روبه‌رو شدن کودک با وجود «هر دم دیگر شونده» خود. سنداک در گفت‌وگوهای خود به روشنی گفته است که از زمره هنرمندانی است که به نظریه‌های فروید توجه دارد. بهترین دلیل این گفته، معروفترین کتاب اوست: «آنجا که وحشی‌ها هستند». سنداک می‌گوید: «همه عمرم با رنگ و آبرنگ روی کاغذ خط‌خطی کرده‌ام. این روشی است برای برانگیختن تخیل و بر هم زدن چیزهایی که در کله‌ام پنهان است.»

توانایی سنداک برای نفوذ به دنیای کودک و دیدن دنیا از دریچه چشم او، گاه پدر و مادرها را برمی‌آشوبد؛ مخصوصاً آنهایی را که کودکی خود را به خاطر نمی‌آورند، یا کسانی که دوست دارند به کودکی به عنوان دوران خوش بازی و بی‌گناهی بیندیشند.

سنداک نشان داد که هم یک هنرمند برجسته است، هم خواننده‌ای عمیق و هم یک انسان‌دوست سنت‌شکن! پیش از او و پیش از او، کسی برای برداشتن بندها و در هم شکستن «تابوها» در ادبیات کودک نکوشیده است.

وقتی «آنجا که وحشی‌ها هستند» در ۱۹۶۳ منتشر شد، مخالفت‌های فراوانی را برانگیخت: «خیلی ترسناک است!» روانکاوها هم آن را محکوم کردند: «خیلی تیره است!»

بچه‌ها اما، از آن استقبال کردند و داستان ماکس کوچولوی شیطان، بر زندگی بچه‌ها اثر گذاشت و به گنجینه ادبیات ماندگار پیوست.

### رهبری ارکستر

باربارا گیلبرت، کارشناس ادبیات کودکان و هنرهای زیبا می‌گوید: «کتاب‌های کودکان همیشه خیلی زیبا بودند؛ سنداک اما می‌خواست که ادبیات کودک رورراست باشد!»

نظر خود سنداک درباره رسالت تصویرگر کتاب کودک این است: «کار تصویرگر، تفسیر و هدایت متن است، درست مثل وظیفه رهبر ارکستر در اجرای یک قطعه موسیقی.»

سنداک عقیده دارد که تصویرگر کتاب کودک می‌تواند دنیای تخیل خواننده را گسترش دهد.

پیش از او، تصویرگران کوشیده بودند متن را توضیح دهند اما سنداک باور داشت که تصویر باید بر رمز و راز اثر بیفزاید. موجودات عجیب و غریب و ناکامل او به راستی خوب از عهده این کار برآمدند.

### هنرمند پرکار

موریس سنداک، هنرمندی با استعدادهای ذاتی گوناگون است. از طراحی اسباب‌بازی‌های چوبی گرفته تا تنظیم قطعه‌های موسیقی کلاسیک برای اپرا. پرداختن سنداک به ادبیات سنتی و قومی و استفاده از گنجینه غنی ادبیات جهانی نیز در خور توجه است. او گذشته از استفاده از داستان‌های برادران گریم و شارل پرو، در آفرینش آثار خود، «نی جادویی» اثر موزارت و باله فندق‌شکن چایکوفسکی را برای اپرا تنظیم کرده است. اثر ماندگار خود «آنجا که وحشی‌ها هستند» را هم به صورت اپرا درآورده است.

سنداک در اکتبر ۲۰۰۲ به گزارشگر فرهنگی -هنری «کریستین، ساینس مانیتور» گفت: من مثل دوران جوانی شیفته و عاشق کار هستم. در ۷۴ سالگی هنوز شاغلم و این چیز کمی نیست.

در کارگاهی در انتهای خانه، موریس برنارد سنداک، سخت، منظم و بی‌وقفه کار می‌کند، می‌آفریند تا سهم خود را به جهان ادا کند.


منابع:

1-www.Americun Musters.websit.com
2- www.Word wile.com
3- www.clerelandopera. org
4- www.csmonitor.com


۵-شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک دونا. نورتون. ترجمه راعی و همکاران. تهران: قلمرو. ۱۳۸۲.

## کتاب

# کتاب دیگری از رولد دال

**تشب کال، رولد دال، ترجمه محبوبه نجف‌خانی، نشر افق (کتاب‌های فندق)، چاپ اول: ۱۳۸۳.**

**شهره کاندی :** تشب کال نام عجیبی است. نام یکی از آثار طنز و فانتزی رولد دال که بهترین نویسنده مرد انگلستان لقب گرفته است. او در سال ۱۹۱۶ در ایالت ویلز انگلستان در خانواده‌ای نروژی به دنیا آمد. تحصیلات خود را در انگلستان به پایان برد و در شرکت نفتی شل در آفریقا استخدام شد. در جنگ جهانی دوم از ناحیه سرآسیب دید و پس از معالجه به کار نویسندگی پرداخت و از مشهورترین نویسندگان کودک و نوجوان شد. او در نوامبر ۱۹۹۰ در سن ۷۴ سالگی درگذشت. تصویرگر معروف کتاب‌های او کوئنتین بلیک است که در دانشکده طراحی گرافیک کالج سلطنتی هنر لندن طراحی تدریس می‌کند. او برنده جایزه تصویرگری هانس کریستین آندرسن شده است.

در پشت جلد کتاب می‌خوانیم: آقای هویی بیشتر از همه آرزو می‌کرد که یک لاک‌پشت شود. تا به حال دلتان خواسته که به چیز دیگری تبدیل شوید؟ شرط می‌بندم که آن چیز لاک پشت نبوده! این داستان درباره مردی خجالتی است که عاشق زن مهربانی شده است. کم‌کم سر و کله لاک‌پشت هم در داستان پیدا می‌شود. اما آیا لاک‌پشت‌ها می‌توانند مرد را به زن برسانند؟ چطور؟ شاید این اثر با تم عاشقانه‌ای که دارد اثری متفاوت در میان دیگر آثار دال باشد. خود دال تا حدودی به مبانی شکل گرفتن این اثر اشاره می‌کند: «سال‌ها پیش وقتی بچه‌هایم کوچک بودند معمولاً در باغچه خانه‌مان یکی دو تا لاک‌پشت نگه می‌داشتیم. آن روزها دیدن یک لاک‌پشت اهلی که روی چمن خانه یا در حیاط پشتی پرسه می‌زد، بسیار عادی بود. هر کسی می‌توانست این حیوان را از مغازه حیوانات اهلی خریداری کند چون در بین حیوانات اهلی لاک‌پشت از همه بی‌دردسرتر و بی‌آزارتر بود.

در گذشته هزاران لاک‌پشت را داخل جعبه‌های مشبک می‌گذاشتند و وارد انگلستان می‌کردند. بیشتر آنها از آفریقای شمالی وارد می‌شدند. اما چند سال قبل قانونی تصویب شد که ورود لاک‌پشت را به انگلستان ممنوع کرد. این قانون برای حمایت از ما انسان‌ها نبود. چون لاک‌پشت‌های کوچولو خطری برای کسی ندارند. این قانون فقط از روی محبت و دلسوزی برای لاک‌پشتها تصویب شد. می‌دانید تاجرهایی که این لاک‌پشت‌ها را وارد می‌کردند صدها لاک‌پشت را بدون آب و غذا و در شرایط بسیار بدی به زور توی آن جعبه‌های مشبک جا می‌دادند و بسیاری از آن حیوان‌های بیچاره در طول سفر دریایی می‌مردند. بنابراین به جای اینکه دولت جلوی این بیرحمی را بگیرد، کل این تجارت را ممنوع کرد. ماجراهایی که قرار است در این کتاب بخوانید در همان روزهایی اتفاق افتاده‌اند که هر کسی می‌توانست به مغازه فروش حیوانات اهلی برود و یک لاک‌پشت کوچولو و مامانی بخرد.»

آقای هویی یکی از شخصیت‌های محوری داستان، مردی تنهاست که به کل‌های آپارتمانش و خانمی زیبا و میانسال به نام خانم سیلور در طبقه پایین ساختمانش علاقه‌مند است. اما تمام هوش و حواس خانم سیلور متوجه لاک‌پشت کوچکش است...

آقای هویی، با استفاده از همین نکته، به شیوه‌ای بدیع، رقیب (لاکپشت) را وسیله رسیدن به محبوب می‌کند.

سبک منحصر به فرد دال در این اثر متفاوت به یکی دیگر از نهان‌ترین خواست‌های آدمی پرداخته است: عشق؛ چیزی که جای آن در صحنه ادبیات ما خالی است. استعداد دال در خلق آثار طنز و هجو همراه با جنبه‌های کارتونی آنها وقتی در کنار مضامین روانشناختی قرار می‌گیرد، هدف اصلی ادبیات را که تأثیر عاطفی بر مخاطب است به خوبی تأمین می‌کند. برآورده شدن آرزوی شخصیت محوری ضمن شادی‌آفرینی برای مخاطب شگفتی و نوآوری نیز به بار می‌آورد.

## برای زیر ۴ ساله‌ها

«مامان کف زمین را شسته است. مامان می‌گوید: «بعه‌به»

حالا «تولا» می‌خواهد زمین را بشوید. تولا می‌گوید:...»

**ژاله فروهر:** سه کتاب پیش روی من است. سه داستان و ماجرا راجع به «تولا»، بچه کوچکی که کارهای خنده‌داری می‌کند. کارهایی که یادآور یک روز بانشاط و خوش برای اوست. کتاب‌ها با عناوین «تولا کوچولو صاحب لگن می‌شود»، «تولا کوچولو کمک می‌کند» و «تولا کوچولو می‌تواند» حاوی موضوعاتی ویژه کودکان گروه سنی «الف» است و در واقع برای خردسالان مناسب است با درون‌مایه تربیتی. داستان‌ها تصویری هستند با نوشته‌های کوتاه. ویژگی آنها به گونه‌ای است که خود کودک بدون توانایی خواندن می‌تواند از روی تصاویر زیبای آن با کتاب ارتباط لازم را برقرار کند و بزرگترها با افزودن مطالبی به آن کتاب را جذابتر کنند.

شخصیت اصلی این سه داستان کودک خردسالی است که در مرحله رشد و شکل گیری شخصیت قرار دارد. موضوع داستان‌ها احساس‌ترین لحظه‌های پرشکوه این رشد را به زبان ساده کودک این سن بازگو می‌کند. موضوع‌های حساسی همچون دفع ادرار و مدفوع یا همکاری با مادر در کارهای خانه و اینکه احساس می‌کند مانند بزرگترها می‌تواند توانا باشد و کارهایی را انجام دهد.

تصاویر کتاب‌ها ساده و زیبا هستند. از نکته‌های بارز کتاب‌ها بخش آسترید رنته آنهاست که با رنگ زیبا و تصاویر دلنشین، گفت‌وگو را با کودک آغاز می‌کنند.

کتاب‌ها توسط «کاترینا کروزول» نوشته و تصویرگری شده‌اند، مترجم آنها، «فروغ جمالی» است. انتشارات دانش تصویر در ۱۳۸۳ با قیمت مناسب (۴۰۰ تومان برای هر کدام) آنها را به چاپ رسانده است.

از آنجا که به ادبیات داستانی این گروه سنی (کودکان زیر چهار سال) کمتر توجه می‌شود، استفاده از این کتاب‌ها را به والدین و مربیان پیشنهاد می‌کنیم.

## بر و بچه‌ها

# ماهنی تذهیبی

برای نشر مارال دو کار انجام داده‌ام. یکی کتاب «کامین» است که یک کتاب آموزشی برای خردسالان است. این کتاب متن ندارد اما در عوض به بچه‌ها این امکان را می‌دهد که با وصل کردن صفحات ضمیمه کتاب به انتهای کامین، کاربرد آن را تغییر بدهند. شرکتی به اسم کویر خودرو حامی مالی انتشار این کتاب آموزشی است.

کتاب دیگری که تصویرگری آن را انجام داده‌ام یک کتاب آموزشی برای کودکان پیش دبستانی است به نام «گردم و می‌چرخم». در این کتاب بچه‌ها با اشیای گردی که در محیط زندگی و طبیعت می‌بینند بیشتر آشنا می‌شوند. هر صفحه از این کتاب متن کوتاهی دارد و تمرین‌های مختصری هم همراه با تصاویر در برخی از صفحه‌ها برای بچه‌ها پیش‌بینی شده است. نشر مارال این کتاب‌ها را بزودی منتشر می‌کند.

# سرور کتبی

چهار کتاب آماده چاپ دارم. اولی یک کتاب علمی - آموزشی درباره محیط زیست و دریا به نام «دریا دریا» است که مناسب نوجوانان دوره راهنمایی است و توسط انتشارات کانون پرورش فکری منتشر خواهد شد.

سه کتاب هم برای خردسالان نوشته‌ام. یکی داستان «جیغ مینا» است که توسط نشر شباویز چاپ خواهد شد. دو مجموعه داستان «مینی‌مالیستی هم برای خردسالان نوشته‌ام: اولی کتاب «مادربزرگ را در ماه دیده‌ام» و دومی «با درخت مامان بازی کردم». این کتاب‌ها به ترتیب توسط به‌نشر و انتشارات مدرسه منتشر خواهند شد.

سجاد صاحبان زند

**علی رفیعی این روزها به‌شدت مشغول کامل کردن فیلمش «ماهی‌ها عاشق می‌شوند»، است. از طرف دیگر در حال نوشتن فیلمنامه‌ای است برای فیلم بعدیش. بعد از چند بار تماس تلفنی قرار می‌شود که صبح جمعه با هم حرف بزنیم. وقتی وارد خانه‌اش می‌شوم، با صحنه‌ای روبه‌رو می‌شوم که در خانه کمتر نویسنده و کارگردانی با آن روبه‌رو شده بودم؛ تقریباً در هر گوشه‌ای از خانه، کتابی هست. بعضی از این کتاب‌ها نیمه‌بازند و برخی دیگر بسته، اما کاغذی لابشان قرار دارد؛ اما همه این کتاب‌ها یک شباهت با هم دارند، همه‌شان به زبانی غیر از زبان فارسی هستند.**

**او بیست و اندی سال است که در فرانسه زندگی کرده و دکترای تئاتر دارد. علی رفیعی بعد از چند سال تجربه تئاتر اولین فیلم خود را ساخت. گفت‌وگوی زیر در مورد فیلمنامه، نمایشنامه، تفاوت‌های آنها و استفاده رمان برای نوشتن فیلمنامه انجام شده است.**

### گفت‌وگو با دکتر علی رفیعی؛ کارگردان سینما و تئاتر

# چرا آثارتان را چاپ نکرده‌اید؟
# - بعضی‌ها اسم آن را وسواس می‌گذارند

**چرا هیچ‌کدام از نمایشنامه یا فیلمنامه‌هایتان را چاپ نکرده‌اید؟**

همیشه نوعی دلمشغولی و نگرانی برای چاپ نوشته‌هایم داشته‌ام که بعضی اسم آن را وسواس می‌گذارند. همیشه فکر کرده‌ام که نوشته‌هایم از این که هست، می‌تواند بهتر باشد و فکر می‌کنم، چیزی که الان آماده چاپ دارم، آنی نیست که من دلم می‌خواهد چاپ شود. پس صبر می‌کنم که آنی که دلم می‌خواهد چاپ شود. در اثر همین صبرکردن‌ها و کش دادن‌ها، هیچ نوشته‌ای از من چاپ نشد. نه تنها نمایشنامه‌هایم را چاپ نکردم که کلی تحقیقات بسیط و مفصل هم دارم که در سی سال اخیر انجام داده‌ام و همین جا در حال خاک خوردن هستند. من این تحقیقات را روی بازیگری، کارگردانی، زیبایی شناسی تصویر و صحنه و کلاً دغدغه‌های سینمایی و نمایشی‌ام انجام داده‌ام و الان حدود ۱۶-۱۷ هزار صفحه تحقیق آماده دارم. اما ترس از نقصان یا جست‌وجوی نوعی کمال‌طلبی موجب شده تا کارهایم چاپ نشود. ضمن این کارهای اجرایی یا فکر کارهای اجرایی، چه در مرحله نوشتن و چه در مرحله اجرا از دیگر عوامل بازدارنده بوده‌اند. عامل سوم فقدان یک مدیریت در زندگی درونی‌ام است، همچنین فقدان یک دستیار، یک منشی یا یک همکار مزید بر علت شده است. این همکار می‌تواند اطلاعات و کارهایم را دسته‌بندی کند و با ریختن آنها در کامپیوتر و ویرایش آنها کمک بزرگی به من داشته باشد.

**فکر نمی‌کنید چاپ نکردن این کتاب‌ها، محروم کردن علاقه‌مندان از آنهاست؟**

بله. درست می‌گویید. همیشه فکر کرده‌ام بالاخره شاید روزی بیاید که دیگر آن جوشش و کوششی که برای کار عملی دارم، دیگر نداشته باشم. در آن دوران بازنشستگی به این کار می‌پردازم. البته اینها توجیهاتی است که خیلی دوست ندارم به آنها بپردازم. پرونده‌هایی که روی میزم می‌بینید، فقط یک کتابم است. من حدود هفتاد برابر این پرونده‌ها در کتابخانه‌ام نوشته دارم که اینها حاصل سی سال کار من است. این پرونده‌ای که می‌بینید، کتابی است در مورد بازیگری و در آن به تکنیک‌های بازیگری و شیوه‌های آن و تفاوت بازیگری سینما و تئاتر پرداخته‌ام. این پرونده الان دو سال است که همین جاست و حتی برنداشته‌ام که جای دیگری بگذارم. بیشتر اوقات روی میز کارم، روی میز آشپزخانه، در کتابخانه و همه جای خانه‌ام پر از نوشته‌هایم می‌شود. ولی فرصت مرتب کردن آنها را پیدا نمی‌کنم. الان که با شما حرف می‌زنم، جدا از آماده کردن فیلمم برای فرستادن به جشنواره‌های خارجی، بیشتر از یک دغدغه ندارم و آن هم نوشتن فیلمنامه بعدی‌ام است. بنابراین وقتی این دغدغه جلو می‌آید، آن دغدغه‌های قبلی را عقب می‌زند. اگر بخواهم به محروم شدن بسیاری از جوان‌ها، دانشجویان و علاقه‌مندان نسبت به این امور فکر کنم، یعنی وقتی فیلمنامه‌ام را ننویسم، خودم را از آنچه که دوست دارم، محروم می‌کنم.

**قبل از «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» فیلمنامه دیگری هم نوشته بودید؟**

بله. قبل از این فیلم، سه چهار فیلمنامه کامل به‌صورت حروفچینی شده و جلد شده آماده کرده بودم. اولین فیلمنامه‌ام مربوط است به سال ۷۵ با نام «خاک بکر»؛ داستان بسیار زیبایی دارد که هر چقدر از زیبایی‌اش بگویم، کم گفته‌ام. بعد از نوشته شدن فیلمنامه، متوجه شدم که تهیه‌کننده‌ها در ایران، چندان از داستان‌هایی که در محیط‌های روستایی اتفاق می‌افتد، حمایت نمی‌کنند. داستان این فیلم، داستان عاشقانه غریب و جادویی است که در شالیزارهای شمال و خانه‌هایی که در کنار آن هاست، اتفاق می‌افتد. ولی متوجه شدم که تهیه‌کننده‌ها برای این دست فیلمنامه‌ها چندان سر و دست نمی‌شکنند. از طرف دیگر این فیلمنامه شرایط ساخت خیلی دقیق و درستی را ایجاد می‌کرد.

**شما موضوع‌های کارتان را چطور انتخاب می‌کنید؟**

من خودم را خیلی نویسنده نمی‌دانم، کارگردانی هستم که می‌نویسد. یک نویسنده بیشتر فکر می‌کند و می‌نویسد، در صورتی که من می‌بینم و باید ببینم تا بنویسم. اگر نتوانم مایه‌ازای تصویری آن چیزی را که می‌نویسم، تصور بکنم، اصلاً قدرت نوشتن ندارم و منظورم از این مایه‌ازای تصویری همان فضا، شخصیت‌ها و رفتارهای آنها، سکتات و حرکات و... آنهاست. من باید اینها را به تمامی در ذهنم مجسم کنم. یعنی هیچ وقت نمی‌توانم سرم را میان دو دستم بگیرم، فکر کنم و بنویسم. من از این تبحر برخوردار نیستم. آنچه را که می‌توانم بگویم در آن تبحر دارم، وجه بصری ماجراست. می‌بینم و بعد می‌نویسم.

**در تئاتر هم همین جوری است؟**

رفتن به سوی مضامین تئاتری شیوه دیگری را می‌طلبد. برای فیلم بعدی‌ام، در حال جست‌وجو برای قصه ساده‌ای هستم. این بار هم باز بدون آنکه فکر کنم، به شدت مشغول مطالعه رمان هستم. هفته‌ای سه چهار رمان را تمام می‌کنم. اگر در یکی از این رمان‌ها شخصیت، موقعیت و مضمون‌هایی پیدا کردم که بتواند در من جرقه‌ای ایجاد کند و به آن چیزی که در ناخودآگاهم جست‌وجو می‌کردم پاسخ بدهد، روی آن قصه مکث می‌کنم. بعداً می‌توانم آن رمان را به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم مورد استفاده قرار بدهم یا اقتباسش می‌کنم. البته من همه این رمان‌ها را به زبان فرانسه می‌خوانم. حالا بعد از تمام کردن یک رمان ۵۵۰ صفحه‌ای ژاپنی که به فرانسوی ترجمه شده، دو شخصیت و یک موقعیت پیدا کرده‌ام و به بقیه رمان کار ندارم.

**چرا فرانسوی؟**

چون نوشته‌هایی که به خود فرانسوی نوشته شده‌اند، سلیس و روانند و من خیلی به ترجمه‌های فارسی اعتماد ندارم. حالا دارم روی همان دو شخصیت و یک موقعیت کار می‌کنم. شاید این کار قابل استفاده باشد و شاید خیر. بعد از آن، یعنی از چهار شب پیش به این طرف، دو رمان دیگر هم خوانده‌ام و الان کتاب جدیدی دست گرفته‌ام. در این رمان‌ها هم دنبال تصویری هستم که در واقع در ناخودآگاهم وجود دارد و با خواندن رمان، خودش را آشکار می‌کند. در اینجا باید این نکته را اضافه کنم که خیلی از وقت‌ها، اگر قرار است کار اجرایی کنیم، صرف یافتن این سوژه‌ها و ایده‌ها می‌شود که در صورتی نباید اینگونه باشد.

**چطور؟**

در هیچ کجای دنیا، اینطور نیست. آنقدر ما در این زمینه دوریم که حتی نمی‌توانیم غبطه بخوریم. در سینمای جهان غرب و حتی در آسیای شرق دور، یک فیلمنامه توسط یک گروه کار می‌شود که گاه این گروه به سی نفر هم می‌رسد. در آنجا، یک فیلمنامه حاصل یک ذهنیت نیست، حاصل ذهنیت‌های متفاوت، نگاه‌های مختلف و واکنش گوناگونی است که از طرف جمع می‌آید. امروز هیچ‌کس در ارزوای خود و به تنهایی فیلمنامه‌ای خلق نمی‌کند. در این جا اما آنگونه نیست. یعنی به جای اینکه من دنبال کار اجرایی باشم، باید قضایا را از اول شروع کنم. این نکته نه فقط در مورد من که در فیلمسازی تازه‌کارم که در مورد تمام کسانی که سال‌ها در این عرصه کار می‌کنند، وجود دارد. مهم‌ترین مشکل ما، مشکل فیلمنامه است.

**خوشبختانه من از این موهبت بهره‌مندم که می‌توانم به زبان فرانسه و انگلیسی کتاب بخوانم و از رمان‌های آنها بهره بگیرم. یعنی قصه‌ها و رمان‌های فارسی این قابلیت را ندارند؟**

**الزاماً خواندن یک رمان، منشأ مستقیم نوشتن یک فیلمنامه نیست. من به دانشجویانم، زمانی که در دانشگاه تدریس می‌کردم، همیشه توصیه می‌کردم که رمان بخوانند**

ما هنوز در عرصه رمان، خیلی فقیریم. رمان، قصه و نوول خیلی با هم تفاوت دارند. رمان در مفهوم واقعی کلمه، اتفاق جدیدی در ایران است و سنت آن در گذشته وجود نداشته است. یعنی برخلاف قصه‌نویسی و افسانه‌نویسی که سابقه کهنی در فرهنگ ما داشته‌اند، رمان هنوز مال ما نیست و رمان‌نویسی، پیشرفتی را که باید داشته باشد، پیدا نکرده است. ما هنوز در شخصیت‌پردازی، موقعیت‌پردازی و پیدا کردن مضمون‌های جدید دچار مشکلیم. از طرف دیگر، همین کارهای محدودی که وجود دارد، مورد توجه همگان قرار می‌گیرد و سراغ آنها می‌روند. به همین دلیل، من ترجیح می‌دهم، سراغ چیزهایی بروم که کسی سراغ آنها نمی‌رود یا نمی‌تواند برود. کتابفروشی در پاریس دارم که مرتباً برای من رمان می‌فرستد. به نظرم بهتر است سرتا را از دهانه تنگش بنوازیم تا از دهانه گشادش؛ من سراغ اصل ماجرا می‌روم.

**شما بیشتر به رمان‌ها اشاره می‌کنید، در حالی که موضوع «ماهی‌ها عاشق می‌شوند»، احتمالاً از یک ماجرای واقعی آمده است.**

الزاماً خواندن یک رمان، منشأ مستقیم نوشتن یک فیلمنامه نیست. من به دانشجویانم، زمانی که در دانشگاه تدریس می‌کردم، همیشه توصیه می‌کردم که رمان بخوانند. اصلاً هم فرقی نمی‌کرد گرایششان چه باشد؛ بازیگری، طراحی صحنه، کارگردانی، طراحی لباس و... برای اینکه رمان تخیل را قوی می‌کند. تعدد شخصیت‌هایی که شما به خاطرتان می‌سپارید، ذهن شما را باز می‌کند. خواندن رمان به این دلیل نیست که الزاماً همان رمان تبدیل به فیلم شود. رمان شما را به آفاقی دیگر می‌برد و این است که در نزدیک شدن به رمان، زیباست. نویسنده شما را در هزار و یک موقعیت متفاوت قرار می‌دهد.

«ماهی‌ها عاشق می‌شوند»، در وهله اول از یک مقاله به شدت تئوریک آمد. همان وقت‌ها رمانی را از تورگنیف خوانده بودم که هیچ کدام از شخصیت‌ها و موقعیت‌هایش شبیه «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» نیست. ولی آن رمان تورگنیف تلنگری برای من بود تا اولین نسخه این فیلمنامه را بنویسم. البته باید اضافه کنم که نسخه اول با همکاری شبنم طلوعی، که یکی از اعضای گروهم بود نوشته شد. در آن نسخه، شخصیت عزیز، خودش رستوران‌دار و آشپز بوده در آن نسخه، همه چیز از او شروع می‌شد و به او ختم می‌شد. می‌بینید که داستان چقدر تغییر کرده است و البته این تغییرها در یازده بار بازنویسی حاصل شده.

ماه گذشته در یادداشتی که می‌خواندم دیدم که کلود شابرول که یکی از کارگردان‌های موج نو و هم‌دوره تروفو و ژان لوک گدار است، از ده فیلمی که ساخته، نه تایش اقتباس از رمان بوده است. رویکرد به رمان یک حسن بزرگ دارد و آن استفاده از ساختار است. حالا شما باید به این ساختار و شخصیت‌پردازی، لباس سینمایی بپوشانید تا تبدیل به یک فیلمنامه شود.

**وقتی اولین بار نوشتید، روز- خارجی- کنار دریا، چه حسی به شما دست داد؟ چه فرقی بین فیلمنامه نوشتن و نمایشنامه نوشتن برای شما ایجاد شد؟**

شما در تئاتر الزاماً به یک قصه احتیاج ندارید. در حالی که به نظر من سینما باید قصه داشته باشد یا دست‌کم من به این نوع سینما علاقه‌مندم. در مرحله دوم احتیاجی نیست که در تئاتر مضمون، از یک واقع‌گرایی محض برخوردار باشد. در حالی که در سینما این واقعگرایی و نزدیک بودن به واقعیت باعث می‌شود که روح زندگی در کار بیشتر به چشم بیاید. وقتی که تاریخ سینما را ورق می‌زنیم، می‌بینیم که به هر حال سینما با زندگی تماس مستقیم‌تری داشته است.

**با فیلم مستند شروع شده...**

بله. اما در تئاتر اینگونه نیست. یک کارگردان تئاتر، اگر به کارش مسلط باشد، می‌تواند با یک صفحه روزنامه، حتی با صفحه آگهی‌های روزنامه یک تئاتر زیبا خلق کند. ممکن است که در سینما با استفاده از یک؟ بتوان یک فیلم ساخت، اما خود صفحه روزنامه، نمی‌تواند مولد یک فیلم باشد. در حالی که در تئاتر این فرایند ممکن است.

من وقتی قرار است نمایشنامه بنویسم، اول به

فضاها فکر می کنم و بعد به آنچه که باید گفته شود. در حالی که در سینما به شخصیت ها و موقعیت هایش فکر می کنم و بعد به فضایی که باید در آن قرار بگیرند. البته من اصلاً این نکته را به عنوان یک متد یا شیوه علمی تلقی نمی کنم. این کار یک سلیقه شخصی است. من اولین نمایشنامه‌ام را زمانی نوشتم که فارسی‌ام، خیلی ضعیف‌تر از فارسی امروزم بود. بعد از بیست و اندی سال از فرانسه برگشته بودم و دلم می خواست اولین کارم که در ایران روی صحنه می رود یک کار ایرانی یعنی تأثیر گرفته از فرهنگ، سنت و آیین خودمان باشد. که البته چون برای کار کردن خیلی عجله داشتم آن کار نشد و به جای آن آنیگونه سوفوکل را روی صحنه آوردم. دومین کارم را بالاخره نوشتم که اتفاقاً عنوانی طولانی دارد تحت عنوان خاطرات و کابوس های یک جامه‌دار، از زندگی و مرگ میرزا تقی خان فراهانی، این کار نه برای خودم که برای تماشاگران نیز چه در زمینه متن و چه در زمینه فضا به شدت شگفت انگیز بود. همه چیز از دید دلاکی می گذشت که در دنیای وهم انگیزی زندگی می کند. او تنها کسی است که شاهد قتل امیرکبیر بوده و به خواست خود میرزاتقی خان، رگش را می زند. همه نمایش از دید این آدم می گذرد.

این مثال را برای آن آوردم که نشان دهم در آن دوره، یک نویسنده پشت میز ننشست تا قصه‌ای خلق کند. من در آن دوره به اندازه یک قران هم نویسنده نبودم. ولی آدمی هستم که چشم‌هایش همیشه در حال عکاسی کردن است. آنقدر که می بینم، نمی شنوم. همیشه هم گفته‌ام که تئاتر برای دیدن است و نه شنیدن. همیشه اول حرکت‌ها، موقعیت‌ها و حالت‌ها و به‌طور کلی یک سناریوی تصویری می نویسم و بعد سراغ گفت‌وگوها می روم. این شیوه در واقع از ناتوانی من به‌وجود آمده بود، اما دیدم که شیوه خوبی برای نوشتن فیلمنامه است. من از این شیوه بهره بردم، چراکه خودم را نویسنده نمی دانستم، اما دیدم که حتی فردی که از یک فارسی قدر هم بهره می برد، باید از همین شیوه استفاده کند.

فیلمنامه به نگاه تصویری مربوط است و کسی که این نگاه را نداشته باشد، نمی تواند فیلمنامه خوبی بنویسد. به همین دلیل است که بسیاری از رمان‌نویس‌ها، قصه‌نویس‌ها، شاعرها و بقیه اهالی ادبیات نمی توانند در عرصه فیلمنامه‌نویسی موفق باشند.

**اما ما تجربه‌های موفقی هم در این زمینه داشته‌ایم، مثلاً تجربه فاکنر و هوارد هاکس.**

منظور من در ایران است. در آنجا داستان دیگری حاکم است. در آنجا آدم‌های زیادی هستند که چند کار را با هم انجام می دهند؛ رمان می نویسند، فیلم‌وفند، نمایشنامه و فیلمنامه هم می نویسند و... غربی‌ها گیجیجه بزرگی دارند. به نام فرهنگ بصری که ما فاقد آن هستیم. رمان از زمینه‌های اجتماعی، نقاشی، معماری، مجسمه سازی و اساساً از هنرهای تجسمی جدا نیست. رمان‌نویس در جامعه‌ای که از صدها موزه برخوردار است و نقاشی و هنرهای تجسمی از هر جای آن می جوشد، از تخیل بصری برخوردار است. او از بچگی این تصاویر را دیده و این نگاه تصویری در ذهنش حک شده است. به‌طور قطع ما از این غنا و ارزش‌ها به دور بوده‌ایم. نقاشی ما مینیاتور بوده که فقط برای مصور کردن کتاب بوده، تازه اگر این نقاشی را مال خودمان بدانیم.

اگر ما نمی توانیم نمایشنامه‌نویس و فیلمنامه‌نویس بزرگی داشته باشیم، به این علت است که بسیاری از کسانی که می نویسند، بین ادبیات رمانی و ادبیات نمایشی تفاوتی قائل نیستند. در بالاترین حد، آنها در فیلمنامه و نمایشنامه از توصیف استفاده نمی کنند و به جای آن فقط دیالوگ می نویسند. دیالوگ آنها، دیالوگ‌هایی است برخواسته از ادبیات. این دیالوگ‌ها وقتی وارد فضای تئاتر و سینما می شود، جای خود را پیدا نمی کند. یک جمله می تواند در رمان یک فضا را به وجود بیاورد و همان جمله در تئاتر یا سینما ممکن است مفهوم و فضایی دیگر را خلق کند. در جهان غرب به علت همه ارتباط‌هایی که بین همه حوزه‌های فرهنگی وجود دارد، این مشکلات کمتر است.

**آخرین رمان یا قصه ایرانی که شما خوانده‌اید**

آنقدر کتاب می خوانم که گاهی اسامی را فراموش می کنم. آخرین رمانی که به فارسی خوانده‌ام، نوشته محمدرحیم اخوت است با عنوان «نام‌ها و سایه‌ها». کتاب بسیار زیبایی است و مخصوصاً از رفتاری که نویسنده با زمان می کند خیلی خوشم آمد. کتابی است که نباید به همین سادگی از آن گذشت و در خور دوبار خواندن هم هست، نه آنکه بار اول درک نشود؛ که به دلیل زیبایی‌های بیشتری است که از درون آن تراوش می کند. برای دومین بار کتاب «کوری» ساراماگو را خواندم. از چند شب پیش تصمیم گرفتم تا هزار و یکشب را به‌صورت سیستماتیک بخوانم. هر چند هزار و یکشب ما در ایران در مقایسه با بیست و هفت جلد قطوری که در فرانسه دیدم، چندان کامل نیست. یک نوشته مثل «شازده احتجاب» گلشیری چنان مرا به وجد می آورد که آن را برای صحنه اقتباس می کنم. در میان آثار نویسندگان ایرانی حتماً آثاری هستند که در خور اهمیت باشند، به‌عنوان مثال نوشته‌های اسماعیل فصیح می تواند منبع خوبی برای خلق آثار نمایشی باشد. اما نکته‌ای است که در آغاز گفت‌وگو به آن اشاره کردم. من وقت خیلی کمی دارم و دست تنها هستم. همچنین گفتم که نوشتن فیلمنامه و نمایشنامه کاری تیمی است.

**در مورد کتاب‌های تئاتری چطور؟**

متأسفانه ما در زمینه کتاب‌های تئاتری فقیریم. کتاب‌هایی هم داریم که ترجمه شده‌اند، اما من ترجیح می‌دهم این کتاب‌ها را به زبان فرنگی بخوانم. من به چند دلیل این کتاب‌ها را به فارسی نمی خوانم: اول اینکه اکثر ترجمه‌ها پر از غلط هستند. بسیاری از ترجمه‌ها به دلیل عدم شناخت مترجم از زبان پر از اشتباه است، به‌طوری که می توانم بگویم این ترجمه‌ها بوی «دیکشنری» می دهند. دلیل دوم این است که بسیاری از اصطلاحات تئاتری هنوز معادل‌های مناسبی

**از زمستان سال گذشته، تقریباً هیچ کتاب نظری در مورد تئاتر به فارسی نخوانده‌ام و وقتی هم می خوانم نمی فهمم**

در فارسی پیدا نکرده، البته این قضیه فقط در مورد تئاتر نیست و در بسیاری از عرصه‌ها از جمله روانشناسی، جامعه‌شناسی و حتی مسائل فنی هم دچار این معضل هستیم. مترجم خیلی تلاش کرده تا معادل مناسبی برای برخی از این اصطلاحات پیدا کند، در صورتی که من برای فهمیدن آن کلمه باید به یک فرهنگ لغت دیگر مراجعه کنم.

از زمستان سال گذشته، تقریباً هیچ کتاب نظری در مورد تئاتر به فارسی نخوانده‌ام و وقتی هم می خوانم نمی فهمم. در نتیجه بدون آنکه بخواهم خودنمایی کنم، به زبان فرانسوی خیلی راحت‌تر کتاب می خوانم تا با این ترجمه‌هایی که خوب نیستند. چون نمی خواهم اسم بیاورم نمی توانم مثال بزنم، باور کنید، یکی از زیباترین کتاب‌هایی که راجع به هنر و جامعه وجود دارد، در فارسی چنان ترجمه شده که من وقتی شروع به خواندنش کردم، دیدم که چیزی نمی فهمم. انگار که به زبان سغدی نوشته شده بود. همان جمله‌ها و پاراگراف‌ها را در زبان فرانسوی خیلی راحت می خوانم.

یکی از مشکلات بزرگ دنیای کتاب و ادبیات ما، مشکل ترجمه است. ما متخصص نداریم. هر کسی که کمی زبان یاد می گیرد می خواهد مترجم شود. یک مترجم باید از خیلی از موهبت‌ها و دانش‌های دیگر نیز برخوردار باشد. حالا نمی خواهم به این قضیه بپردازم که بسیاری از کتاب‌ها از زبان سوم یا چهارم ترجمه می شوند. در این صورت دیگر چیزی از کتاب نمی ماند. ضمن این که بهترین ترجمه ناقل سبک آن نویسنده نیست. سبک یک نویسنده در زبان خودش قابل درک است. اما نکات دیگر رمان، از جمله شخصیت پردازی، موقعیت‌ها، فضاها و مفاهیم دیگر را می توان در ترجمه درست رعایت کرد.

گزارش

ساناز اقتصادیا

## عکاسان تئاتر از چاپ کتاب عکس تئاتر می گویند

# تئاتر کاغذی

**حالا تئاتر آنقدر محبوب شده است که بیشتر روزنامه‌ها و مجله‌ها، دست‌کم یک صفحه‌شان را به نوشتن درباره آن اختصاص می‌دهند. یک صفحه درباره تئاتر نوشتن هم که بدون عکس، لطفی ندارد. حالا کنار هر مطلب درباره تئاتر، عکسی هم به چشم می‌خورد و عکاسان تئاتر در یک رقابت بی‌سر و صدا، عکس‌هایشان را به ما و شما نمایش می‌دهند. عکاسانی که سعی می‌کنند بهترین صحنه یک تئاتر را با لنز دوربینشان ثبت کنند و در یک قاب کاغذی به دست ما برسانند.**

**اما عمر اینها همه کوتاه است. خیلی کوتاه. شاید به اندازه روز یک روزنامه یا هفته یک هفته‌نامه. این همه سعی و تلاش فقط برای چند ساعت؟ یا یک روز؟ بعد هم فراموشی؟ آن هم برای تئاتری که خودش عمری کمتر از یک ماه دارد و بعد از آن فقط در ذهن و یاد تماشاگران زنده می‌ماند.**

همه عکاسان تئاتر می گویند که کاش فرصت بیشتری بود برای حفظ و نگهداری عکس‌هایی که این همه با زحمت ثبت می‌شوند و نشان‌دهنده دوره‌ای از تاریخ تئاتر کشورمان هستند.

بهترین شیوه ثبت این عکس‌ها شاید کتاب باشد.

رضا معطریان، عکاس حرفه‌ای مطبوعات که عکس‌های به یادماندنی از تئاترهای مختلف را تا به حال به مخاطبان عرضه کرده است، درباره چاپ مجموعه عکس‌ها در قالب کتاب معتقد است: «آن چیزی که می‌ماند و مردم نگهش می‌دارند، روزنامه و مجله نیست، بلکه کتاب است. تئاتر هم مثل روزنامه و مجله، میراست و برای حفظ آن، عکس بهترین روش و برای حفظ عکس، کتاب بهترین گزینه است. ما نباید به چاپ عکس در روزنامه اکتفا کنیم.»

او درباره هزینه چاپ کتاب می گوید: «البته چاپ کتاب مستلزم هزینه است و بازگشت این هزینه از طریق تک‌فروشی امکان‌پذیر نیست. اگر مراکز دولتی اقدام به انتشار این قبیل کتاب‌ها کنند، کار بسیار ارزشمندی کرده‌اند. کتاب مخاطب بیشتری دارد و تعداد زیادتری از مخاطبان آن را ورق می زند و در ذهن بیشتر آنها، عکس تئاتر ماندگار می‌شود.»

مسعود پاکدل هم که از چهره‌های ثابت تئاتر شهر است و تئاترهای زیادی را با دوربین خود ثبت کرده از دو کتابی می گوید که قرار بود چاپ شود اما به دلیل تغییر مدیریت مرکز هنرهای نمایشی این اتفاق رخ نداد: «عنوان کتاب اول، «ده سال عکاسی تئاتر» است که شامل ۱۵۰ عکس است که در نمایشگاه دو سال پیش از سی و سه عکاس به نمایش درآمد. کتاب دوم نیز «تاریخ مصور تئاتر» نام دارد و قرار بود توسط انتشارات تماشاگران منتشر شود که از آن هم خبری نیست. وقتی هزینه‌ها بالا می‌رود، اولین چیزی را که قیچی می‌کنند، عکس است.»

پاکدل همچنین درباره ماندگاری تئاتر و عکس آن از طریق کتاب می گوید: «بهترین روش برای ماندنی شدن هنر عکس و هنر تئاتر، چاپ آنها در یک کتاب است. از طریق کتاب می‌توان تأثیر بیشتری هم بر مخاطبان و جریان‌های مختلف گذاشت.»

مجید حمصه از عکاسان فعال تئاتر و سینما هم اعتقاد دارد که کتاب عکس، منبعی برای تحقیق است و تنها کتابی است که علاقه‌مندان رشته‌های دیگر هم از تورق آن لذت می‌برند: «کتاب عکس در مقایسه با کتاب‌های دیگر، مخاطب بیشتری دارد و تعداد بیشتری می‌تواند با آن رابطه برقرار کنند. الان اگر به چند سال پیش برگردیم، جز یک بروشور چیزی از تئاتر نمانده است. در واقع آنچه باعث ماندگاری تئاتر می‌شود، عکس است.»

اگر در راهروی تئاتر شهر قدم بزنید، عکس‌هایی را از گذشته می‌بینید که تنها یادگار دوره‌های قدیم و تئاتر آن زمان است. عکس و حفظ آن از طریق کتاب باعث زنده ماندن خاطرات برای مخاطب می‌شود»

مریم محمدی هم از جمله عکاسان فعال تئاتری است که فکر می‌کند کتاب عکس‌های تئاتری باعث برقراری رابطه بیشتر دانشجوها با مقوله عکاسی تئاتر می‌شود: «دانشجوهای عکاسی با این جریان غریبه‌اند. چاپ کتاب وسیله خوبی است برای زنده‌ماندن تئاتر و ارتباط آن با دانشجوها، منتها کسی برای آن سرمایه‌گذاری نمی‌کند. مخاطبان عکاسی از طریق کتاب اصلاً می‌توانند با خود تئاتر آشنا شوند.»

بحث سرمایه‌گذاری که پیش آمد، سراغ انتشارات نمایش (وابسته به مرکز هنرهای نمایشی) که بهترین مکان برای چاپ این قبیل کتاب‌هاست و تا به حال چندین کتاب هم در این زمینه منتشر کرده است رفتیم. خواستیم تا صحبت‌های جواد افشین‌نژاد سرپرست انتشارات را هم بشنویم و بنویسیم. اما از آنجا که او -به قول خودش- این مسؤولیت را تازه به عهده گرفته است صحبت چندانی در این زمینه نداشت و همه چیز را به گذشت زمان موکول کرد.



یادداشت

نجم‌الدین خراسانی

# سفر به آفاق گلبانگ



**موسیقی رمضان در ایران؛ به کوشش هوشنگ جاوید؛ ثبت نگاری محمدرضا درویشی؛ تهران: مرکز موسیقی حوزه هنری، ۱۳۸۳، ۲۹۰ ص، مصور، به‌اضافه یک CD صوتی حاوی برگزیده اجراها؛ به ویرایش سید علیرضا میرعلی‌نقی و بهمن سمیعی**

**کتاب و لوح فشرده «موسیقی رمضان در ایران»، یادگاری است از یک جشنواره فرهنگی بزرگ که در فایستان سال جاری به کوشش مرکز موسیقی حوزه هنری در تالار اندیشه برگزار شد. چند سالی است که به همت همین مرکز، برگزاری «جشنواره‌های موضوعی» مورد توجه پژوهشگران موسیقی نواحی قرار گرفته است و عده‌ای بدان نام «جشنواره‌های تخصصی» را داده‌اند. کتاب و لوح ضمیمه آن، به قول ویراستار کتاب، «صورت مکتوبی است از رویداد زنده آن جشنواره» و حاوی یک «الفحص میدانی» است که توسط پژوهشگری صاحبنام و مردم‌شناسی خبره و چیره، فراهم شده است.**

**کتاب به چند فصل تقسیم می شود و هر فصل شامل «زیر-مدخل»هایی است که معرف آن فصل هستند. فصول عبارتند از: آیین سحر، آوازهای نیمه ماه رمضان، آیین تربت زنی یا نقاره‌زنی در ایران، و بخش اضافات و حواشی و تعلیقات که شامل زیر-مدخل‌های متنوعی است. بخش آخر کتاب نیز اختصاص به «شنیده‌ها» دارد که در دیگر آثار هوشنگ جاوید هم خوانده می شود و از جذاب‌ترین بخش‌ها در کارهای تحقیقی اوست. چراکه هوشنگ جاوید از کارآزموده‌ترین محققان مردم‌شناس است و کمتر کسی به اندازه او سراسر ایران را گشته و کمتر کسی با این همه فرهنگ‌های گوناگون در نقاط مختلف ایران آشنایی دارد.**

**درباره موسیقی مذهبی ایران تاکنون کتاب‌های مختلفی منتشر شده است. هر کدام از این کتاب‌ها در سطحی از اهمیت هستند و هیچ‌کدام خالی از ارزش نیستند. زمینه‌های فرهنگی موسیقی مذهبی در ایران آنچنان گسترده است که برای دهها محقق دیگر از نسل‌های دیگر نیز جای کار و پژوهش دارد. مطلبی که باعث تأسف است از بین رفتن ساختارهای ایلی و بومی و روستایی است که تحول سریع شهرنشینی در ایران، این موضوع را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.**

**با مطالعه کتاب و شنیدن لوح صوتی «موسیقی رمضان در ایران» به سفری در آفاق دوردست معنوی می‌رویم. سفری به دیار گلبانگ‌های کهن، به صدای نقاره و کرنا و ساجات خوانی، سحری‌خوانی و مناقب‌خوانی و اشعاری که دیگر از زبان نسل بعد نخواهیم شنید. در این سفر است که می‌فهمیم روی چه گنجینه‌ای نشسته بودیم و از آن، و از ارزش‌های آن، خبری نداشتیم؛ درمی‌یابیم که فرهنگ‌های بومی ایران چقدر متنوعند و هیچ کشوری در سراسر جهان از این همه تنوع بهره‌مند نیست. به مؤلف آن، و به ناشر آن که تنها نهاد سیاستگذار موسیقی (در عرصه دولتی) است که به کار نشر و کتاب اهتمام جدی دارد، باید تبریک گفت و آرزوی انتشار دیگر کتاب‌هایی از این دست را داشت.**

کتاب

**کتابی تحلیلی در زندگی ناصرالدین شاه و پادشاهی ایرانی**

## «قبله عالم» منتشر شد

کتاب «قبله عالم» نوشته دکتر عباس امانت، مورخ و محقق صاحبنام ایرانی مقیم آمریکا با ترجمه حسن کامشاد از سوی نشر کارنامه به بازار کتاب عرضه شد.

نویسنده برای نگارش این کتاب از انبوهی از منابع اساسی درباره تاریخ سیاسی سلطنت ناصرالدین شاه فیش برداری کرده و همزمان در بسیاری از خاطرات خصوصی، یادداشت‌های روزانه و سفرنامه‌های آن زمان تورق کرده، تا تحلیلی جامعه شناسانه از زندگی اجتماعی و خصوصی ناصرالدین شاه به‌دست دهد.

به اعتقاد دکتر امانت؛ درگیری ناصرالدین شاه در امور حکومت باعث شد تا رد پای او در تمامی امور حکومت، از مسائل بسیار مهم گرفته تا موضوعات کاملاً پیش پا افتاده دیده شود.

در هم تنیده شدن جنبه‌های رسمی و غیررسمی زمامداری ناصرالدین شاه سبب شده است تا مورخ نه تنها در مورد شمول و سازماندهی تحقیق، بلکه در تلاش برای ترسیم مرزهای اقتدار و حدود مداخله شاه با دشواری‌های فراوانی در تحلیل و بررسی روبه رو شود.

جست‌وجوهای دکتر امانت در آثار دست اول دوره ناصری، وی را به این جمع بندی رسانده است که بخش درآمیختگی زندگی شغلی و خصوصی وی به رغم وجود اطلاعات سرشار و غنی در این زمینه همچنان نامکشوف مانده و کمتر مجال بروز و ظهور یافته است.

نویسنده با تکیه بر منابع دست اول عمدتاً ناشناخته و با قرائت تازه از روایات و اسنادی که پیش از این به کار رفته بودند سعی کرده فضایی تازه در زندگینامه نویسی در خاورمیانه و تاریخ نگاری در ایران معاصر ایجاد کند.

کتاب ۷۰۰ صفحه‌ای «قبله عالم» ضمن تحلیل نهاد سلطنت در دوران تاریخ نوین ایران به این پرسش پاسخ می دهد که «حکومت پادشاهی که خود تکیه گاه نظم سیاسی کهنی بود، چگونه چالش‌های داخلی و بین المللی را در عصر جدید تاب آورد و خود را با آنها وفق داد.

این کتاب همانند دیگر آثار نشر کارنامه از کیفیت بالایی در چاپ و صحافی و حتی نوع چینش حروف برخوردار است که محصول دقت و ظرافت‌های مینا گرانه محمد زهرایی، مدیر کهنه کار این نشر است.

## رفته‌ام خود را بیاورم

«رفته‌ام خود را بیاورم» عنوان مجموعه شعریست از آرش نصرت الهی که به تازگی در انتشارات فرهنگی ایلیا به چاپ رسیده است.

این مجموعه متشکل از ۵۹ شعر کوتاه است که معناگرایی شاعر در لابه‌لای هر کدام از اشعار به چشم می خورد. آرش نصرت الهی خود در مقدمه «رفته‌ام خود را بیاورم» گفته است: «من هم با ظهور معنا در حضور زبان مواقفم تا شعر حجمی همگن باشد با سرعت مطلوب حروف و آواهایی که ما را می خوانند...»!

فرهنگ ایلیا این مجموعه شعر را در ۱۵۰۰ نسخه و با قیمت ۸۵۰۰ ریال به بازار کتاب عرضه کرده است.

یادداشت

سیدابوالحسن مختاباد

### پیشنهادی برای کتاب‌های درسی آموزش و پرورش

# خروج از تصدی‌گری سخت‌افزاری

**نویسنده در این مقاله کوتاه به بحران‌های موجود در بازار نشر کشور اشاره کرده و از جمله آنها به بحران کمبود نقدینگی در نشر کشور پرداخته و یکی از راههای خروج از این بحران را واگذاری بخش سخت‌افزاری تولید کتاب‌های درسی به ناشران خصوصی می‌داند و معتقد است از این طریق هم بخشی از بحران نبود نقدینگی در نشر ایران و هم شعار خروج از تصدی‌گری دولت جامه عمل به خود می‌پوشد.**

### بحران نقدینگی

**اول**: آنهایی که در حوزه نشر و تألیف و تولید و توزیع کتاب در ایران فعالیت دارند و فراز و فرود آن را پی می گیرند، مطلعند که از جمله نقاط ضعف نشر ایران، کمبود نقدینگی است. این نقطه ضعف بزرگ سبب شده است تا بسیاری از ناشران شاخص و غیرشاخص به بدهی‌های فراوان و بالا دچار شوند و هر ساله و به دلیل بحران کمبود تقاضا این روند، سیر صعودی به خود گرفته و نشر کشور را با بحران‌های بیشتری روبه‌رو کرده و می کند.

بحران نقدینگی و نبود آن سبب شده است تا بسیاری از ناشران، یارانه‌ای را که به صورت کاغذ دریافت می کنند، به بازار برده و به فروش برسانند، (با قیمتی کمتر) و سپس همین کاغذ را چند ماه بعد از بازار آزاد به قیمتی افزون‌تر خریداری کنند. بحران کاغذی که از ابتدای سال ۱۳۸۳ تا به امروز دامن گیر نشر کشور شده و قیمت آن را در بازار آزاد تا سه برابر افزایش داده است، در اصل به دلیل کمبود نقدینگی نزد ناشران بوده است. در غیر این صورت ناشران کاغذ رانگه داشته و با آن کتاب چاپ می کردند و نه آنکه به بازار برده و به قیمتی ارزان‌تر به فروش برسانند.

### راه حل‌های مقطعی برای حل بحران

**دوم**: همین بحران کمبود نقدینگی سبب شده است تا دولت و بخصوص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از اواخر دهه ۷۰ بودجه‌ای را به خرید کتاب از ناشران اختصاص دهد. این بودجه که سالانه ۳ تا ۵ میلیارد تومان را شامل می شود، به مانند مسکنی عمل می کند که می تواند با تزریق اندکی پول (نقدینگی) به بازار نشر کشور نشر نیم‌مرده را از وضعیت بحرانی و رو به موتش نجات بخشد.

همچنان که ۳ تا ۵ میلیارد تومان پولی که آموزش و پرورش همزمان با هفته کتاب به خرید کتاب از ناشران و توزیع در مدارس اختصاص می دهد، نیز چنین کارکردی را پیدا کرده است. به این معنی که بسیاری از ناشران سر رسید چک‌های خود را نیز با زمان خرید کتاب آموزش و پرورش از آنها تنظیم می کنند و هر گونه اخلال یا دیر کرد در پرداخت این مبلغ فشاری مضاعف است بر نشر و ناشران کشور.

شاید بخشی از دغدغه‌های ناشران و نیز نهادهای صنفی آنها از جمله اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، که در نامه‌های سرگشاده به وزیر آموزش و پرورش، خواستار شفاف سازی در خرید کتاب از ناشران می شوند، نتیجه همین کمبود نقدینگی و نیاز آنها به چنین رقم‌هایی باشد. حال در نظر بگیرید که میزان خرید (چه از سوی کمیته خرید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و چه از سوی مسؤولان آموزش و پرورش) از هر عنوان عددی بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ و در نهایت ۱۰۰۰ نسخه است که در معادلات جهانی نشر، شمارگان بسیار پایینی است و اصولاً قابل اعتنا نیست. اما همینکه ناشران و نهادهای صنفی برای تقسیم و خرید عادلانه از اینگونه مراکز از آنها چنین دغدغه‌هایی دارند و برای رسیدن به آن به نهادهای صنفی خود متوسل شده و بر آنها فشار می آورند که سامانه خرید را به سمت شفاف‌تر شدن افزون‌تر سوق دهند، از وجود بحران در نشر کشور حکایت می کند.

### کردش مالی نشر ایران

**سوم**: از سوی دیگر بنا به آمارگیری نمونه‌ای که ماهانه نشر در ایران رقمی بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد تومان است(۱) که تمامی حرف و مشاغل وابسته به نشر نیز در گردش چنین رقمی دخیل و سهیم‌اند.

### گرایش مالی نشر کتاب‌های درسی

**چهارم**: بنا بر یک پژوهش منتشر نشده که از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۰ صورت گرفته است(۲) رقمی بین ۳۵۰ تا ۴۲۰ میلیارد ریال با نرخ ارز یارانه‌ای و ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ میلیارد ریال، با نرخ ارز آزاد از سوی دولت صرف تولید و توزیع کتاب‌های درسی مقاطع مختلف می شود.(۳) و در این مسیر نزدیک به ۵۰ هزار تن هم کاغذ مصرف می شود.(۴)

جدول زیر تعداد عناوین و شمارگان کتاب‌های درسی در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ را نشان می دهد

برابر آمار ارائه شده در این جدول شمارگان کتاب ۱۶۹ میلیون کتاب را شامل می شود. آن هم برای ۱۰۸۷

| ردیف | دوره تحصیلی | تعداد عناوین | شمارگان کتاب‌ها |
|---|---|---|---|
| ۱ | ابتدایی | ۳۷ | ۲۵/۲۷۱/۰۰۰ |
| ۲ | راهنمایی | ۴۶ | ۶۱/۴۵۰/۰۰۰ |
| ۳ | متوسطه نظری | ۱۰۵ | ۴۴/۸۷۳/۵۰۰ |
| ۴ | پیش‌دانشگاهی | ۲۹ | ۶/۷۸۵/۰۰۰ |
| ۵ | متوسطه فنی و حرفه‌ای | ۶۳۵ | ۸/۶۰۰/۰۰۰ |
| ۶ | تربیت معلم | ۳۳۵ | ۲/۰۸۰/۰۰۰ |
| | جمع | ۱۰۸۷ | ۱۶۹/۱۵۹/۵۰۰ |

عنوان؛ که متوسط شمارگان هر کتاب نزدیک به ۱۷۰ هزار می شود. در نظر بگیرید همین رقم را با متوسط شمارگان کتاب در بازار کتاب ایران که در حالت خوشبینانه بین ۳ تا ۵ هزار در نوسان است.

### خروج از تصدی‌گری

**پنجم**: در نهایت و با توجه به اینکه یکی از برنامه‌های دولت خروج از تصدی‌گری و سپردن امور به بخش خصوصی است، پرسشی به ذهن متبادر می شود که چرا وزارت آموزش و پرورش بخش‌های تولید و توزیع سخت‌افزاری کتاب‌های درسی را به بخش‌های خصوصی، نمی‌سپارد. اگر چه در کشورهای دیگر، چون ژاپن و چین و حتی غرب تألیف و تدوین کتاب‌های درسی هم با ناشران و مؤلفان بخش

خصوصی است و آموزش و پرورش این کشورها، تنها معیارها و ملاک‌های تألیف و تدوین کتاب‌ها را اعلام می کند، اما با توجه به اینکه هنوز در کشور ما، چنین ذهنیتی وجود ندارد و تا رسیدن به آن مرحله راه درازی در پیش داریم، نمی توانیم با سپردن امور سخت‌افزاری، همانند آماده‌سازی کتاب، تولید و توزیع کتاب به ناشران و بخش خصوصی از یک سو قدمی در راه خروج از تصدی‌گری داریم و از دیگر سو بحران کمبود نقدینگی در بازار نشر ایران (بخصوص بخش خصوصی) را نیز تا حدود زیادی برطرف سازیم.

البته این کار می تواند به صورت مرحله به مرحله صورت گیرد، برای مثال در سال نخست بخش ابتدایی و یا حتی بخشی از این مقطع و در سال‌های بعد چاپ و توزیع مقاطع دیگر به ناشران خصوصی سپرده شود.

به نظر می رسد تأمل در این باره و رایزنی با نهادهایی چون اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران و جست‌وجوی راه‌حلی منطقی برای چنین انتقالی بتواند هر دو منظور را برآورده سازد.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱- بیشترین فروش ناشران در ایام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حاصل می شود که بنا به گفته اکثر ناشران معتبر یک ماه فروش آنها در حالت عادی در ۱۰ روز فروش نمایشگاه اتفاق می افتد. بر چنین بنیانی اگر متوسط فروش ماهانه ۱۵ میلیارد تومان باشد، نشر کشور در سال نزدیک به ۱۸۰ میلیارد تومان فروش برخوردار است، مقایسه این رقم با هزینه چاپ و توزیع ۳۵ تا ۴۲ میلیارد تومانی (به ارز یارانه‌ای) و ۱۲۰ تا ۱۴۰ میلیارد تومانی (به ارز آزاد) که رقم اختصاص داده شده برای تولید و چاپ کتاب‌های درسی است، نشان می دهد که اگر این رقم به بدنه نشر کشور تزریق شود، چه ثمراتی خواهد داشت.

۲- پروژه پایدارسازی کتاب درسی در ایران، مهدی نوید، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران ۱۳۸۰.

۳ و ۴- همان.

# چشم‌انداز بیست ساله تفسیر

نشست بررسی چشم‌انداز بیست ساله تفسیر هفته گذشته در حوزه علمیه قم برگزار شد. در ابتدای این نشست که به همت دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم حوزه علمیه قم و انجمن قرآن‌پژوهی برگزار شد، حجت‌الاسلام محمدعلی رضایی، ضمن بازخوانی مواردی از طرح چشم‌انداز تفسیر گفت: در این جلسه نمی‌خواهیم زحمات گذشتگان از مرحوم شیخ طوسی و طبرسی تا مفسرین بزرگ معاصر را نادیده بگیریم، بلکه می‌خواهیم وضعیت موجود را بشناسیم و بیست سال آینده را هم ترسیم کنیم و راهکار ارائه دهیم. رضایی افزود: پیشنهاد این است که سهم قرآن در حوزه باید حداقل ۲۵ درصد باشد در حالی که طبق آماری که معاونت آموزش حوزه ارائه کرده است، تنها ۳ درصد از طلاب جذب رشته تخصصی تفسیر می‌شوند.

حجت‌الاسلام فاکر میبدی دیگر سخنران این نشست بود که با اشاره به کارهای خوبی که در گذشته در مسیر بحث‌های تفسیری، تفسیرنگاری و مباحث علوم قرآنی انجام گرفته اذعان داشت: تأسیس رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن در حوزه علمیه، در واقع حلقه‌ای است برای ارتباط کارهای گذشته و برنامه‌های آینده. فاکر تأکید کرد: قبل از انقلاب برنامه جدی، منسجم و هدفمندی برای پرورش و آموزش تفسیر به اندازه اهتمام بزرگان به فقه و اصول نبود. در حالی که در طول قرن‌ها به طور متوسط هر ده سال یک تفسیر ارائه شده است؛ یعنی از زمان شیخ طوسی که یک تفسیر جامع قرآن در حوزه شیعی نوشت تا تفسیر نمونه. فاکر افزود: از سال ۱۳۷۰ با تأسیس رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، برای نخستین بار در تاریخ حوزه حدود ۵۰ نفر از کسانی که مستعد و آماده مباحث قرآنی بودند، به طور تخصصی شروع به کار کردند. ما در این روند ابتدا طلایی را پذیرش می‌کردیم که دو سال در درس خارج شرکت کرده بودند، اما با پیگیری‌هایی که انجام شد، نظام تک مقطع رشته تخصصی تفسیر، به نظام مقاطع یعنی سطح ۲ یا کارشناسی، سطح ۳ یا کارشناسی ارشد و سطح ۴ یا دکتری تبدیل شد و در حال حاضر ۲۵۰ نفر در مقاطع مختلف این رشته در حال تحصیل هستند.

حجت‌الاسلام سید منذر حکیم نیز گفت: ما در آسیب‌شناسی وضعیت تفسیر، از لایه‌های رویی و پوسته شروع کردیم و از ریشه به مسائل نگاه نکردیم. نکته دیگر، پاسخگویی به این پرسش است که اساساً چرا ما باید دنبال تحول و تکامل در رشته تفسیر باشیم؟ اول باید هدف نهایی معلوم شود بعد دنبال راهکار باشیم. به نظر من هدف نباید این باشد که فقط یک رشته علمی گسترش یابد و شعاع گسترده‌تری پیدا کند. هدف عام این است که تحولی درونی در میان پیروان قرآن و عموم مردم ایجاد کنیم و هدف خاص این است که دانش‌آموختگان و فرهیختگان علوم قرآنی با تکمیل و توسعه این رشته، بیشتر و عمیق‌تر به قرآن بپردازند و تحولی درونی در آنها ایجاد شود. نکته دیگر این که باید بررسی کنیم چرا حوزه‌های علمیه دچار این آسیب شده؟ در حالی که آغاز تحول و نهضت تولید علم از عصر پیامبر (ص)، خود قرآن بود؛ فهم و تفسیر قرآن، اساس به وجود آمدن حوزه‌های علمیه شد و قرآن مهمترین منبع علمی مسلمانان بود. اما کار به جایی رسید که همین قرآن در حوزه مظلوم شد.

حجت‌الاسلام عقیقی بخشایشی سخنران دیگر این نشست با اشاره به وجود آیات متعدد قرآنی به‌عنوان شاهد مثال در کتب ادبیات حوزه خاطرنشان ساخت: من در کتاب سیوطی به جای استناد به سخن دانشمندان ادب و لغت در رابطه با مای موصوله، مبتدا و خبر و غیره، حدود ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ آیه قرآن آوردم. زیرا معتقدم طلبه از همان ابتدا که می‌خواهد ادبیات یاد بگیرد، خوب است با قرآن پیش برود.

عقیقی بخشایشی با اشاره به نسبت‌هایی که به شیعه در ارتباط با قرآن وارد می‌کنند گفت: این که می‌گویند پیروان اهل بیت قرآن را رها کردند، تهمت بزرگی است و ما باید به نوعی این تهمت را بزداییم. اهل سنت بیش از ۲۵ نوع معجم نگاری کرده‌اند، در حالی که شیعه در زمینه تفسیر و توجه به قرآن فعالیت‌های بسیاری داشته؛ اما این کارهای ارزشمند آنچنان که شایسته بوده معرفی نشده است. وی انتشار مجموعه طبقات مفسران شیعه را گام اول برشمرد و اظهار امیدواری کرد در آینده نزدیک گام‌های بهتری برداشته شود.

دکتر معموری سخنان خود را در سه محور توسعه، تعمیق و نشر بیان کرد و با اشاره به محور تعمیق گفت: نکته مهمی که اشاره به آن ضروری است، عدم دسترسی به آثار قرآنی مستشرقان و آثار قرآنی غیر فارسی و عربی است. البته من پیشنهاد می‌کنم آثار عربی را هم به این قسمت اضافه کنند زیرا زبان عربی جدید، با زبان عربی سنتی تفاوت‌های جدی دارد و فارغ‌التحصیلان حوزه برفرض که زبان عربی را هم خوب یاد بگیرند، تازه می‌توانند تفسیر مجمع‌البیان و مانند آن را بخوانند؛ اما کارهایی که درصد سال اخیر در جهان عرب و به تعبیر دقیق‌تر در جهان اسلام غیر از ایران صورت گرفته، به زبان عربی جدید است و طلاب در این جهت به شدت دچار مشکل هستند. به نظر من در این زمینه، هم باید سیاستگذاری جدی شود.

دکتر معموری دومین نکته مورد توجه را احیای شاخه مطالعات قرآنی گذشته ذکر کرد و افزود: شاخه‌های مطالعات قرآنی فراوانی در گذشته داشته‌ایم که امروزه منسوخ شده و اصلاً در مورد آنها بحث نمی‌شود، ما متأسفانه به پاره‌ای از این میراث غنی توجه داریم، اما بخش‌های مهمی از آن را به طور کلی فراموش کرده‌ایم. مثلاً مطالعات عددی که در حوزه متون مقدس صورت می‌گیرد و در سده‌های اول، ابوهی از این مطالعات را در اختیار داریم؛ از قاسم بن سلام و ابوعبید گرفته تا براع، صاحب معانی القرآن، تا محمد بن مثنی صاحب ذوی القرآن و ابوعبیده و کارهای مفصل دیگری که در حوزه مطالعات عددی صورت گرفته است.

متأسفانه امروزه اسامی اینها برای طلبه‌ها غریب است. یا مباحثی مثل معانی القرآن، غریب القرآن، مشکل القرآن که بندرت مورد توجه است و بیشتر به نظر می‌رسد، جنبه‌های خطابی و تبلیغی قرآن مورد توجه قرار می‌گیرد. یا حوزه قرائات که ۱۰۰۰ سال است پرونده‌اش بسته شده، یعنی بعد از ارائه نظریه قرائات سبعه ابن مجاهد که در قرن چهارم ارائه گردید.

این کارشناس علوم قرآنی، مطالعات فرهنگی و تاریخی پیرامون متن قرآن را به عنوان بخش دیگر سخنان خود مورد توجه قرار داد و افزود: ما نمی‌توانیم این را انکار کنیم که این متن قرآنی در یک دوره تاریخی خاص نازل شده، البته نمی‌خواهیم بحث جاودانگی قرآن را زیر سؤال ببریم، اما به هر حال، مثل‌هایی که خداوند به کار می‌برد و قصه‌هایی که بیان می‌کند، قطعاً باید برای شخص معاصر قابل فهم و درک باشد. خداوند سخنی را مطرح نمی‌کند که برای مخاطب اولی و مشافهین او قابل فهم نباشد. یعنی هیچ سطحی از فهم مخاطبان را شامل نشود. مثلاً بحث معربات، این که بعضی کلمات قرآن غیر عربی است و از فرهنگ دیگر آمده؛ این کلمه در چه دوره‌ای وارد کلام عربی شده، معاصر نزول بوده یا قبل از آن؟ اگر معاصر عصر نزول بوده، تلقی که از این کلمه در آن فرهنگ مبدأ وجود دارد، آیا می‌تواند در فهم ما از قرآن تأثیر بگذارد؟ یا بحث لغات؛ در عصر نزول چیزی به نام صرف و نحو و دستور زبان عربی وجود نداشت. مجموعه‌ای از گویش‌های پراکنده بود و گویش‌ها گاهی اوقات با همدیگر از لحاظ دستوری تفاوت زیاد داشتند.

گذشتگان در این زمینه‌ها بشدت توجه داشتند. از زمان ابن عباس، این توجه را می‌بینید و این توجه در موارد زیادی واقعاً تأثیر می‌گذارد. ذهنیت‌ها به طور کامل در قرآن نیامده و نمی‌شود بیاید، وضعیت موجود و فضا را باید از اطلاعات تاریخی که در این زمینه وجود دارد، استنباط کرد. سده نخست هم خیلی اهمیت دارد از این جهت که پایگاه تمام مطالعات بعدی بوده و وقتی می‌بینیم درباره یک موضوع، آثار فراوانی معرفی می‌شود و در ارتباط با موضوع دیگر، هیچ اثری معرفی نمی‌شود. نشانه آن است که در آن چند سده، این شاخه علوم قرآنی مطرح نبوده و این، تا حدی اصل اعتبار و پایگاه این بحث و رشته را مشکوک می‌کند.

دکتر معموری با اشاره به اغراض و اهداف مستشرقان از تحقیقات قرآنی گفت: بعضی از آنها بشدت مشتاق قرآن بوده‌اند و حتی مسلمان شده‌اند و برخی مسلمان نشده‌اند، اما می‌شود اشتیاق به قرآن را از عمق قلب او و آثارش درک کرد. تعداد آثار آنها هم از چند ده هزار گذشته و چهارصد سال در این زمینه کارهای جدی انجام داده‌اند. من پیشنهاد می‌کنم، روش‌ها و زمینه‌هایی که خاورشناسان کار کرده‌اند را به صورت یک مطالعه تطبیقی با قرآن انجام دهیم.

متأسفانه یک متخصص تفسیر و علوم قرآنی ما، در تمام عمرش ممکن است یک صفحه تورات و انجیل نخوانده باشد. ما اعتقاد داریم تورات و انجیل تحریف شده، اما به هر حال قرآن ما سخنی را که در این کتاب آمده یا تأیید کرده یا انکار. به نظر من همان گونه که بحث عصر نزول را باید جدی گرفت، مطالعات تطبیقی متون مقدس را هم باید جدی گرفت؛ به ویژه با توجه به پایان منشرک ادیان ابراهیمی.

دکتر معموری در ادامه سخنان خود به جایگاه قرآن در تاریخ یا قرآن در باستان‌شناسی اشاره کرد و گفت: در مورد خیلی از اقوامی که در قرآن فقط اسمی از آنان می‌خوانیم مثل قوم عاد، هود، ثمود و بنی اسرائیل، در برخی کتاب‌های تفسیری مجموعه‌ای از ظرفات و اساطیر نوشته شده که خیلی از آنها برخواسته از آثار خود اهل کتاب است و از اسرائیلیات به شمار می‌رود. مطالعات باستان‌شناسی جدید کمک زیادی کرده در این که بدانیم منطقه عاد و ثمود کجا بوده، احقاف کجاست و چه زندگی داشته، از چه قومیتی بوده‌اند و چه فرهنگی داشته‌اند. این اطلاعات می‌تواند به شناخت مسائل قرآنی کمک زیادی کند. علاوه بر این که ممکن است یک خاورشناس، از باستان‌شناسی استفاده کرده و نتیجه بد گرفته باشد. معنای آن الزاماً این نیست که روش باستان‌شناسی ما را به یک نتیجه منفی و نادرست و غلط می‌رساند.

معموری به ترجمه آثار قرآنی پرداخت و تأکید کرد: به جای نهضت ترجمه آثار قرآنی دیگران به زبان فارسی، خوب است آموزش زبان را ترویج کنیم. پروفسور ایزتسو که مطالعات قرآنی بسیار ارزشمندی دارد و جزو خاورشناسان مغرض به شمار نمی‌رود، به ۱۱ زبان زنده و مرده جهان تسلط داشته و این تسلط او کمک فراوانی به او داشته تا یک مطالعه معنی‌شناسی بسیار ارزشمندی درباره مفهوم قرآنی ارائه دهد. این کار محالی نیست، اما متأسفانه چون ما در این زمینه کار جدی نکرده‌ایم، تصورش برایمان، دشوار است. این کارشناس علوم و معارف قرآنی به جایگاه و نقش روش، در پژوهش‌های قرآنی اشاره کرد و افزود: ما هنوز ابزار و روش‌های صحیح و کارآمدی، در اختیار دانش‌پژوهان قرآن قرار نداده‌ایم و به همین دلیل به شدت احساس نقص و کمبود می‌شود.

دکتر معموری با نگاهی اجمالی به جایگاه نشر در مطالعات قرآنی کشور، تصریح کرد: هنوز یک نشریه تخصصی مطالعات قرآنی در ایران وجود ندارد. نشریات موجود بیشتر تبلیغی و ترویجی است و هیچ نشریه‌ای نیست که کار تحقیقی و پژوهشی صرف، انجام دهد. در مورد فناوری اطلاعات هم با وجود اطلاعات متنوع در حوزه علوم قرآنی و تفسیر، نبود راهکاری برای طبقه‌بندی اطلاعات در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و علوم انسانی که بتواند کاربر را خیلی راحت به بحث مورد نظر برساند و نه صرفاً ارائه طریق، مشکل ساز شده است و کارها عمدتاً سلیقه‌ای است. به نظر من طراحی موتورهای جست‌وجو (search) و نرم‌افزارهایی در این زمینه از کارهایی است که باید صورت بگیرد.

معموری در ارتباط با تألیف متون علمی یادآور شد: تألیف متون علمی هر چند تا سطحی؛ قابل قبول است، اما این یک آفت است که محقق بخواهد مطالعات خود را با یک متن تطبیق دهد. این نوعی ایجاد محدودیت برای شخص است. متن محوری مجامع آکادمیک بشدت مورد نقد است و به جای آن پژوهش محوری مطرح است. یک محقق در دو واحد، باید تعداد زیادی از منابع را ببیند و مستقیماً به آنها دسترسی داشته باشد. نه با نقل قول و یا واسطه. به نظر من در ارتباط با پژوهش محوری و ترویج مطالعات میان‌رشته‌ای، کار بسیار ارزشمندی می‌توان در حوزه انجام داد که شاید دیگران این زمینه و امکان را ندارند. یک فارغ‌التحصیل دانشگاه در رشته علوم قرآنی، هیچ اطلاعات فلسفی، فقهی و اصولی ندارد و حال آنکه در حوزه این مطالعات میان‌رشته‌ای می‌تواند تأثیرگذار باشد.

معموری در پایان به مسأله فیلترینگ در مباحث پژوهشی اشاره کرد و گفت: ما قبول داریم که بسیاری از افکار و اندیشه‌ها در صحن عمومی جامعه نباید مطرح شود، اما جایی که کسی چند سال درس خارج شرکت کرده و در حد اجتهاد مطالعات فقهی دارد، نباید برای او چیزی به نام فیلتر وجود داشته باشد. متأسفانه هنوز در طرح بعضی از اندیشه‌ها که الزاماً هم نادرست نیست، مثل اندیشه‌های سنتی، اندیشه معتزله و... نوعی فیلترگذاری و ممنوعیت وجود دارد. رفع این مشکل هم می‌تواند، شکوفایی بیشتری در مطالعات علوم قرآنی ایجاد کند.

گزارش

فرزاد خلفی نورآبادی

## سید محمود سجادی: شاعر:

# مهم رساندن شعر به مخاطبان است

**برای دیدن سیدمحمود سجادی چشمانم جلوتر از پاهایم حرکت می‌کرد. درست هفت سال پیش، نه گویی همین هفت روز پیش بود که مجموعه مقالات و سخنرانی‌هایی را که در نشست‌های دانشجویی ارائه کرده بودم برای ویرایش پیش سیدمحمود سجادی در کتابخانه مرکز تحقیقات کشاورزی دزفول بردم. کسی که روزگار اخوان، فروغ، شاملو و مهستر از همه نیما را درک نموده اما بالغ بر سه دهه است که از نشر کتاب‌های شعرش خودداری کرده است. کسی که اخوان ثالث در کتاب «بدعت‌ها و بدایع» او را فرزند نیما خوانده، است و بر اثر وسواسی که به سراغش آمده در طول این سی و سه سال دفتر شعری را به دست ناشر نسپرده است و وقتی نام وی را روی جلد کتابی با عنوان «رنج‌های شاعران» می‌بینم سراغش را می‌گیرم تا از گذشته‌های شعر و رنج‌های شاعری بگوید.**

### نوجوانی و کندوهای بی‌شهد

سیدمحمود سجادی متولد اهواز در سال ۱۳۲۲ است. پدرش از مجتهدین بنام خوزستان بود. نوجوانی شاعر با پیری مجتهد، سجادی را به حال و هوای نیم‌قرن پیش می‌برنم. سال‌های دوران نوجوانی تا از شاعری و خاطرات کودکی خود بگوید. وی اعتقاد دارد که شاعر شدن زمان خاصی ندارد. بارقه‌ای در انسان دمیده می‌شود، جلوه‌ای از شعور.

سجادی می‌گوید: «بدون تردید ژنتیک و زمینه‌های خانوادگی هم در شاعر شدن بی‌تأثیر نیست. کما اینکه مادر تاریخ ادبیات بسیاری پدر و پسر شاعر داریم که نمونه آن «جمال‌الدین عبدالرزاق» و «کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی» که هر دو در عرصه ادبیات منظوم صاحبنام هستند. اما این حکم کلی نیست و نسل بسیاری از شاعران را منقطع دیده‌ایم.»

سجادی در خصوص زمینه‌های شعر خانواده و اجداد خود می‌گوید: «جد اعلای من مرحوم سیداسماعیل دزفولی شاعر بود. پدرم نیز که عالم و مجتهد بودند شعر می‌گفتند. بسیار کودک بودم که با شعر آشنا شدم و زمزمه‌های پدر از مثنوی مولانا را به یاد دارم. با آنکه روحانی و مجتهد بود اما بسیار حافظ‌دوست بود و ابیات زیادی از حافظ را به عنوان شاهد مثال در مطوی کلام خود می‌آوردند.»

سیدمحمود سجادی شرح قصه کودکی خویش آغاز می‌کند. روی صندلی‌اش آرام و قرار ندارد و بر می‌خیزد و قدم‌زنان می‌گوید: «طفل بودم که حرف‌های منظومی زدم و برای پدر خواندم. در ستایش معلم بود و پدرم نیز آفرین گفت. درست سال‌های اول دبیرستان بودم که با نیما یوشیج آشنا شدم. ابتدا شعرهای نیما مرا از خودمی ترساند. سر از توللی، نادرپور و مشیری درآوردم که بیان ساده‌تر داشتند. اولین شعر خود را برای مجله «امید ایران» فرستادم که مسؤول صفحات ادبی آن فریدون کار بود و کتابی از خودبه نام تلخ برایم فرستاد و شعر را در مجله‌اش چاپ کرد. دقیق نمی‌دانم، حدود سال ۱۳۳۶ خورشیدی بود. همان سال‌ها که با شعرهای فروغ آشنا شدم که در مجله «امید ایران» چاپ می‌شد. اتفاقاً در آن سال‌ها فروغ اهواز بود و همسرش پرویز شاپور سرممیز دارایی اهواز و کامیارش توی کالسکه.

اولین دفتر شعر سجادی در سال ۱۳۳۹ چاپ شد. وقتی که ۱۷ سال بیشتر نداشت. سیدمحمود سجادی می‌گوید: «کندوهای بی‌شهد» اولین مجموعه شعر من بود که خیلی به آن علاقه ندارم. آن وقت بچه بودم و این کتاب در ۵۰۰ نسخه به وسیله یک کتابفروشی در اهواز چاپ شد. آن موقع همه همکلاسی‌هایم کتاب شعرم را خریدند.»

وی در ادامه می‌گوید: «همزمان با کتاب «کندوهای بی‌شهد» شعرهایم در مجلات آژنگ، ماهشاد و خوشه که صفحات ادبی خوبی داشتند چاپ می‌شد.»

### آموزگار ساده روستا

سیدمحمود سجادی بعد از اخذ دیپلم به دانشکده ادبیات شیراز می‌رود و با اساتیدی همچون دکتر لطفعلی صورتگر، دکتر عبدالوهاب نورانی وصال، دکتر پورالدخت شجیعی، فریدون توللی و دکتر یحیی ماهیار نوابی آشنا می‌شود. اما فضای حاکم بر فجایع خرداد ۴۲ رژیم پهلوی، سجادی را از دانشکده ادبیات شیراز به خدمت نظام وظیفه کشاند تا به جای قلم و کتاب دستانش تفنگ و فشنگ را بیازماید. او پس از فراغت، آموزگاری را در قالب سپاه دانش تجربه کرد و در روستای قلعه شیخ دزفول کتاب شعری را به نام «میکائیل و گاوآهن مغموم» منتشر کرد. اشعاری که با خود حال و هوای طبیعت و روستا را داشت. یادم نمی‌رود که از وی چنین شنیدم «اسب سپید من/ از گرمی نوازش دستم جدا مشو/ یامن آموزگار ساده‌ام/ این روستا بساز/ دیدی که پشت مزرعه را یونجه کاشتم.»

سیدمحمود سجادی خود پیرامون انتشار این کتاب، نقدها و حرف و حدیث‌هامی گوید: «فضای ساده، صمیمی و ناتورالیستی کتاب جالب به نظر می‌آمد اما به کارگیری بعضی واژگان عربی و تا حدی غیرمتعارف، انتقاد بعضی از منتقدین را برانگیخت اما چه می‌کردم که آن واژه‌ها ملکه ذهنم شده بود.»

وی همچنین می‌گوید: «قبل از کتاب «میکائیل و گاوآهن مغموم» مجموعه‌ای از دوبیتی غیرپیوسته کاری مشترک راتحت عنوان «قندیل» در اهواز چاپ کردیم. آن موقع من و محمد ایوبی که نویسنده و شاعر بود و با نام «م.پرستو» شعر می‌گفت به اتفاق سیروس مشفقی این کتاب را در ۱۰۰۰ نسخه منتشر کردیم که خیلی سریع مخاطب پیدا کرد و به فروش رفت.»

**درکشوری که ناصرخسرو، سنائی، عطار، مولانا، حافظ و سعدی تا برسیم به نیما، امید، شاملو، سهراب و فروغ دارد هر شاعری نمی‌تواند عرض‌اندام کرده و شعر خود را تثبیت کند**

### ازنفس کریه تا شعرجنوبی

سیدمحمود سجادی سپس به حضور در دانشگاه اصفهان و تحصیل در رشته زبان و ادبیات انگلیسی اشاره می‌کند و می‌گوید: «در اصفهان با محمد حقوقی و اصحاب جنگ اصفهان آشنا شدم. افرادی چون ابوالحسن نجفی، دکتر جلیل دوستخواه، هوشنگ گلشیری، محمد کلباسی و دکتر هراند فوکاسیان که وی مترجم ادبیات منظوم ارمنی بود. سجادی علاوه بر دوران دانش‌آموزی و آموزگاری که دو کتاب شعرش را منتشر کرده بود در دوران دانشجویی به فکر انتشار اشعار جدیدش افتاد و دفتر شعری با به نام «ناموموبایی نفس گریه» که متأثر از یک ضربه تأثرآور خانوادگی بود منتشر کرد. در ماههای آخر تحصیل در دانشگاه اصفهان کتابی را که برگرفته از ۵۰ شعر بود با عنوان «شعر جنوبی» و به عنوان آخرین اثر انتشاریافته یعنی در سال ۱۳۵۰ روانه بازار کرد. سجادی درباره کتاب شعر جنوبی می‌گوید: «شعر جنوبی مورد توجه چهره‌های برجسته‌ای چون دکتر رضا براهنی، منوچهر آتشی، خسرو گلسرخی، علی باباچاهی و دیگر اصحاب ادب قرار گرفت و بر آن مطالبی نوشتند اما از آن تاریخ به بعد کتاب شعری از من منتشر نشد و شعرهایم در مجلات ادبی چاپ می‌شد.»

### کتاب و مجله فرقی نمی‌کند

علل تأخیر سی ساله در نشر آثار سجادی سؤالی است که به سراغ ما می‌آید. از وی می‌پرسیم آیا می‌توان گفت رکود؟ یا نه. سجادی خود می‌گوید: «واژه رکود را قبول ندارم. از کتابسازی متنفرم. میل داشته و دارم که اشعارم به دست مخاطب برسد. به سردبیران و گردانندگان صفحات ادبی اعتماد دارم و مهم، رساندن شعر به مخاطب است فرقی نمی‌کند مجله یا کتاب.»

وی با انتقاد از برخی اصحاب شعر و ادب که کمتر به خودمی‌پردازند می‌گوید: «وقتی می‌بینم بعضی از دوستان که شاعران خوبی هم هستند به گردآوری و تهیه گزینه، بحث و بررسی درباره شعرهای دیگران می‌پردازند آرزو می‌کنم که‌ای کاش آنها بیشتر به نقد و بررسی درباره شعرهای آثار خود بپردازند. نتیجه آن همین بازار آشفته‌ای است که اینک بر کتاب کشور حاکم است و طیف امیدوارکننده‌ای به وجود نیاورده است. انگیزه‌های مادی و یامراتب اداری باعث می‌شود که بعضی از اهل قلم ما به فکر بالا بردن آثار خود به وسیله تصحیح، تألیف و تدوین باشند. کتاب‌هایی را می‌بینم به نام تصحیح و یا تألیف در بازار توزیع شده است که نه تنها کمکی به نویسنده اصلی کتاب نمی‌کند بلکه باعث گمراهی مخاطب هم می‌شود.»

### رنج شاعران دلشوره باشکوه

سجادی اخیراً کتابی با عنوان «رنج‌های شاعران» پس از سه دهه فاصله‌گیری از نشر، راهی بازار کتاب کرده است. او هدف از نگارش این کتاب را ادای دین به شاعران ایران‌زمین عنوان می‌کند و می‌گوید: «طیف وسیعی از شاعران ایران علیرغم همه مشکلات و گرفتاری‌های مادی و رنج‌های روحی به کارهای بزرگی دست زده‌اند و دلشوره با شکوهی را که به همراه داشته‌اند از دست نداده‌اند. شاعران ما بایک جرقه بی آنکه خود بخواهند در مسیر شعر می‌افتند و تا آنجا که شعر بخواهد کشانده می‌شوند. شاعران، رنج دیدگان زمین‌اند و مظلومانی نازنین و به قول حافظ: «وما کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم/ که در طریقت ما کافری است رنجیدن.»

وی محورهای اصلی کتاب را که بدان پرداخته است حول مسائل خانوادگی، اجتماعی، معیشتی و سیاسی شاعران می‌داند و می‌گوید: «شعر گفتن یکی از سترگ‌ترین فعالیت‌های فکری هنرمند است و انسانی که تعادلی واژه حقیقی سیال، پرشکوه و تأثیرگذار را می‌سازد کار کوچکی نکرده؛ رنج شاعر از نفسانیات و روحیات خود و تعارض آن با روحیات دیگران ناشی می‌شود. برای همین بسیاری از شاعران ما متزوی و دلتنگ هستند. علت همان تفاوت و تمایز نفس و روح آنها با دیگران است. راستی چرا بسیاری از شاعران ما زندگی خانوادگی مرتبی ندارند. بسیاری از شاعران کنونی ما سال‌ها از همسر خود جدا شده‌اند. بخشی از رنج‌های شاعران مرتبط با مسائل جامعه است. جامعه ما هنوز از شعر و شاعری شناخت درستی ندارد. گاه شاعر را تبل و مفتخور قلمداد می‌کنند. اما اگر نگاهی به تذکره‌ها و تاریخ ادبیات روزگاران ما انداخته شود می‌بینیم که شاعران ما یا کلیددار بوده‌اند یا کتابدار، یا نانوا بوده‌اند و یا باغدار. ما شاعر مفتخور نداشتیم اگر بوده‌اند شاعر نبوده‌اند. به قول آن عالم بزرگ: دزدی بوده که به کسوت شاعری در آمده است.»

سجادی به محورهای دیگری از کتاب رنج‌های شاعران اشاره می‌کند و می‌گوید: «افکار، عقاید و نگاه فلسفی و عرفانی شاعران گاهی با جریان‌های متعارف روز در تعارض بوده است و در تاریخ شاهد بودیم که شاعرانی بر سر دار رفتند، تعزیر و تکفیر شدند و اهانت‌های زیادی به شاعران روا داشتند. مثلاً هانتی که به مقبره حافظ کردند و یا تشکیک‌هایی که راجع به دین حافظ شد. همین منصور حلاج نام‌آور که بر دار رفت، شعری گفت که دیگران نمی‌فهمیدند او چه می‌گوید. در تعارض با حکومت‌های زمانه نیز شاعران رنج‌ها و محنت‌های فراوانی به دل خریده‌اند. تعداد زیادی از شاعران ما از مسعود سعد سلمان و خاقانی گرفته تا فرخی یزدی و میرزاده عشقی که در اثر مبارزات با دستگاههای حاکم و مستبد به زندان افتادند، ترور شدند و دهانشان دوخته شد. شاعران یا باید مطیع حکومت می‌شدند یا باید زندان را برمی‌گزیدند.»

سیدمحمود سجادی به ترور شخصیت شاعران نیز توجه دارد و می‌گوید: «متأسفانه دقیقی شاعر را برای آنکه به آبرو و حیثیت وی لطمه وارد کنند او را به همجنس‌بازی متهم کردند و کاری کردند تا به دست غلامش کشته شد یا بعضی از شاعران ما علاوه بر ترور فیزیکی و شخصیتی مجبور به مهاجرت و تحمل دیار غربت شدند.»

### شعر دیروز و امروز ندارد

سیدمحمود سجادی در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود نگاهی به وضعیت شعر معاصر دارد و در خصوص شعر دهه هفتاد و دهه هشتاد می‌گوید: «البته شعر، دیروز و امروز ندارد. هر زمانی، شعر خاص خود را دارد. اما کمتر زمانی از ایران را پیدا می‌کنید که از شعر به طور کلی خالی باشد. فراز و فرودهایی داشته‌ایم و موج‌های پرقدرت جنگ‌ها و تجاوزات روی شعر و شاعر اثر گذاشته است، اما هیچ وقت این بیشه بدون شیر یا پلنگ نبوده است. گرچه ممکن است پلنگ چرتی بزند و برای مدت کوتاهی خواب برود. مرحوم بهار می‌فرمودند: «ما ملت سرراهی نیستیم.» ما ملتی تاریخدار هستیم و قطعاً تاریخ ادبیات ما بسیار غنی است. جنگ روی شعر اثرات منفی و مثبت گذاشت. یک جریان به نام شعر جنگ و یا شعر مقاومت به وجود آمد. حتی غزل که لیریک‌ترین و عاشقانه‌ترین قالب شعر است در خدمت مفاهیم خشن و گاه خونین جنگ درآمد اما با پایان جنگ وضع آرام شد و یک آرامش دلنشین بر جوّ شعر حاکم گشت.»

سیدمحمود سجادی با پلی که به تاریخ ادبیات ایران می‌زند پیوند آن را با شعر معاصر ناگسستنی می‌داند و می‌افزاید: «کشوری که ناصرخسرو، سنائی، عطار، مولانا، حافظ و سعدی تا برسیم به نیما، امید، شاملو، سهراب و فروغ را دارد هر شاعری نمی‌تواند عرض‌اندام کرده و شعر خود را تثبیت کند. اگر من از نوعی شعر لذت نمی‌برم نه به خاطر ضعف آن شاعر بلکه به خاطر ملاک‌هایی است که در ذهنم پرورانده شده است. تاریخ طولانی شعر ما مانند نورافکنی می‌تابد و بالطبع چراغ‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. شعر دهه هفتاد با همه کش و قوس‌هایش تمام شد. پست‌مدرن‌ها، شاعران شعر سفیدند. سپید یعنی سفیدی‌اش را بخوان، شعر شفاهی، شعر فاصله و همه اینها در حال فروکش کردن است و من به شعر دهه هشتاد امیدوار هستم و با اطمینان می‌گویم شعر این دهه که تحت تأثیر طیفی خارجی قرار ندارد می‌تواند جای خود را باز کرده و هویت خود را به منصه ظهور برساند.»

### شعر را دولتی و سفارشی نکنیم

سجادی با انتقاد به روند دولتی کردن شعر و یا شعر

سفارشی می گوید: «بیایم شعر را خیلی دولتی نکنیم؛ بیایم شعر را خیلی مجلسی و سفارشی نکنیم و بگذاریم شاعر باشد و شاعر بماند. فرهنگ شعری همراه با ذوق شعری به کمک فرد بیاید. شاعری که ذوق شاعری دارد اما فرهنگ و میدان واژگانش محدود است نمی تواند موفق باشد. چرا که شعر مؤلفه پیچیده‌ای دارد که عوامل متعدد آن را تشکیل می دهد. اگر چه عظیم است اما نباید از آن ترسید بلکه باید با آن دوست شد. ما همه کسانی هستیم که باقی غزل مولانا را می سراییم که خود سروده است:

باقی این غزل را ای مطرب ظریف
آنسان همی سرای که آنسانم آرزوست

آنگونه بسرایم که نمیای نام آور از «بوش» آرامگاه ابدی اش به مالبخند بزند و فرشته شعر دامن از ما نکشد.»

**آثار در دست نشر**

سیدمحمود سجادی در بخش پایانی صحبت های خود سخن از چاپ و نشر آثار این سال ها به میان می آورد و می افزاید: «مقالاتی پیرامون شعر معاصر و با عنوان «اندکاری شعر معاصر» را به همراه کتاب دیگری به نام «شعر فریاد یا شعر اعتراض» به انتشارات نوید شیراز سپرده‌ام و همانگونه که از نامش پیداست به مسؤولیت و تعهد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شعرای ایران در طول تاریخ می پردازد و از مبارزات شاعران با حکومت های زمان خود بحث می کند.» سجادی که این سال ها به تحقیق و پژوهش در ادبیات معاصر رو آورده است به کتاب دیگر خود به نام «هسته و هستی غزل» اشاره دارد و می گوید: «غزل، قالب دوست داشتنی و آشنا علیرغم طیف پرقدرت شعر

**شاعری که ذوق شاعری دارد اما فرهنگ و میدان واژگانش محدود است نمی تواند موفق باشد. چرا که شعر مؤلفه پیچیده‌ای دارد که عوامل متعدد آن را تشکیل می دهد**

نیمایی و سپید توانسته باقی بماند، نفس بکشد، زندگی کند و مورد بررسی قرار بگیرد. غزل معاصر مدیون غزل سرایانی چون پژمان، امیری فیروزکوهی، ابتهاج، سیمین بهبهانی، عماد خراسانی و حسین منزوی است و من در این کتاب به شکل مفصل به غزل پرداخته‌ام و نمونه های خوبی از غزل های آنان را عرضه کرده‌ام. در این کتاب نیز عوامل تاریخی و اجتماعی در تکوین و تشکیل اوزان مختلف و درون ساخت های مختلف غزل را بر رسیده‌ام.»

سجادی به کتاب دیگر خود به نام «ادبیات عامیانه و فرهنگ مردم» اشاره می کند و می گوید: هسته اولین این کتاب مقاله‌ای بود که برای کنگره بزرگداشت مرحوم «سیدمحمدعلی امام» فولکلوریژوه آماده کرده بودم که متأسفانه با فوت ناگهانی امام کار بزرگداشت متوقف ماند و این مقاله در کیهان فرهنگی چاپ شد و پس از آن مقالات دیگری تحت عنوان پژوهش در فرهنگ عامه در یک مجموعه ۱۰۰۰ صفحه‌ای آماده شده است.

سجادی به تشریح مباحث این اثر می پردازد و می گوید: «پیرامون فرهنگ توده قبل از اسلام تاکنون، متل، مثل، بازی های کودکان، داستان های عامیانه چون داراب نامه، فلک نازنامه، فتوت نامه، چهل طوطی، چهار درویش و... مورد بررسی همه جانبه قرار گرفته است.»

وی همچنین به چاپ مجموعه شعرهای خود که آمیخته با دلشوره و وسواس چهل سال پیش تاکنون است توجه دارد و می گوید: «چهل سال پیش در گفت وگو با مجله فردوسی گفته بودم ترجیح می دهم فقیر باشم اما شاعر باشم، گرفتار باشم اما شاعر باشم. مجموعه‌ای از چهل سال شعر سرایی به نام «ابامهر به گلدشته بنگر» را قصد دارم منتشر کنم. مجموعه‌ای دیگری به نام «باتوی بیقراری» شعرهای جدید و عمده چاپ نشده مرا در برمی گیرد که آن را نیز منتشر می کنم و به وسواس چندین ساله خود پایان می دهم.»

یادداشت

علی الله سلیمی

# ادبیات مهاجرت؛ کتابی تازه

**«شالی به درازای جاده‌ی ابریشم»، مهستی شاعرخی، نشر ورجاوند، چاپ اول، ۱۳۸۳، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۴۴ صفحه، ۱۱۰۰ تومان.**

بتازگی در بخش رمان ایرانی کتاب «شالی به درازای جاده‌ی ابریشم» به قلم مهستی شاعرخی توسط نشر ورجاوند در تهران چاپ و منتشر شده است. این کتاب در تقسیم‌بندی موضوعی ادبیات داستانی معاصر ایران، در ردیف ادبیات داستانی مهاجرت قرار می گیرد. ادبیاتی که چند سالی است در ایران در حال شکوفایی است.

مهستی شاعرخی در رمان «شالی به درازای جاده‌ی ابریشم» برداشت های ذهنی خود را با واقعیت موجود در رابطه با ازدواج ناکامی در غربت به تصویر کشیده است. کتایون زن جوان ایرانی است که برای تحصیل به خارج از کشور می رود، در بحبوحه تحصیل با مردی به نام «جان» (خوان، ژان، یان، یوحنا) آشنا می شود و ازدواجی زودهنگام بین آن دو صورت می گیرد. در واقع طرح اصلی داستان از این به بعد شروع می شود. کتایون با یک ذهنیت کاملاً شرقی به سراغ این ازدواج رفته است در حالی که در ذهن «جان» تصورات دیگری از این ازدواج در حال شکل گیری است. در طول روایت رمان با توجه به زاویه دیدی که نویسنده انتخاب کرده، شخصیت زن در مقام اول شخص و راوی حوادث داستان قرار می گیرد. قصه اصلی را شخصیت زن (کتایون) برای مخاطب روایت می کند و در این صورت طبیعی است که زن بی گناه جلوه داده شود. از منظر کتایون حوادث داستان می توانست رویکرد دیگری داشته باشد. البته اگر به میل او (کتایون) روند قصه پیش می رفت. شخصیت «جان» در این داستان برای مخاطب شخصیتی بوالهوس، بی مسؤولیت، بی عاطفه و... توصیف می شود. چون در طول روایت داستان، شخصیت «جان» همواره غایب است. چنین اتهاماتی به راحتی از جانب راوی به وی نسبت داده می شود. در حالی که در پایان داستان با مرور حوادث به وقوع پیوسته، مخاطبان به راحتی درمی یابد که در این داستان آدم گناهکار به معنای واقعی کلمه وجود ندارد. واقعیت از ابتدای شکل گیری قصه چنان عریان است که دیگر نیازی به فریب آدم ها توسط دیگری نیست. اگر به ابتدای آشنایی «جان» و «کتایون» در کتاب توجه کنیم به راحتی درمی یابیم که واقعیت امر چه بوده است و در نهایت برداشت هر یک از این شخصیت های متضاد از منظر تفکر و اندیشه چه سرانجامی را برای آنها رقم زده است. آشنایی آنها به ساده‌ترین شکل ممکن به وقوع می پیوندد: از جلوی نقاشان میدان ترافالگار عبور می کنم، نگاهم بر روی نقاشان دوره گردیست که مشغول کشیدن پرتره توریست ها هستند. ناگهان مرد غریبه‌ای دستم را می گیرد و قبل از اینکه فرصت کوچک‌ترین عکس العملی داشته باشم، مرا با خود می کشد: «خدای من! خواهش می کنم لطفاً برای یک پرتره با من بیایید!... لطفاً!»

سعی می کنم دستم را از میان پنجه هایش بیرون بکشم.

-«آقا! چکار می کنید! دستم... دستم را ول کنید!»

-«آقای نقاش لطفاً پرتره‌ای از من و زنم بکشید!... می بینید که زنم عجله دارد»

-«اینکه مسأله‌ای نیست، خب با هم آشنا می شویم! خب الان باید چکار کنم؟... از مادرتان اجازه بگیرم؟... یا اینکه از پدرتان؟ و یا...»

-ولی شما، حتی نظر مرا نپرسیدید؟ (ص ۱۳۴)

در عرض چند ثانیه و بعد از رد و بدل شدن چندین دیالوگ دیگر آشنایی آنها شکل می گیرد. و به این صورت قدم های اولیه و اصلی برای ازدواج آن دو برداشته می شود. مرد غریبه (جان) از نقاش دوره گردی می پرسد: «آقای نقاش آیا می توانید با کشیدن تصویری، من و زنم را ابدی کنید؟ آیا می توانید؟»

نقاش می گوید: «امان از دست این توریست ها!... البته امزدش پانزده پاوند می شود.» نقاش ریشو با قلمش به من اشاره می کند: «خانم آیا حاضرید طرح شما را با این آقا بکشم؟

مرد غریبه می گوید: «بگو که حاضری. بگو! لطفاً... خواهش می کنم!»

«چر که نه!» شانه هایم را بالا می اندازم و می خندم.» (ص ۱۳۵)

به این ترتیب آنها در کنار هم قرار می گیرند. مخاطب هوشیار به راحتی می تواند پایان این آشنایی زودهنگام را که خیلی سریع به ازدواج آنها منجر شده پیشاپیش حدس بزند. در چنین طرح داستانی، گسست پیوندی به این زودهنگامی تقریباً امری طبیعی است.

جان به این آشنایی به صورت عمیق و ریشه‌ای نگاه نمی کند. او برای مقاطعی از زندگی روزمره‌اش به این آشنایی و در نهایت ازدواج نیاز دارد. از دید جان این ارتباط تنها برای پر کردن خلأهای به وجود آمده در زندگی او است و بعد از مدتی به راحتی

می تواند به آن پایان داد.

اما کتایون شخصیت محوری داستان به این ارتباط نگاه دیگری دارد. او با آنکه در میان افرادی مثل جان زندگی می کند ولی ذهنیت و نگاه شرقی و ایرانی خود را دارد. کتایون از این آشنایی به صورت فرصت طلبانه‌ای سود می برد. او عمداً و به صورت تعمدی از جان حامله می شود. کتایون در نظر دارد از جان یک مرد زندگی به تمام معنا بسازد در حالی که ماهیت جان این تفکر را برنمی تابد. اصلاً جان برای این کار ساخته نشده. او به قول کتایون در مقابل زنانی با موهای مشکی توان مقاومت ندارد. زنان موشکی هر کدام برای مدتی برای جان تازگی دارند و در این راستا توقع کتایون طبیعی جلوه نمی کند. زمانی که کتایون حامله است و این موضوع را به جان اطلاع می دهد. عکس العمل جان با توجه به روحیه‌ای که دارد طبیعی است ولی این موضوع را کتایون نمی خواهد باور کند. مجموع رمان از زاویه نگاه کتایون به سرزنش جان می پردازد. اما مخاطب هیچ گاه نمی تواند با کتایون هم داستان شود چرا که به این داستان می توان از زاویه های دیگری هم نگاه کرد. اگر از منظر جان همین داستان یک بار دیگر مرور شود آنگاه وضعیت موجود فرقی خواهد کرد. نویسنده نتوانسته موضع بی طرفانه‌ای در این داستان داشته باشد. کل وقایع داستان برای تظهیر شخصیت زن (کتایون) روایت می شود، در حالی که چنین زاویه بسته‌ای امروزه برای مخاطبان داستان زاویه جالب و پسندیده‌ای نیست. «شالی به درازای جاده‌ی ابریشم» یک نگاه زنانه به حوادث و اتفاقاتی است که در سرزمین های دور و بیگانه در جست وجوی بینش و ذهنیت ایرانی است. مهستی شاعرخی قلم توانایی در نگارش حس های زنانه و بخصوص مادرانه دارد. حس هایی که برای مخاطب شرقی بخصوص ایرانی محترم و عزیز است. ولی باید توجه داشت بستری که برای بروز این احساس ها فراهم می شود باید قابلیت درک چنین احساس های مادرانه را داشته باشد.

بعد از خواتش رمان، مخاطب همواره نویسنده این رمان را سرزنش می کند که چرا در طول روایت داستان عملاً از شخصیت زن داستان طرفداری می کند. شخصیت زنی که در موقعیتی متضاد دنبال تفاهم‌هایی است که عملاً قابل دسترسی نیستند. بسترسازی طرح رمان این موضوع را مطرح می کند. البته مهستی شاعرخی در انتخاب عنوان داستان به توهمات موجود در ذهن شخصیت زن داستان اشاره می کند. او شالی را می بافد به درازای جاده ابریشم. آن هم از مجموع خیالات و توهمات ذهنی خود که در عالم واقع سریع رنگ می بازند و تنها در تاریکخانه ذهن زن قابل ردیابی هستند.

زبان یاکیزه مهستی شاعرخی به او این توانایی را داده که مخاطب را تا سطرهای پایانی رمانش همراه داشته باشد. این امتیاز کمی نیست اما مخاطب در آثار بعدی طبعاً توقعات بی شماری خواهد داشت چراکه نویسنده زمینه های چنین توقعاتی را در این اثر فراهم کرده. شالی به درازای جاده‌ی ابریشم اندوه بی پایان زن معاصر ایرانی است که در مواجه با جهان بیرون دچار تضادهای بی شماری می شود. داستان زنی که به اقتضای زمانه پا از مرزهای جغرافیایی بیرون می گذارد. اما تاب و مقاومت در شرایط غیر را برنمی تابد. شاید این موضوع (زیستن در غربت) هنوز برای زن ایرانی جانیفتاده است چراکه این موضوع در ایران عمر چندانی ندارد.

## کتاب

### نعل در آتش

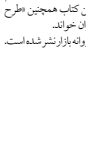

«نعل در آتش» عنوان مجموعه داستانی است از احسان سهل البیع که توسط انتشارات آرویج به چاپ رسیده است.

«نعل در آتش» شامل پنج داستان کوتاه با عناوین «داستانی که آخرین بندش را به صورت اولین گستاخی من انداخت»، «دنیای رویا»، «کیاتانا»، «مراسم» و «از آخرین باری که به دنیا آمده‌ام بیست سال می گذرد» است. در این کتاب همچنین طرح یک فیلمنامه» از سهل البیع را می توان خواند.

این کتاب به بهای ۶۰۰ تومان روانه بازار نشر شده است.

### دو کتاب از سازمان چاپ و انتشارات

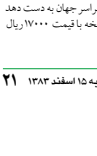



دو کتاب جدیدی که سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عرضه کرده است «مدیریت و رهبری شهردار نیویورک» و «شناسنامه خبرگزاری های جهان» نام دارند.

«مدیریت و رهبری شهردار نیویورک» کتابی است نوشته رودلف دبلیو جولیانی که توسط محمدکاظم و محمد ایمانی ترجمه شده است. این کتاب ادامه ترجمه و تدوین کتاب «رهبری» نوشته رودلف دبلیو جولیانی شهردار شهر نیویورک است که در سال ۲۰۰۲ کتاب پرفروش سال شد. این کتاب با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۷۰۰۰ ریال عرضه شده است.

کتاب «شناسنامه خبرگزاری های جهان» تألیف گیتا علی آبادی و عباس اسدی، عنوان دیگر کتاب این سازمان است و بر آن است تا فهرستی از خبرگزاری های فعال در سراسر جهان به دست دهد و به طور گذرا، پیشینه و زمینه تخصصی هر کدام را معرفی کند. این کتاب در ۱۵۰۰ نسخه با قیمت ۱۷۰۰۰ ریال به بازار نشر عرضه شده است.

یادداشت

مجید آل ابراهیم

## پنجشنبه تاریخی و روشن

پنجشنبه سیزدهم اسفند، رئیس جمهور و وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به همراه دیگر اعضای هیأت دولت که نقشی در پژوهش‌های کشور دارند به سعدآباد رفتند تا اولین جلسه شورای عالی تحقیقات و فناوری را برگزار کنند. این همان شورایی است که قانونش مدت‌ها مابین دولت و مجلس و شورای نگهبان در حال رفت و آمد بود و معین برای اجرایی شدنش عطای میز وزارت را بر لقایش بخشید.

این شورا و قانونی که بر اساس آن چنین شورایی تشکیل شده است، وظایفی را بر عهده دارد که شاید مهمترینش سامان‌دهی وضعیت آموزش عالی و پژوهش در کشور باشد. ایجاد ارتباط منطقی و حذف کارهای موازی و نهادها و سازمان‌های غیر ضروری در راستای سرعت بخشیدن به فرآیند پژوهش و هزینه کردن اعتبارات در جای صحیح و منطقی از پیامدهای اجرای این قانون است.

نکته جالب این است که برخلاف رویه معمول که سازمان‌ها و نهادهای دولتی در مقابل ادغام و کوچک شدن مقاومت انجام می‌دهند، این بار حتی پیش از تصویب نهایی قانون، همه مسؤولان با اشتیاق به دنبال اجرایی شدن آن بودند و همکاری گسترده‌ای را نیز با شورای تحقیقات و فناوری می‌کردند که حاصل آن سند ملی نانو فناوری و زیست فناوری بود.

چنین همکاری را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که عامل اصلی این همگرایی درک مسؤولان کشور در ایجاد تحولی بنیادی در بخش پژوهش کشور باشد. پیش از این نیز گفتم که احساس می‌کنم کشورم از مرحله طفولیت در حال گذر است اگرچه این گذر کند است ولی نشانه‌های امیدوارکننده‌ای دارد که اگر به دور از پیش‌داوری‌ها به آن نگاه کنیم به آینده امیدوارتر می‌شویم. امروز بعضی از مسؤولان حتی اگر عملکردشان بر مبنای روش سعی و خطا باشد و اهمیتی به علم و دانش ندهند حداقل سعی می‌کنند در ادبیات خود واژه‌هایی از جنس پژوهش و تحقیق را نیز بگنجانند. نسلی که می‌آید و هم‌اکنون آماده به‌دست گرفتن فرمان و ایفای نقش خود است تفاوت‌های آشکاری با نسل‌های پیشین دارد و حرکت‌هایی همانند واقعه پنجشنبه سعدآباد، کمترین اثرش همانا تندتر شدن روند دگرگونی‌های آینده است و سریعتر شدن حرکت این نسل در ایجاد تحولات خوب است. خوش خیال یا بهتر بگویم خیال‌پرداز نیستم (اگرچه آنکه خیال و رویا ندارد زنده نیست)، انتقادات زیادی دارم که بارها از طریق همین ستون چه با لحن طنز و چه تلخ بیان کرده‌ام، به چیزی هم که می‌نویسم اعتقاد دارم و تغییر ذائقه هم نداده‌ام.

نگاهی به گذشته بیندازیم، چندان دور نشویم، همین چند سال پیش را می‌گویم، که برای گفتن حرفی از علم و نشر علم باید مدت‌ها به دنبال مطلب دندانگیری می‌گشتی و در نهایت به گله‌گذاری مطلب را ختم می‌کردی. ولی امروز از روندها و خطاها می‌گویی و تغییرات را هر روز به چشم می‌بینی.

دوستی می‌گفت که ما در ایران علم نداریم و سند حرف خود را گله‌های استادی فرهیخته قرار می‌داد. برای او امروز می‌نویسم تا توسعه یافتگی و چیزی که باید باشیم فاصله بسیار داریم ولی اینکه بگوییم روزگارمان سیاه است، واقعاً بی‌انصافی است. سند من مستندانی است که مراجع معتبر علمی بین‌المللی منتشر می‌کنند و در آنجا می‌بینی که چه حرکتی شده و چه نتایجی را به دنبال داشته است.

سیاه دیدن بسیار ساده‌تر از روشن‌بینی است چه در سیاهی چیزی نمایان نیست که بخواهی وصفش کنی. اینکه در کتاب هفته، نشریه‌ای تخصصی در باب کتاب، صفحه‌ای به علم و گفتن از آن اختصاص یافته است یا در نشریات روزانه بخش یا صفحه‌ای به نام علم می‌بینی، چه معنایی دارد؟ دوست عزیزم آیا می‌دانی که همسایگانمان چه وضعیتی دارند؟ آری حق با توست من هم انتقاد می‌کنم و گاهی هم فریاد می‌زنم ولی من از نبود علم گله نکرده‌ام از بی‌توجهی به آن می‌نالم.

عزیزم می‌دانم حرکت‌ها بسیار کندند می‌دانم واقعه پنجشنبه گذشته تا بخواهد نتایج ملموس به بار بیاورد زمانی بسیار را طلب می‌کند ولی آیا اینگونه کارها را در یک دهه پیش می‌توانستی حتی به خواب ببینی؟

من هم نگرانم ولی در عین حال امیدوار و خوشحال؛ نگران از اینکه کسانی که این حرکت را شروع کرده‌اند فقط به ظاهر نپردازند و امیدوار و خوشحال از اینکه نسل جدیدی که در راه است، آنهایی را هم که اهل راه رفتن نباشند با خود خواهد برد.

کتاب

# رفع استرس با کتاب

مسائل روانشناختی برای شناسایی و کاهش رنج‌های بشر و افزایش توانایی‌های او از جمله موضوع‌های مورد توجه محققان و همچنین عامه مردم است؛ از این روست که همواره کتاب‌های مرتبط با این رشته از جمله پرفروش‌ترین و پرطرفدارترین کتاب‌ها هستند و باز به همین دلیل است که بازار نشر اینگونه کتاب‌ها پر است از کتاب‌های شبه روانشناسی با عنوان‌های عامه‌پسند و حتی گاهی عجیب و غریب که اغلب آنها توجیه علمی هم ندارند.

وقتی از کنار ویترین کتابفروشی‌ها عبور می‌کنی بیشترین کتاب‌هایی که جلب توجه می‌کنند همین کتاب‌های روانشناسی هستند که ادعا دارند شما می‌توانید در ۱۰ دقیقه یا با ۱۰ روش پیشنهادی آنها به فردی موفق، خوشبخت یا ثروتمند تبدیل شوید و صدها و هزارها کتاب دیگر با موضوع‌هایی از همین قبیل که نتیجه مطالعه آنها چیزی جز ساده‌نگری در مورد علم روانشناسی نیست و هر کسی فکر می‌کند که با خواندن این کتاب‌ها می‌تواند یک روانشناس باشد.

در کنار موضوع‌های ساده کتاب‌های روانشناسی، کتاب‌های تخصصی‌تری درباره استرس، افسردگی، ترس و... نیز وجود دارد که آنها هم به علت درگیری بسیاری از افراد جامعه با اینگونه مشکلات مخاطبان زیادی دارند.

افسردگی، اضطراب و... از بحث‌های مهم روانشناسی‌اند که به عقیده کارشناسان این حوزه بخشی از آنها متأثر از تغییرات متعدد و بزرگی است که در عصر ما رخ می‌دهد. پیشرفت‌های مختلف علمی و صنعتی در زمینه تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات باعث می‌شود ملت‌ها و فرهنگ‌ها به هم نزدیک شوند که این عامل مهمی برای رشد آنها محسوب می‌شود و از طرفی این رشد سریع بحران‌هایی را به دنبال خواهد داشت زیرا بسیاری از افراد آمادگی پذیرش ناگهانی

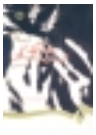

تغییرات را نخواهند داشت و فشارهای وارده به آنها می‌تواند خودش را به‌صورت استرس، افسردگی و... نشان دهد.

انتشارات سمت نیز در همین رابطه کتابی با عنوان شیوه‌های درمانگری، اضطراب و تنیدگی (استرس) را در سال ۸۲ منتشر کرده است که مؤلفان آن دکتر مسعود جان‌بزرگی و ناهید نوری هستند.

این کتاب یکی از منابع درسی دانشجویان رشته روانشناسی محسوب می‌شود که برای روانشناسان بالینی، روانپزشکان، مددکاران اجتماعی و مشاوران و روان درمانگران نیز قابل استفاده است. کتاب حاوی ۳۸۲ صفحه است و مطالب آن در ۵ فصل تحت عنوان‌های زیر تنظیم شده‌اند:

۱-اضطراب، انواع درمانگری‌های رفتاری و خودنظم جویانه

۲- درمانگری اضطراب با روش تنش‌زدایی تدریجی عضلانی

۳-درمانگری رفتاری-شناختی با شن‌بام

۴-درمانگری عقلانی-هیجانی-رفتاری الیس

۵-درمانگری چند بعدی لازاروس.

در کل مؤلفان کتاب کوشش کرده‌اند خواننده را با مجموعه‌ای از فنون درمانگری آشنا کنند و با استناد به مفاهیم نظری و پژوهش‌های انجام‌شده حد تأثیر این روش‌ها و مشکلات خاص مانند اضطراب و تنیدگی را نیز برجسته سازند؛ البته با تمام ویژگی‌های این کتاب در بعضی جهات از انتشارات سمت که ناشری تخصصی در حوزه کتاب‌های علوم انسانی است توقع بیشتری می‌رود. به‌طوری که من به‌عنوان یک مخاطب عام انتظار دارم که حداقل اینگونه کتاب‌ها بر اساس تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در داخل کشورمان باشند و مطمئناً مطالبی می‌توانند راهنمای مناسبی برای استفاده روانشناسان و روانپزشکان ایرانی باشند که بر پایه مطالعات صورت گرفته از جامعه خودمان باشند؛ چراکه مسائل و مشکلات روانشناسی همگی ناشی از شرایط محیطی و اجتماعی هستند. البته این به آن معنا نیست که از تجربه‌ها و تحقیقات دیگران استفاده نشود، ولی آنچه که واضح است شیوه‌های درمانگری ارائه شده توسط آنها بر اساس مطالعه و تحقیق در جوامع دیگر -با تفاوت‌های بسیار- است.

مطالب کتاب نشان‌دهنده این است که این کتاب نتیجه گردآوری و ترجمه تعدادی از مقالات علمی است. هرچند تعدد منابع - به‌ویژه منابع لاتین- از جمله نکات مثبت است ولی از سوی دیگر بسیاری از منابع استفاده شده مربوط به سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ است.

منابع فارسی نیز بسیار محدودند و مربوط به دهه ۱۳۷۰ می‌شود که این امر نیز نشان‌دهنده ضعف تحقیقات در حوزه علوم انسانی در کشورمان است.

انتشارات سمت به‌طور عام و این کتاب به‌طور خاص انتظاراتی را در مخاطب به‌وجود می‌آورد که متأسفانه پاسخ خوبی به آنها داده نشده است. البته باید از یکسونگری هم پرهیز کرد و تلاش مؤلفان این اثر را قابل تقدیر دانست ولی برای مبارزه با کتاب‌های شبه علمی و گاه ضدعلمی که به وفور در بازار نشر راه پیدا کرده‌اند لازم است که حداقل نه از نظر تعداد بلکه از لحاظ کیفیت و محتوا کتاب‌هایی را تولید کرد که مورد اقبال واقع شوند. جمع‌آوری و ترجمه و ویرایش و در نهایت تنظیم چند مقاله کار مهمی است و تأثیرگذار هم خواهد بود، اما اگر به داخل و نیاز آن هم توجه می‌شد....

## دو کتاب از مرکز نشر دانشگاهی

«شبیه‌سازی‌های الکتریسیته و مغناطیسی» و «فیزیک جدید» عنوان دو کتاب جدیدی است که مرکز نشر دانشگاهی به تازگی راهی بازار نشر کرده است. «شبیه‌سازی‌های الکتریسیته و مغناطیسی» یکی از مجموعه نه‌تایی کتاب «نرم‌افزاری است که اتحادیه تهیه نرم‌افزارهای فیزیکی در سطح پیشرفته تهیه کرده است. این کتاب که به همراه یک CD ارائه می‌شود به شبیه‌سازی‌هایی چون تحلیل میدان‌های برداری و نرده‌ای، قانون گائوس، حل معادله پواسون روی یک شبکه و... پرداخته است. ترجمه این کتاب توسط داود صالحی نیا انجام شده است. «فیزیک جدید» نوشته «رونالد گاتر و ویلیام ساوین» است که با ترجمه بهرام معلمی منتشر شده است. این کتاب شامل شش فصل است و هر فصل مشتمل بر ارائه فشرده و موجزی از اصول و محتوای یک بحث خاص است و در ادامه آن تعداد زیادی مسأله کاملاً حل شده آمده که شرح و بسط طبیعی آن مبحث‌اند و آن اصول را تشریح می‌کنند.

## راهنمای تدریس و حل‌المسائل مقاومت مصالح

راهنمای تدریس و حل‌المسائل مقاومت مصالح نام کتابی است نوشته دین پیرسون آیدایک که با ترجمه دکتر علیرضا نداف اسکویی، مهندس سیدمحمدرضا امام و مهندس عسگر آجودانی منتشر شده است.

در این کتاب که به سبکی متفاوت از سایر کتب حل‌المسائل به نگارش درآمده است، روش تدریس کتاب اصل مقاومت مصالح بیان شده و مسائل کتاب به سه دسته تقسیم شده‌اند که حل هر یک از این سه دسته به یادگیری و کسب مهارت‌های لازم توسط دانشجو کمک می‌کند و به نوعی می‌توان گفت مخاطبان اصلی این کتاب مدرسان مقاومت مصالح می‌باشند.

کتاب به فصول جداگانه تقسیم شده است که هر کدام بیان‌کننده موضوعات بوده و یک یا چند تئوری را در برمی‌گیرد و در هر فصل مسائل نمود و تعداد زیادی مسأله جهت حل آورده شده است.

مسائل مطابق با مطالب درسی متناظر با آنها و به ترتیب افزایش پیچیدگی دسته‌بندی شده‌اند و مسائلی که توجه خاصی را می‌طلبند با علامت ستاره مشخص شده‌اند.

تعداد فصول این کتاب ۶ فصل می‌باشد که در هر فصل مسائل مختلفی در ارتباط با عنوان فصل حل شده‌اند. در فصل اول مسائل تنش مورد بررسی قرار گرفته است و فصل دوم به حل مسائل تنش و کرنش و فصل سوم به حل مسائل پیچش اختصاص دارد.

در فصل ۴ حل مسائل خمش خالص و در فصل ۵ مسائلی در مورد تحلیل و طراحی تیرهای تحت خمش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل ۶ به حل مسائل تنش‌های برشی در تیرها و عضوهای جدار نازک می‌پردازد.

کتاب حاضر در ۷۱۸ صفحه با شمارگان ۱۷۰۰ نسخه توسط مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین و با قیمت ۶۵۰۰۰ ریال در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است.

ضمناً طبق توصیه مترجمین، دانشجویان عزیز هرگز قبل از فکر کردن در مورد مسائل و اقدام به حل آن به کتاب حل‌المسائل مراجعه نفرمایند.

سرگذر

سهیل محمودی
Sohail_mahmoudi@yahoo.com

# برای سنگ‌های پرنده

## همزمان و همزبان باپاسُ داشت سلمان هراتی در تنکابن

در خیابان کسانی هستند اکه به آدم نگرانی تعارف می کنند اامامن ا که دغدغه خوشبختی اُم نیست ابه شادی این خوشبخت‌های کوچک می خندم اپس می اِیم با زنیطهانی ا تو انه و آویشن او مردانی را سلام می دهم اکه تو را در تقنی خود دارند او یک لبخند تو را اِبه هر از بار عافیت محض از جیح می دهند اکسانی که از هم می پرسند ا «چگونه هوز زنده ایم؟» انشاط سرود هایم را حفظ می کنم او توانه هایم را از زیبایی می اکنم او با تمام حنجره‌های صبور اُو از می خوانم انشاط سرود هایم را «حفظ می کنم امان اُفتاب و مردم را» می رویم او توانه هایم را که از امید سرشار ند او در جیبشان می ریزم او در سبدهای خالی شان ا در دلشان:

**زنده‌باد سلمان هراتی**

شعرهای زنده‌یاد سلمان هراتی، در دهه شصت، و بهترین نمونه از یک روح دردمند و جست‌وجوگر، بر این دو کلمه هم تأکید می‌ورزم: «دردمند» و «جست‌وجوگر».

که برخی به بهانه دردمندی و تعهد و سفارش اجتماع بودن شعر، به مکتوب کردن یک مشت شعار سیاسی- اجتماعی- و در شکل منفی آن- حزبی پرداخته‌اند. و برخی نیز عکس این، به نام شعر و شعریت، شعر ناب و شعر فراملکی و فرازمانی و با سودای خام جاودانگی، جست‌وجو را بیهانه کردند؛ و رفتند در پیله فردیت- و در شکل منفی آن- انانیت خود، حصاری از غریزه و بر نفس خویشتن تنیدند.

و سلمان نه سودای مثلاً جاودانگی‌های متقلب روزگار را داشت، و نه می‌خواست بارکشی کند و بلندگوی منشی شعار منظوم و شبه شعر باشد.

به زلال‌ترین کشف‌های شاعرانه دست یافته بود. و در اوج شکوه و خلسه شاعرانه خود در وحدت با اشیاء و طبیعت، به دست‌های پینه بسته‌ای می‌اندیشید که در کنارش منتظر مرهمی، چشم به کلمات او دوخته‌اند.

و من فکر می‌کنم، آن استعداد جوان سال‌های نیمه اول دهه شصت- یعنی سلمان هراتی- با آن خلاقیت شانه به شانه با نبوغ، حق آن «دردمندی» و این جست‌وجوگری» را به جا آورد. نمونه‌اش برای هر خواهنده، سه کتاب از او باقی مانده. یکی «از آسمان سبز». که در جیانش چاپ شد. و دو دیگر «از این ستاره تا آن ستاره». برای کودکان. که باز با حضور خود او چاپ شد. و سوم، «دری به خانه خورشید». که پس از سفر سبز او، حسن حسینی و قیصر امین‌پور و وحید امیری، سامانی به شعرهای چاپ نشده و به جا مانده از او بخشیدند. و منتشر کردند.

جایی خواندم که به مُدی که در این سال‌ها رایج شده، دختر خانمی از سرلطف، او را «شاعر ایدئولوژیک» خوانده بود. و این، از آن کلاههاست، که برخی دوستان می‌خواهند بر سر شاعران «دردمند و جست‌وجوگر» بگذارند. که ارزانی خودشان باد. چه کلاه بگذارند. و چه کلاه بردارند. یعنی معترضان نتوانسته‌اند خلاقیت بیّن اهل جست‌وجو را نادیده بگیرند. و از سویی هم دردمندی و باورمداری این شاعران را هم برنتابیده‌اند. و با این یک تعبیر «ایدئولوژیک» بودن صاحب اثر، خواسته‌اند کلک قضیه را بکنند. راست و حسینی بگو که «سلمان هراتی» شاعر بوده و خیلی هم شاعر بوده. اما با عقیده ملاّ من، کنار نیامده. یعنی نخواسته دست در جیب هایش کند؛ سوت بزند؛ لبخندی عکاس پسند تحویل بدهد؛ و چشمش را به «واقعه» و «حادثه» جاری روزگارش ببندد. بر ایمانی دینی تکیه کردن و در سال‌های غربت جوانان شهید و جانباز، به هم‌صدایی آنان برخاستن، جرم است؟ که حالا با چوب خط «ایدئولوژیک» بخواهی اهل درد و اهل جست‌وجو را از میدان به در کنی؟

در سال‌های نه‌چندان دور، کسانی بودند که برای «استالین» کف می‌زدند، به شوق «چه گوارا» سوت می‌کشیدند؛ به هوای «خسرو روزبه» و «مرتضی کیوان» هورا می‌کشیدند؛ صد البته و الان شاعر «ایدئولوژیک» نیستند. ولی سلمان و دوستانش ایدئولوژیک‌اند؟ با شعرهایی که «تن» می‌فروشند و «عشوه» بار من زنند و «تماشا» می‌طلبند. از دختر و پسر و پیر و جوان و خرد و کلان. اینها مشمول تعریف شعر نانند. و جایزه و «به به» و «چه چه»، ولی تا کسی خواست سال‌های جنگ را ببیند و تاریخ باورمند این فرهنگ را دریابد، انگ و وصله و تهدید و بایکوت و تخطئه؟ چرا به تاریخ حواله کنم؟ جان‌های بیدار و جوان‌های هوشیار که در این سال‌ها به آن همه شعرهای مثلاً «غیر ایدئولوژیک» محل نگذاشتند؛ و شعرها و سروده‌های سلمان هراتی با زندگی‌شان درآمیخت و موجب سرشاری لحظه‌هاشان شد، گواهی است بر اصالت «دردمندی» و «جستجوگری».

سلمان هراتی، نه دچار محدودیت شکل‌ها و فرم‌های تجربه شده پیشینی شد؛ و نه به بهانه خلاقیت، از سنت برید. جان و جهانش با همان «دردمندی» و «جست‌وجوگری» یکی شده بود. و خلاقیتش، فراتر از این «بایدها» و «نبایدها»، که توانا بود. هم در محدوده‌های قالب‌های پیشینی، و هم شکل‌های متفاوت، که اینها برای شاعر اصیل، در حوزه زبان و ادب فارسی، مرز و محدوده نیستند. اوست که تکلیف شکل و ساختار و قالب را تعیین می‌کند. اگر کیمیاگر شعر باشی، دست به هر چه بزنی، تلألو جواهر می‌یابد. می‌بینی سلمان در غزل همانقدر نوگراست و خلاق، که در شعر سپید. در مثنوی و رباعی و دوبیتی، همانقدر حرفی برای گفتن دارد که در هنجار نیمایی. که اصل، حرفی است که به عنوان شاعر، باید داشت. آن هم در فرهنگی که شاعران تالی پیامبران بوده‌اند که؛ پس شعرا آمد و پیش انبیاء. مهم ارتباط توست با ملکوت زبان، با روح کلمه. با جاتمایه زندگی. که به قول مهدی اخوان ثالث (م.امید)- آن بزرگ و بزرگوار شعر امروز- این شاعران قالی‌اند که قالب برایشان تعیین کننده است. آنکه فراتر از قالب‌هاست، غالب است بر این مرزبندی‌ها و خطکشی‌ها و چرتکه‌های شبه هنری و «ملاّ ادبی انداختن». و این شاعر است که تکلیف این قالب‌ها را معلوم می‌کند. نه آنکه قالب‌ها به او خط بدهند و جهشش را تعیین کنند.

سلمان هراتی، با همه جوانبش، به خاطر حضورش در مزرعه و کارخانه و مدرسه و جبهه و قرار گرفتن در متن زندگی معنوی، از سلوک و شهودی معرفتی برخوردار بود. و شعر او نشانه این طی طریق. قیامت برایش نه به تصور، که به تصدیق انجامیده بود. و شرح موجز و فشرده رستاخیز در شعرش، اینگونه نکان دهنده و تأثیرگذار است:

من مثل عصر روزهای دبستان اِبر از کسالت و تردیدها و دفترم از مشق‌های خط خورده اسیاه است اهر اِلی من این است اِو ما که زنگ حساب آمد ا با این کمینه خواهند گفت: ابلد هر از بار در شعله‌های آتش دوزخ فرو روی ا اینت جریمه بود ا

**(شعر جریمه، از مجموعه «از آسمان سبز»)**

و در استمراری معرفتی- که آن را با تکرار نباید یکی پنداشت- قصه «موسی و شبان» مثنوی، بر او تجلی دارد. این مولانا‌ست؟ یا موساست؟ یا همان شبان ساده؟ این سلمان هراتی است در سلوکی معرفتی و در طریقی باورمند:

من همان شبان عاشقم اسینه‌چاک و ساکت و غریب ا بی تکلف و رها اُدر خراب دشتهای دور اُدزیی تو می دوم ا ساده و صبور ا یک سبد سنارِه چیده ام برای تو ا یک سبد سنارِه ا کوزه‌ای پر اَب ا دسته‌ای گِل از نگاه اُفتاب...

**(اندر مذمّت تکلّف، «از آسمان سبز»)**

و در نهایت، می‌رسد به دریافت عمیق‌ترین لحظه‌های عارفانه، که فتح این قله ذهن و زبان، جز به تلاش معرفتی و حکمت‌آمیز میسر نمی‌شود. این نمونه‌ای از آخرین شعرهای سلمان هراتی، پیش از آرمیدنش در بهاری سبز، در آبان‌ماه و به پاییز ۱۳۶۵:

در خشش تو امثل اُستاری از بلندی‌های محال می‌ریزد اُدر تخیل مغموم اُدر باغهای نامعنیّ اُو از می خوانم ا برای سنگهای پرنده.

**(پایش وارده‌ها، از «دری به خانه خورشید»)**

سلمان آرمید. در آغوش مادر، زمین. و با خاک به یگانگی رسید. که شرح این ماجرا را، در مقالاتی جداگانه، حسینی و قیصر و من، به سال‌ها پیش نوشته‌ایم... پیش از آنکه نشانه‌ای بر خاک سبز او بگذاریم، باید مجلسی در تهران ترتیب می‌دادیم. یک روز برخاستیم و رفتیم به دیدار پیر و استادمان مهرداد اوستا. حسن حسینی بود و قیصر امین‌پور و ساعد باقری و محمدرضا محمدی نیکو، به گمانم. اوستای بزرگ و صبور و آرام، تسلایمان می‌داد. و بی‌تابی جوانی آن سال‌های ما را به مرهم ملاطفتی تسکین می‌بخشید. خواستیم به عنوان پیشکسوت و بزرگ شاعران زمانه که به اسلوب سخن پیشینیان یگانه روزگار بود، بیاید و در بزرگداشت سلمان سخن بگوید.

استاد ما اوستا، مثل همیشه، جز «آری» از زبان مهربانش نمی‌تراوید. و گفت: در این چند روزه، به یاد این شاگرد جوان و نور چشمی تازه سفر کرده‌ام، چیزی گفته‌ام [که همراه تواضع می‌کرد و از خود شعر نمی‌خواند و خودش را در میانه نمی‌دید و سروده‌های فاخر خود را «چیزه» می‌گفت]. و چند بیت از غزلی را خواند. که شاه بیت آن این بود:

از درد سخن گفتن و از درد شنیدن
با مردم بی‌درد ندانی که چه دردی است

و همین شد، زینت لوح مزار سلمان. اگر گذارتان به شهرستان تنکابن، بخش خرم آباد، روستای مزردشت، بیفتد، در میان نارنجستانی همواره سبز، مزاری را می‌بینید، که نشانه‌ای از روح آسمانی و سبز سلمان است. و با این بیت استاد مهرداد اوستا، در می‌یابید که سلمان «جست‌وجوگر» «دردمند» از این قطعه خاک، تا بهشت رهسپار شده.

**یا علی مدد**

کتاب

## چهار کتاب از نشر قومس

نشر قومس بتازگی چهار کتاب با عناوین «جمهوری خواهی در ایران»، «تغییر اقلیم»، «مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران» و «روش تحقیق در جغرافیای طبیعی» را راهی بازار نشر کرده است.

جمهوری خواهی در ایران عنوان کتابی است از دکتر غلامعباس مصلی‌نژاد که شامل پنج بخش با موضوعات: مبانی و فرایند جمهوری خواهی بعد از انقلاب مشروطه، بازتاب انقلاب روسیه بر شکل‌بندی‌های سیاسی و روند جمهوری خواهی در ایران، قیام‌های منطقه‌ای و ظهور جمهوری خواهی، نقش نخبگان سیاسی در روند تحولات جمهوری خواهی و همچنین، ظهور جمهوری خواهی اقتدارگرا است.

«تغییر اقلیم» نوشته دکتر قاسم عزیزی حاوی هشت فصل است با عناوینی چون: تاریخ اقلیم زمین و مفاهیم پایه، سامانه اقلیم، دلایل طبیعی تغییر اقلیم و...

«مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران» نیز نوشته دکتر محمدرضا رضوانی عنوان کتابی است که به موضوعات توسعه روستایی، سابقه و سیر تحول برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نظام برنامه‌ریزی این توسعه، طرح‌های هادی و بهسازی سکونتگاههای روستایی و... می‌پردازد.

«روش تحقیق در جغرافیای طبیعی (ژئومورفولوژی)» نوشته دکتر ابراهیم مقیمی و دکتر فرج‌الله محمودی شامل ۵ فصل با عناوینی چون: کلیات تحقیقات ژئومورفولوژی، روش شناسی و تحقیق ژئومورفولوژیکی، روش شناسی و تحلیل ژئومورفولوژیکی و... است.

حسین ثابت

جهره‌ها و کتاب‌ها

## سیدمحمد باقر حجتی

دکتر سیدمحمد باقر حجتی در پنجم اسفندماه ۱۳۱۱ در شهر بابل به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتبخانه‌ها و مدارس زادگاهش گذراند و سپس در حوزه‌های علمیه تحصیل کرد.

دکتر حجتی همزمان با تحصیلات حوزوی، در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران تحصیل کرد و با مدرک دکترای حکمت و فلسفه از آن دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۳۹ به عضویت هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران درآمد و مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت معلم را برعهده گرفت.

دکتر حجتی هم اکنون در کنار تحقیق و پژوهش‌های فراوان در علوم قرآنی و حدیث، در مجامع و انجمن‌های علمی قرآنی نیز عضو است. وی همچنین عضو فرهنگستان دمشق با نام مجمع اللغة العربیه است و در دومین همایش چهره‌های ماندگار، در سال ۸۱ به عنوان چهره ماندگار عرصه علوم قرآنی و حدیث برگزیده شد.

دکتر حجتی آثار متعددی در زمینه تفسیر، تعلیم و تربیت و فهرست‌نویسی نسخ خطی دارد که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم. کتاب‌های اسلام و تعلیم و تربیت (۱۳۵۸)، آداب تعلیم و تربیت (۱۳۵۹)، پژوهشی در تاریخ قرآن (۱۳۶۰)، روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی که در سال ۶۰ و با همکاری عبدالکریم عثمان منتشر شد، تاریخ شیعه که در سال ۶۳ و با مشارکت محمدحسین مظفر تألیف شده و از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی نیز منتشر شده است.

دکتر حجتی همچنین در سال ۷۱، فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌های جمهوری اسلامی را در ده جلد، از سوی انتشارات سروش منتشر کرده است.

## فنگ شویی

**«کتاب کوچکِ فنگ شویی» نوشته «جانتان دی» کتابی است پیرامون فنگ‌شویی- به معنی باد و آب- که در واقع هنر باستانی شرق است برای ترویج سلامتی، شادی، سعادت، انرژی و شور و اشتیاق، از طریق چیدمان صحیح اشیاء و دکور مناسب. هدف فنگ‌شویی در مجموع خلق حس هماهنگی در خانه فرد و در نتیجه زندگی اوست جالب این است که برخی از بزرگترین بناهای تاریخی دنیا همچون شهر ممنوعه پکن و دیوار بزرگ چین نیز بر مبنای فنگ شویی ساخته شده‌اند.**

**«کتاب کوچک فنگ شویی» به عنوان مقدمه‌ای بر فنگ شویی است و به خواننده کمک می‌کند تا موقعیت‌های زندگی را بهبود بخشد. این کتاب که در انتشارات مثلث و با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۲۰۰ تومان به چاپ رسیده است، شامل مباحثی چون فنگ شویی چیست؟ پنج عنصر، عدد شانس و اقبال، مربع جادویی، قرار دادن همه چیز در کنار یکدیگر، در ورودی، راهرو و پله‌ها، اتاق نشیمن و... است.**

کتاب هفته

**صاحب امتیاز:**
خانه کتاب ایران

**مدیر مسؤول:** احمد مسجد جامعی
**سردبیر:** علی اصغر رمضانپور

**امور فنی:** گلبرگ گرافیک
**لیتوگرافی وچاپ:** ایرانچاپ
**نشانی:** خیابان قائم مقام فراهانی اول فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم
**صندوق پستی:** ۱۳۱۴۵.۳۱۳
تلفن: ۸۳۲۵۷۲۴، ۸۳۱۸۶۵۹
واحد توزیع: ۸۳۱۸۶۵۳
**نشانی اینترنتی:**
http://www.ketabehafteh.ir

## فرهنگ واژگان طنز

**محمدرضا اصلانی؛ متقد:** از جمله کتاب‌های در دست چاپ من که انتشارات نیلوفر در تدارک چاپ آن است، کتابی است تحت عنوان «یادمانده‌هایی از غریبی آشنا» که موضوعش یادداشت‌های شخص و نامه‌ها، زندگینامه و آثار منتشر نشده بهرام صادقی است. این کتاب حدود ۱۵۰ صفحه‌اش زندگینامه بهرام صادقی است و بعد تعدادی داستان منتشر نشده و شعرهای منتشر نشده صادقی است. به علاوه یادداشت‌های شخصی و نامه‌های صادقی جزو مطالب این کتاب خواهد بود. من بخشی از مطالب این کتاب را توسط دوستان بهرام صادقی، بخشی را هم از سوی خانواده‌اش تهیه کرده‌ام. در ارتباط با زندگینامه‌اش هم تحقیقات زیادی داشتم و با عده‌ای از شخصیت‌های ادبی جامعه که از دوستان صمیمی این نویسنده محسوب می‌شدند، مثل محمد حقوقی، دکتر ضیاء موحد یا آقای اکبر افسری و آقای صفدر تقی‌زاده گفت‌وگو داشتم. این کتاب در مورد شناخت بهرام صادقی و آثارش جزو کتاب‌های مرجع و معتبر قرار خواهد گرفت.

در مورد داستان‌هایی که در این کتاب می‌آید چند داستان شاید جزو سیاه مشق‌هایی به حساب بیایند اما چند داستان برجسته و خوب هم هست که فرصت چاپ آنها را پیدا نکرده بود. حتی چند داستان ناقص را هم در این مجموعه آورده‌ام که اگر کسی خواست بعدها در زمینه سبک زبان و فرم آثارش کار کند به کارش می‌آید.

چاپ این کتاب با بحران کاغذ روبه‌رو شده بود و به همین دلیل انتشار آن به تعویق افتاد ولی الان آخرین مراحل چاپ این کتاب در حال انجام است. کتاب دیگری هم هست که با انتشارات کاروان قرارداد چاپش را امضا کرده‌ام تحت عنوان «فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز» که چاپ آن هم احتمالاً به اوایل سال ۸۴ می‌رسد. چون الان در مرحله حروفچینی و صفحه‌بندی است. کتاب «فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز» کتابی است که من حدود سه سال رویش کار کرده‌ام. البته این را می‌دانم که فرهنگ‌نویسی کار یک نفر نیست. بیشتر یک کار گروهی است ولی با تلاش و تحقیقات بسیار به مدخل‌هایی دسترسی پیدا کرده‌ام که یک فرهنگ جامع و کامل فراهم آمده و حدود سیصد صفحه هم حجم مطالب آن است. غیر از این، دو - سه تا موضوع هم در دست تحقیق و نوشتن دارم که حالا زود است در موردش صحبت کنیم. یعنی الان من روی آثار چند تن از نویسندگان مشغول نقد و بررسی هستم. منتها رویکرد من به آثار این نویسندگان رویکردی زبانشناسی است.

## نمایشنامه‌های لاله زاران

محمود استاد محمد: نمایشنامه‌نویس: الان سه نمایشنامه دارم که در دست چاپ است و «اسید کاظم» و «شب بیست و یکم» دو نمایشنامه‌ای هستند که چاپ مکرر می‌شوند. بعد هم نمایشنامه «سیخ رنج و شکنج» هم هست که برای اولین بار چاپ می‌شود. این سه نمایشنامه در یک مجلد توسط انتشارات ققنوس منتشر می‌شود. نمایشنامه «اسید کاظم» در سال ۵۰ چاپ شده بود تا سال ۵۷ هم چهار - پنج دفعه تجدید چاپ شده بود، اما بعد از انقلاب دیگر چاپ نشد. نمایشنامه «شب بیست و یکم» سال ۵۶ چاپ شد و چاپ دوم آن به بازار می‌آید. همراه این سه نمایشنامه که در یک کتاب می‌آید مقدمه نوشتم که این مقدمه‌ای در مورد «نمایش‌های قهوه‌خانه‌ای» بسیار مهم است. اسم این کتاب «اسید کاظم و دو نمایش دیگر» خواهد بود.

در مقدمه کتاب که راجع به ترنا بازی مباحث مختلفی مطرح است، این بحث را دارم که ترنا بازی، ادامه نمایش‌های قبل از اسلام در ایران است، نمایش‌هایی مثل مینوروزی که ترنا بازی در واقع شکل اسلامی همان نمایش‌های قبل از اسلام است. در مورد نمایشنامه «سیخ رنج و شکنج» هم باید بگویم که این نمایشنامه را سال گذشته نوشتم و نمایشنامه‌ای است که در یک جشنواره رد شد و در یک جشنواره هم جایزه بهترین نمایشنامه را گرفت و تا به حال هم اجازه اجرا نگرفته است. موضوع این نمایشنامه زندگی امروز مردم ایران است.

بعد از این من چند نمایشنامه نوشتم که این

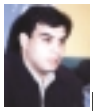
محمدرضا اصلانی

دکتر پروین مزوی

احمد پناهی سمنانی

نمایشنامه‌ها نمی‌تواند به عنوان نمایشنامه‌های معمول و متداول تئاتر ایران محسوب شود. این نمایشنامه‌ها برای لاله‌زار نوشته شده است. یعنی ژانر نمایش لاله‌زاری به عنوان یک سبک در این نمایشنامه‌ها رعایت شده است.

اولین این نمایشنامه‌ها «تنع و ترنا» بود که مرحوم هادی اسلامی سال ۵۸ آن را کار کرد. «جلجراغ»، «سید دلبره و صرمه» به همراه «تنع و ترنا» چهار نمایشنامه‌ای هستند که به اسم «لاله‌زاران» قرار است چاپ و منتشر کنم. ناشر این مجموعه هم انتشارات ققنوس خواهد بود.

## تاریخ در ترانه‌های عامیانه

**احمد پناهی سمنانی؛ محقق:** امسال فقط کتاب آداب و رسوم مردم سمنان را داشتم که چاپ دوم آن را پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر کرده است. البته چاپ اول این کتاب را هم همین مؤسسه منتشر کرده بود. اما چاپ دوم با حدود شصت - هفتاد صفحه عکس همراه شد. این عکس‌ها را من برای چاپ اول تهیه کرده بودم که مورد استفاده قرار نگرفته بود. ولی حالا ضمیمه چاپ دوم کتاب شده است. یک مقدار مطالب تازه هم به متن اصلی کتاب اضافه شده است. کتاب «ترانه و ترانه‌سرایی در ایران» را هم انتشارات سروش در دست چاپ دارد. در این کتاب هم مقداری تجدید نظر کرده‌ام و بافته‌های جدیدی از ترانه‌های عامیانه داشتم که به متن قبلی افزودم. کتاب دیگری هم هست به اسم «تاریخ در ترانه» که قرار بود سال گذشته یا ابتدای امسال چاپ بشود که به دلیل اختلاف با ناشر، کتاب را از آن ناشر گرفتم و به ناشر جدیدی سپردم که اگر اشتباه نکنم اسم این انتشارات پژواک است. چون مجوز چاپ این کتاب به نام ناشر اولی صادر شده بود، ولی حالا به نام ناشر جدید ثبت شده است که همین باعث تأخیر در چاپ آن شده.

غیر از این‌ها، یک مجموعه کتاب‌های تاریخی به زبان ساده نوشته‌ام که راجع به شخصیت‌های تاریخی بودند و تا کنون هم حدود ۲۱ جلد از آنها در طول دهه شصت و هفتاد منتشر شده‌اند. مخاطبان این مجموعه بیشتر جوان‌ها بودند و کسانی که به کتاب‌های تاریخی علاقه دارند اما نمی‌خواهند یا نمی‌توانند کتاب‌های آکادمیک را بخوانند. از این مجموعه دو مجموعه دیگر آماده کرده‌ام که یکی درباره سلطان محمود غزنوی است و یکی هم درباره احمدشاه قاجار. ناشر این مجموعه یکی نشر نمونه بود و یکی هم انتشارات ندا که هر یک از این کتاب‌ها را به چاپ‌های چهاردهم و پانزدهم رسانده بودند. مدیر انتشارات نمونه که فوت کردند این انتشارات دیگر مثل سابق فعال نیست و من هم به دنبال ناشر جدیدی هستم.

در نوشتن هر یک از این کتاب‌ها بیشتر زمینه تاریخی رشد و به قدرت رسیدن آن شخصیت‌ها را مدنظر داشتم؛ وضعیت اقتصادی و فرهنگی و از اینکه کدام سلسله ظهور کرده‌اند همه را در این آثار آورده‌ام. این مجموعه از تیمور لنگ شروع شده تا آغامحمدخان قاجار و چنگیزخان و تیمور لنگ تا شاه عباس و شاه اسماعیل صفوی و امیرکبیر ادامه پیدا کرد؛ یعنی ترتیب تاریخی نداشت، چون بسته به سلیقه و فرصت و امکانات این کتاب‌ها را نوشته‌ام. برای نوشتن پیرامون هر شخصیت حداقل از سی تا هفتاد منبع معتبر تاریخی سود برده‌ام. تمام کتاب‌های تاریخی پایه را جست‌وجو کرده‌ام و در مورد کتاب «تاریخ در ترانه» باید بگویم که رخدادهای تاریخی به روایت ترانه‌های عامیانه مقوله‌ای بود که کسی در این زمینه کار نکرده بود. مثلاً از زریر شروع کردم و شخصیت‌های تاریخی که منفور یا محبوب بودند و به نوعی در ترانه‌های مردم رفتارشان منعکس شده بود. جمع‌آوری کردم تا رسیدم به مقطع انقلاب و قسمتی هم از این کتاب را به شعارهای آهنگین مردم در انقلاب اختصاص دادم. این کتاب هم بزودی منتشر می‌شود.

## تاریخ چاپ سنگی در ایران

**دکتر پروین مزوی؛ مترجم:** الان کتاب تازه‌ای در دست ترجمه ندارم چون یک مقدار مشکلات داشتم که اجازه کار در این زمینه را به من نداد. بعد از ترجمه و چاپ کتاب «دوره غرب زیانی در ادبیات فارسی» که توسط انتشارات دشتستان منتشر شده بود، کتاب «تاریخ چاپ سنگی در ایران» را ترجمه کرده‌ام که هنوز منتشر نشده است. این کتاب ترجمه‌ای از تحقیق یک خانم روسی است که در زمینه پیدایش چاپ سنگی در ایران انجام داده است. یعنی از زمان عباس میرزا که زمان پیدایش چاپ سنگی در ایران بود و عباس میرزا دستگاه چاپ سنگی را به ایران آورده بود تا دورانی که چاپ فراگیر شد. نویسنده در این تحقیق بسیاری از آثار را نام می‌برد و معرفی می‌کند که در آن دوران به شکل چاپ سنگی در ایران منتشر شده است، به هر حال کتاب مفصل و بسیار خوبی است. این کتاب را انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی چاپ و منتشر می‌کند.

## تازه‌های آخر

### زندگی یعنی...

«زندگی یعنی... قدر لحظه را دانستن» عنوان کتابی است تألیف اولیویه نانر و مورتز ترجمه نسرین گلدار. نویسندگان این اثر در تلاشند تا با ارائه اطلاعات و آگاهی و ارائه روشی برای تعمق بیشتر در زندگی به افراد تفهیم نمایند که نحوه زندگی و رفتار اشخاص در آینده زندگیشان متأثر از پدر، مادر، آموزش و سنت‌ها است. انتشارات آسیم بزودی این کتاب را منتشر خواهد کرد.

### سفره مرگ

«سفره مرگ» عنوان کتابی از حسن خادم است. نویسنده در کتاب حاضر به جمع‌آوری مطالب گوناگون ذیل مبحث مرگ پرداخته و به تفصیل درباره آن سخن گفته است. او مطالب خود را از کتب تاریخی، آثار مذهبی و نشریات برگرفته و از جهات مختلف، عوامل طبیعی و غیرطبیعی را که منجر به مرگ‌های فردی یا جمعی می‌شوند، برشمرده است. انتشارات تندیس در تدارک چاپ این کتاب است.

### کلمات آرامبخش

«کلمات آرامبخش» عنوان کتابی است از هلن اکسلی با ترجمه مهدی فراجه داغی. کتاب حاضر ۵۰ عبارت و جمله ادبی است که از سوی اندیشمندان مختلف بیان شده و هدف آن ایجاد آرامش و رضایت در خواننده و مخاطب است. انتشارات آسیم بزودی این کتاب را منتشر خواهد کرد.

### قلعه

«قلعه» عنوان رمانی است از مشا سلوویچ نویسنده «قفبدوستی» او در اغلب آثارش مسائل مذهبی منطقه را شرح می‌دهد. ماجرای رمان قلعه که به قلم نیک سیرت به فارسی برگردانده شده، در زمان حاکمیت امپراتوری عثمانی در منطقه بالکان اتفاق افتاده است. انتشارات ایتکار نو در تدارک چاپ این کتاب است.

### نمایشنامه نویسی عروسکی

«نمایشنامه‌نویسی عروسکی» عنوان کتابی است تألیف سیمین امیریان. کتاب حاضر شامل دو بخش است؛ بخش آموزشی و تئوریک کتاب که شامل توضیحات، تعریف‌ها و معرفی نمونه‌هایی از نمایش‌ها و نکات فنی و آموزشی است و بخش دوم مشتمل بر پنج نمایشنامه قابل استفاده در کار عروسکی می‌باشد. نشر قطره بزودی این کتاب را منتشر خواهد کرد.

### کاروان اشک

«کاروان اشک» عنوان سفرنامه‌ای از علی هادیان در رابطه با سفر به عتبات عالیات کشور عراق است که انتشارات آریازمین بزودی آن را منتشر خواهد کرد.

### انجمن‌های تهران

«انجمن‌های تهران در عصر مشروطیت» عنوان کتابی است تألیف فاطمه شیرانی که بررسی و معرفی انجمن‌ها و گروههای سیاسی دوران پیش از مشروطیت، همزمان با عصر مشروطیت و پس از آن پرداخته است و انتشارات پاپلز آن را آماده چاپ خواهد کرد.

### موفقیت بدون ریسک

«موفقیت بدون ریسک» عنوان کتابی است تألیف چارلز گیونر با ترجمه منوچهر سرحدی. کتاب حاضر در سه قسمت و چندین فصل به مبحث خودساختگی برای رسیدن به یک زندگی برتر می‌پردازد و انتشارات نسل نواندیش در تدارک چاپ آن است.

### از کورش تا زیوبرزن

«حکومت جهانی ایرانیان از کورش بزرگ تا آریوبرزن» عنوان کتابی است از عبدالرفیع حقیقت. این کتاب سرگذشت کورش است و در ادامه عملکرد هخامنشیان را مورد نظر داشته است و انتشارات کومش در تدارک چاپ آن است.

### سمفونی دنیای نو

«سمفونی دنیای نو (زندگی نامه آنتونین دورژاک)» عنوان کتابی است از یان وان استراتن با ترجمه علی‌اصغر بهرام‌بیگی. کتاب حاضر شرح زندگی آنتونین دورژاک آهنگساز برجسته و نامدار کشور چک است و توسط انتشارات دنیای نو منتشر خواهد شد.

### داستان‌های آن پو

«داستان‌هایی از ادگار آلن پو» مجموعه ۷ داستان از نویسنده بزرگ ادگار آلن پو از بنیانگذاران داستان کوتاه است. این کتاب توسط حبیب گوهری راد به زبان فارسی ترجمه شده است و انتشارات شهر خورشید در تدارک چاپ آن است.